



مجاهد شهید
مصطفی جوان خوشدل



سال پنجم - بهمن ماه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۳ - شماره ۱۰۰۰ ریال (خارج از کشور معادل یک دلار)



مجاهد شهید کاظم ذوالانوار
عضو مرکزیت

گرامی باد خاطره تابناک اولین دسته از شهدای عضو مرکزیت مجاهدین خلق ایران



مجاهد شهید محمد بازرگانی



مجاهد شهید علی باکری



مجاهد شهید علی میهن دوست



مجاهد شهید ناصر صادق

پاسخ دندان شکن مردم به انتخابات فرمایشی رژیم ضد خلقی خمینی

در صفحه ۶

- * گزارشی از فعالیت های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته های مقاومت در هفته تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۲)
- فعالیت گسترده و عملیات تبلیغی هسته های مقاومت مجاهدین در سراسر کشور، آنچنان استقبال و پشتیبانی و شرکت فعال مردم را در امر تحریم انتخابات برانگیخت که رژیم خمینی را سراپا در وحشت و دفاع زبونانه فروبرد .
- در صفحه ۱۳
- * گزارش کوتاهی از چگونگی برگزاری نمایش انتخابات و اوضاع فلاکت بار صندوق های اخذ رأی در تهران و شهرستانها
- در صفحه ۶
- * انعکاس جهانی فعالیت هسته های مقاومت و پخش پیام
- مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم "انتخابات" در سراسر کشور
- در صفحه ۳

پیام تبریک

مسئول شورای ملی مقاومت

به مردم ایران

و هسته های مقاومت مردمی

در رابطه با تحریم پیروزمند

انتخابات فرمایشی خمینی

* شکست کامل دیکتاتوری خون آشام ارتجاعی در نمایش انتخاباتی اش، نشانه ی درماندگی، انزوای مطلق، عدم مشروعیت و سرنگونی قطعی رژیم خمینی و گواه پیروزی محتوم ملت سرفراز ایران و مقاومت عمومی برای صلح و آزادی است .

هموطنان عزیز،
مردم قهرمان ایران !

نمایش مضحک انتخابات مجلس فرمایشی و ضد ملی و ضد اسلامی که ماهیست سردمداران رژیم خمینی به تدارک آن مشغولند با رسوائی و شکست کامل روبرو گردید .

بر اساس گزارشی که تا هنگام نگارش این سطور مشخصاً از ۴۳ حوزه در نقاط مختلف تهران و همچنین دهها حوزه دیگر در شهرهای تبریز، اصفهان، رشت، اهواز، مشهد و شیراز دریافت شده، حوزه های باصلاح رای گیری در حلقه ی عوامل مسلح و سرکوبگر خمینی دیروز بشدت خلوت بود .

گزارشات مربوط به گردستان نیز حاکی از تحریم کامل نمایش

بقیه در صفحه ۲

- ### در صفحات دیگر:
- * پاسخ به نامه های رسیده
 - * به یاد شهیدان حماسه آفرین اول فروردین ۱۳۶۱
 - * اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت
 - * جنایت فجیع دیگری از دشمنان خمینی
 - * اخبار کوتاه
 - * اطلاعیه های نظامی مجاهدین خلق - مرکز کردستان
 - * واکنش های رژیم خمینی در قبال افشاگریهای
 - بین المللی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران و
 - وضعیت زندانیان سیاسی
 - * قسمت هائی از چند اطلاعیه حزب دمکرات کردستان ایران

زندان و زندانی

سلسله خاطرات

گزارشات و نوشته های

از زندان ها

و شکنجه گاه های

رژیم ضد بشری خمینی

گزارش دوم

(زندان شهید - قسمت اول)

در صفحه ۱۰

پیام تبریک مسئول شورای ملی مقاومت به مردم ایران و هسته‌های مقاومت مردمی

در رابطه با تحریم پیروزمندان انتخابات فرمایشی خمینی

بقیه از صفحه اول

انتخاباتی خمینی از سوی مردم قهرمان و زحمتکش آن سامان است.

به این ترتیب علیرغم اختناق مطلق و خطر از دست دادن کار و قطع کوبین ارزاق (در برابر خودداری از شرکت در انتخابات)؛ علیرغم ۲۰ اداره و نهاد سرکوبگر و چندین شبکه‌ی جاسوسی و گشتی ویژه دیگر؛ علیرغم اینکه رژیم خمینی حتی به بهانه‌ی کشف قاچاق نیز، جو اختناق و رعب و وحشت را تا آنجا که می‌توانست بالا برده و گشتی‌های مخصوص در نقاط مختلف تهران مستقر کرده بود و همچنین علیرغم وضع مقررات حادثی نظیر جلوگیری از عبور و مرور وسایط نقلیه و ممنوعیت پارک کردن در بسیاری نقاط شهرها؛ تحریم فعال و تمام عیار انتخابات فرمایشی با پیروزی چشمگیر به انجام رسید... این پیروزی بر همه‌ی دوستان صلح و آزادی و حاکمیت ملی و همه‌ی اقشار و طبقات مردم ایران مبارک باد.

این پیروزی ضمناً بطلان افسانه‌ی ثبات رژیم خمینی و رؤیای خلافت ابدمدت او را به بهترین صورت به جهانیان نشان داد. در واقع خمینی که از شکست مفتضحانه‌ی فرمان ۸ ماده‌ای و اصلاحات ادعائی‌اش در یکسال و نیم پیش، عبرت نگرفته بود، چنین می‌پنداشت که در "تنور" سرکوب و جنگ‌افروزی می‌توان "نان" نمایش انتخاباتی را نیز خورد! به این ترتیب خمینی با دعوت به انتخابات آزاد! یکی از بزرگترین اشتباهات سیاسی سال‌های اخیر خود را مرتکب گردید. او گوشتد تا در بازار دجالگری و خیانت خود، اختناق و شکنجه و اعدام را در زورق "انتخابات آزاد!" توأمان عرضه کند. اما از آنجا که اقتضای ماهیت و جان‌مایه‌ی موجودیت و ادامه‌ی حیات رژیم او جز "جنگ و سرکوب" نیست؛ حتی دم‌زدن از "انتخابات آزاد!" نیز تاوان گزافی برای او و رژیمش در پی داشت. معمولاً رژیم‌های استبدادی بر سر انتخابات فرمایشی، سروصدای زیادی برآه نمی‌اندازند. خواست خود را فی‌المجلس و به سرعت پیش می‌برند و آنگاه سر به زیر می‌اندازند و بکار خود مشغول می‌شوند و از دم‌زدن مداوم از "انتخابات آزاد" نیز آگراه دارند... اما از آنجا که وقاحت خمینی و آخوندهای خمینی صفت، حد و مرز نمی‌شناسد؛ در آن واحد هم می‌خواهند با سلب حق حاکمیت ملت، از امتیازات و ولایت و استبداد فقیه برخوردار شوند و هم بد پشتگرمی به ولایت و حاکمیت مردم که از طریق انتخابات آزاد و مجلس شورای ملی ابراز می‌شود، تظاهر کنند. اگر چه مدت‌هاست که دیگر در دنیا کمتر کسی دعوی "انتخابات" را از خمینی باور می‌کند. بنحوی که بخش اعظم افکار عمومی جهان و اغلب مفسران و صاحب‌نظران، این بار نیز نمایش انتخاباتی او را به سُخره گرفته و آن را انتصایات از پیش تعیین شده‌ی تلقی نمودند.

در همین رابطه شورای ملی مقاومت با انبوهی از مدارک و گزارشات مستند، تمامی پارلمان‌های جهان را - که نمایندگان آنها دو هفته‌ی پیش در کنفرانس بین‌المجالس در ژنو گرد هم آمده بودند - بار دیگر مطلع ساخت که در نظام خمینی یعنی رژیمی که رسماً حق حاکمیت مردم را از اساس زیر پا گذاشته و تحت عنوان ولایت فقیه بر استبداد انحصاری موجودی بنام "فقیه" تکیه دارد؛ اصولاً چیزی بنام "پارلمان" یا "مجلس"

فاقد موضوعیت و اصالت است و نمایندگان آن هیچگونه صلاحیت و مشروعیت مردمی ندارند.

بگذریم که افتضاح انتخابات باصطلاح آزاد خمینی این بار به آنجا رسید که حتی جماعتی که تا ماه گذشته خود را "به عنوان وفادار به قانون اساسی" به مثابه‌ی "تنها گروه حذف‌نشده از صحنه" معرفی نموده و نحوه‌ی برخورداری خود از مزایای صحنه را "میزانی برای سنجش آزادی" اعلام می‌نمود، سرانجام شرمگینانه "بدلیل شرایطی که به کشور حاکم است از انجام این وظیفه‌ی بزرگ اسلامی و ملی محروم... و برای دومین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی کاندیدا معرفی ننمود." چرا که خمینی علیرغم وفاداری اعلام شده‌ی این آقایان به تمامیت همین نظام سرکوبگر و خون‌آشام، حتی حاضر نشد امتیازات جزئی را که این جماعت (در ازای معرفی کاندیدا و شرکت فعال خود در انتخابات) خواستار شده بودند، ببذیرد.

تمامی این علائم به روشنی گواه عدم مشروعیت و انزوای مطلق دیکتاتوری خونخواری است که هرگز اصلاح‌پذیر نبوده و جز سرنگونی محتوم، سرنوشت دیگری ندارد. این حقیقت، بطلان همه‌ی فرضیات مبتنی بر احتمال سر برآوردن آلترناتیوی از درون این رژیم را نیز بیش از پیش به اثبات می‌رساند و خام خیالی دل‌بستگان به چنین فرضیاتی را چه در داخل یا خارج کشور برملا می‌سازد. هم‌میهنان!

پیروزی مجاهدت‌های هسته‌های مقاومت و فعالیت‌های گسترده‌ی مردمی برای تحریم انتخابات فرمایشی و نیز توضیحات و تلاش‌های سیاسی کلیدی اعضای شورای ملی مقاومت (چه در داخل کشور و چه در صحنه‌ی بین‌المللی) نظر همه‌ی خبرگزاری‌ها و وسائل ارتباط جمعی جهان و توجه مفسران و صاحب‌نظران مسائل ایران را برانگیخته است. به این ترتیب یکبار دیگر افسانه‌های خمینی‌گرایانه‌ی از بین رفتن یا تضعیف مقاومت ایران نیز نقش بر آب شد. سردمداران رژیم، خود در موارد متعددی ناگزیر از اعتراف به حضور و فعالیت گسترده‌ی هسته‌ها و رزمندگان ما شدند و البته دیری نخواهد گذشت که بر حقایق مسلم دیگری نیز آگاه و معترف شوند. همان حقایقی که زمینه‌های اثبات آن بسوی قیام عمومی برای صلح و آزادی در حال تدارک است.

همچنین من باب گزارش، بایستی به عرض برسانم که تدارک برای تحریم فعال انتخابات فرمایشی خمینی از اوایل بهمن‌ماه گذشته بدنبال تصمیم شورای ملی مقاومت مبنی بر تحریم تمام عیار و اطلاعاتی مورخ ۱۱/۱۱/۶۲ آغاز و طی دو ماه و نیم با تمام قوا در خارج و بویژه در داخل کشور دنبال گردید. در این مدت هسته‌های مقاومت با مجاهدت‌های پیگیر و دلیرانه که در همه جا از حمایت‌ها و همکاری‌های وسیع مردمی برخوردار بود؛ پیام تحریم شورای ملی مقاومت را از طریق تراکت و شعار و با بکار بردن ابتکارات خلاقانه و تحسین‌برانگیز در سراسر کشور به میان مردم برده و در بیش از ۴۰ شهر نیز ابتکارات تبلیغی - اجتماعی را با اقدامات سیاسی - نظامی تکمیل نمودند.

علیهذا عمیقاً وظیفه‌ی خود می‌دانم که از هسته‌های مقاومت و کلیدی فرماندهان و مسئولین آنان بویژه از مسئول بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران برادر مجاهد مهدی براعی و از مسئولین رادیو مجاهد (بخاطر پخش برنامه‌های فوق‌العاده در رابطه با تحریم

انتخابات) و نیز از مسئولین نشریه‌ی مجاهد بخاطر انتشار پیام‌ها و رهنمودهای تحریم که نسخه‌های پیوسته یا مجزای آن بطور ریزنویس در اقصی نقاط کشور پخش گردید؛ تقدیر کنم. بی‌گمان جمع‌بندی تجارب حاصله به مقاومت عمومی خلق و به شورای ملی مقاومت امکان خواهد داد که در آینده، قدم‌های باز هم بزرگ‌تری در راستای سرنگونی این رژیم ضدبشری بردارند.

لازم به یادآوری است که کلیدی احزاب و سازمان‌ها و شخصیت‌های عضو شورای ملی مقاومت نیز هر یک به فراخور توان و امکان، چه در داخل و چه در خارج از کشور، برای پیش بردن ایده‌ی "تحریم" و انعکاس بین‌المللی پاسخ قاطع مردم ایران به رژیم نامشروع خمینی و انتخابات فرمایشی او، تلاش نموده و باز هم فعالیت‌های ضروری در این رابطه را پیگیری خواهند نمود. بخصوص حزب دمکرات کردستان ایران که با برنامه‌های تبلیغی "صدای کردستان" و توزیع اطلاعاتی دفتر سیاسی حزب در این باره و سایر اقدامات خود، انتخابات فرمایشی را در کردستان فعالانه تحریم نمود. بنابراین بایستی از عموم هموطنان عزیز در سراسر کشور درخواست نمود که هسته‌ها و واحدهای مقاومت را در هر کجا که هستند بیش از پیش مورد حمایت قرار داده و از جهات مختلف تدارکاتی، حفاظتی، مالی، اطلاعاتی و... به هر طریقی که میسر است به آنان یاری رسانند.

همچنین هسته‌های رزمنده‌ی مقاومت بایستی با جمع‌بندی تجارب عملی و به کمک فرماندهان و مسئولین خود، سطح و مدار کار خود را از این پس یک گام ارتقاء دهند. در این رابطه تحکیم حلقه‌های ارتباطی بویژه با فرماندهی سیاسی - نظامی، بالا بردن توان انطباق و ارتقاء تاکتیکی‌ها و ابتکارات، پیوند دادن فعالیت‌های خود با توده‌ی مردم و حرکات مردمی که امر بسیار مهمی در ناکام ساختن نیروهای سرکوبگر دشمن به شمار می‌رود، اهمیت درجه‌ی اول دارند. بویژه باید برای دریافت خطوط و برنامه‌های مرحله‌ای و دریافت ضوابط و رهنمودهای ستادهای اجرائی و فرماندهی؛ تلاش کرد. مسلماً برای آن طیف از نیروهای مقاومت که در هسته‌ها متشکل نیستند و یا ارتباطات سازمان‌یافته ندارند؛ تشکیل هسته‌های جدید با مراعات کامل ضوابط ایمنی و تلاش برای وصل ارتباطات، وظیفه‌ی مقدم محسوب می‌شود.

مردم قهرمان ایران،

هسته‌های مقاومت مردمی؛

بدیهی است که در پی شکست کامل مرحله‌ی اول و اساسی انتخابات فرمایشی، خمینی باز هم حسب‌المعمول به جنگ‌افروزی و اعدام افزون‌تر، روی خواهد آورد. البته پاسخ مردم ما مقاومت تمام عیار، گسترش جنبش عمومی صلح، درهم شکستن بسیج ضدخلقی و افشای جنایات و فجایع ضدانسانی خمینی است. مردمی که دیری است مصمم شده‌اند خونبهای آزادی و حاکمیت مردمی را تماماً بپردازند و دیروز باز هم ثابت گردند که دجالگری و ترور و شکنجه و جنگ‌افروزی با مال‌دیگر اثر ندارد...

اکنون زبان حال خمینی: "جنگ، جنگ، جنگ؛ اختناق" است اما ما همچنان تکرار می‌کنیم: "صلح، صلح، آزادی".

مسئول شورای ملی مقاومت

مسعود رجوی

۶۳/۱/۲۷

ارتجاع؛ جنگ، جنگ، اختناق؛ انقلاب؛ صلح، صلح؛ آزادی

انعکاس جهانی فعالیت‌های مقاومت و پخش پیام مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم "انتخابات" در سراسر کشور

روزنامه "تاگس تسایتونگ" (آلمان)

۱۳/ آوریل / ۱۹۸۴

مجاهدین خلق

دعوت به تحریم انتخابات می‌کنند

دالاس مورنینگ نیوز (آمریکا)

۱۵/ آوریل / ۱۹۸۴

همزمان با برگزاری انتخابات در ایران

مخالفت سیاسی با خمینی آشکار می‌شود

روز چهارشنبه میرحسین موسوی نخست‌وزیر بعد از جلسه کابینه، مشکلات ضد دولتی را در رابطه با انتخابات تصدیق نموده و گفت که هیئت وزیران اخباری راجع به پاره کردن پوسترها بوسیله منافقین (مجاهدین) در شهر اصفهان شنیده است. او گفت که ما ممکنست این مشکل را در سراسر کشور داشتیم.

حدافل ۶۰ بمب صوتی در مراکز گاردهای اسلامی و مراکز مهم دیگر، در طول دو هفته گذشته منفجر شده است. یکشنبه گذشته در ارومیه که مرکز استان آذربایجان می‌باشد، دو بمب صوتی یکی در مرکز فرماندهی گاردهای اسلامی و دیگری در ساختمان استانداری منفجر شده است.

یک رهگذر گفت: "دیوارهای کاخ شیطان ترک خورد. گاردهای اسلامی و پلیس از تمام نقاط شهر به محل آمدند و در نتیجه یک خلاء امنیتی در سایر نقاط بوجود آمد که مخالفین از آن برای پخش اعلامیه‌های ضد خمینی و چسباندن عکسهای مسعود رجوی استفاده کردند." روز سه‌شنبه در شهر تبریز مرکز آذربایجان شرقی، اطلاعات غلط داده شده به گاردهای اسلامی و پلیس، آنها را فرستاد که مخالفان برای دو ساعت بدون هیچ مزاحمتی نشریات ضد خمینی را پخش می‌کردند.

یک شاهد می‌گفت: "نمی‌توانستم آنچه را که در جلوی چشمم اتفاق می‌افتد باور نمایم. مجاهدین درست همانند روزهای بعد از سقوط شاه مشغول پخش نشریات و پوسترها ایشان بودند."

در تهران مسئولین تبلیغات انتخاباتی مجبورند روزانه هزاران پوستر پاره شده نامزدهای انتخاباتی را عوض کنند و بسیاری از وسائل نقلیه شرکت واحد اتوبوسرانی که اصلی‌ترین وسیله حمل و نقل عمومی است، چندین بار رنگ بقیه در صفحه بعد

ایران در روز یکشنبه انتخاباتی را بمنظور بنمایش گذاردن محبوبیت، مشروعیت و ثبات رژیم خود انجام می‌دهد. ولی گزارشات رسیده از دهها شهر ایران نشان‌دهنده حضور مخالفان سیاسی است.

یکشنبه گذشته در شهر رشت در استان گیلان حدود ۵۰۰ زن ظاهرا برای مراسم ازدواج جمع شده بودند ولی آنها یک تظاهرات با شعارهایی بر علیه خمینی را در طول سه خیابان برپا کردند.

زنی که تظاهرات را دیده بود گفت: خیلی موفقیت‌آمیز بود. تظاهرکنندگان بقدری خوشحال بودند که بنظر میرسید واقعا یک عروسی را جشن می‌گیرند. زمانی که واحدهای گاردهای اسلامی (پاسداران) به صحنه شتافتند جمعیت زنان که بوسیله پیشاهنگانی از خود، از خطر آگاه شده بودند، بسرعت ناپدید گردیدند.

این تظاهرات نشانه‌ای از فعالیتهای همزمان و هماهنگ شده‌ی ضد دولتی است که باعث می‌شود که پیام اخیر مسعود رجوی رهبر سازمان چریکهای سوسیالیست مسلمان بنام مجاهدین خلق باور شود که او گفته بود که سازمانش مشکلات مربوط به فرماندهی و ارتباطات را با موفقیت حل کرده است.

این گروه چریکی دعوت به تحریم انتخابات روز یکشنبه را نموده است. در این انتخابات که دومین انتخابات مجلس بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ می‌باشد، مجلسی که دارای ۲۸۰ کرسی است، تنها نامزدهایی که دقیقا دست‌چین شده‌اند می‌توانند حق رای داشته باشند.

مستقیمی درباره‌ی فعالیت‌های اپوزیسیون، مانند درخواست از ارگان‌های امنیتی و مردم جهت توجه شدیدتر به فعالیت‌های ضد انقلابی بدست آورد، مدتی بطول خواهد انجامید تا اطلاعات بدست آمده در باره‌ی فعالیت‌های مقاومت، جمع و جور شده و ارزش گذاری شوند.

ندارند که اطلاعاتی راجع به آکسیون‌هایشان به خبرنگاران بدهند یا به خارج رد کنند. جایی که تنها عملیات بمب‌گذاری آنجانی بیشتر جلب توجه می‌کنند تا انواع فعالیت‌های آسان‌تر و کم‌خطرتر سیاسی علنی. تحریم انتخابات اولین آکسیون‌ها از این نوع نیستند که مجاهدین انجام داده‌اند. در پایان نوامبر سال گذشته "هفته‌ی ملیشیا" انجام شد که در آن اعضای ملیشیا، واحدهای مسلح سازمان با پخش اعلامیه و عکس‌های مسعود رجوی، ادامه‌ی وجود خود را با وجود اختناق بیرحمانه‌ی رژیم به اثبات رساندند. از تاریخ ۶ تا ۱۲ ژانویه، بخش فعالیت‌های علنی مجاهدین، "هفته‌ی صلح" را برگزار نمود. در این ایام (این هفته) ملیشیا و هسته‌های مقاومت که هواداران نیز در آن همکاری می‌کنند، جنگ‌طلبی رژیم را نیز بوسیله اعلامیه و شعار نویسی بر روی دیوار خانه‌ها، مورد انتقاد قرار دادند. هر دو آکسیون بخصوص دوتای آخری نشان دادند که شبکه‌ی سازمان بعد از فاز درگیری‌های مسلحانه، دستگیری‌های دستجمعی و اعدام‌ها، خود را با شرایط متغیر تحت حاکمیت اختناق که مجاهدین نیز انتظار آن را با این شدت نداشتند، انطباق داده و توانسته‌اند تجدید سازماندهی کنند. همچنین بنظر می‌رسد که رابطه‌های بین ملیشیا و هسته‌های مقاومت مجددا بکار افتاده باشد، یک شرط اجتناب‌ناپذیر برای آکسیون‌هایی که در حال حاضر در مقیاس وسیعی نسبت به "هفته‌ی ملیشیا" و "هفته‌ی صلح" انجام می‌شوند. اوج این عملیات را پایان هفته به همراه می‌آورد.

است یکبار دیگر شات رژیم را به نمایش بگذارد. این مسئله از آنجانب اهمیت برخوردار است که گویی رژیم خمینی به مناسبات اقتصادی با غرب شدیداً وابسته است. مطابق این نشانه‌های روز، فرستاده‌ی خبرگزاری فرانسه "AFP" در تهران، در پیش-گزارش خود در مورد انتخابات روز یکشنبه چنین می‌نویسد: "وجه-تمایز آشکار انتخابات کنونی با انتخابات چهار سال قبل، در این است که اولی هنوز کامل در چارچوب انقلاب قرار داشت و کلیه‌ی گروه‌های بزرگ سیاسی گاندیداهای خود را به میدان مسابقه فرستاده بودند. امروز حکومت اسلامی سخت لنگر انداخته و اپوزیسیون یا از بین برده شده یا به زیرزمین رفته..."

اما یک نتیجه‌ی جانبی ناخوشایند اینکه معاملات دوباره می‌توانند بلامانع انجام شوند. همچنین برای پاره کردن پوشش اینگونه سیاست نادرست، مجاهدین از آغاز ماه تا کنون، فعالیت‌های تبلیغی و سیاسی علنی را جهت تحریم انتخابات انجام داده‌اند. تنها در فاصله‌ی زمانی بین ۱ تا ۴ آوریل، ۳۰ آکسیون که در ابتدای مطلب توضیح داده شد، اجرا گردید. آکسیون‌های دیگری نیز از شهرهای گرگان، تبریز، اصفهان، رشت، اراک، بابل، کرج، کازرون و بم گزارش شد. به‌عنوان مثال در تاریخ ۳ آوریل از گرگان گزارش داده شد که ۶۰ اعلامیه پخش و نصب شده‌اند و گزارشی بتاريخ ۴ آوریل از تهران حاکی از این است که در بلوار کشاورز ۶ شعار در تحریم انتخابات نوشته شده است. اینگونه آکسیون‌های (پخش) اعلامیه، ممکن است در اینجا بی‌اهمیت بوده و اخبار مربوط به آنها به‌ظاهر بی‌اندازه بزرگ نمایانده شوند، اما باید در نظر آورد که در وضعیت سیاسی ایران، یک نفر را می‌توانند به علت پخش یک برگ اعلامیه اعدام کنند. گذشته از این تقریبا غیرممکن است که برای خود، تصویر دقیقی از ابعاد آکسیون‌ها بدهیم؛ چرا که اغلب هسته‌های مقاومت امکان اینرا

در تاریخ اول آوریل تصویر غیر معمولی به عابران خیابان شلوغ تخت طاووس در وسط تهران خودنمایی کرد. ایرانیان مخالف اعلامیه‌هایی پخش می‌کردند که در آن به تحریم انتخابات مجلس در روز یکشنبه آینده دعوت نموده بودند. پخش-کنندگان اعلامیه، اعضای هسته‌ی مقاومتی بودند که توسط مجاهدین سازمان داده می‌شوند و بطور زیرزمینی با خمینی مبارزه می‌کنند. در تاریخ ۲۰ ژانویه مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق و رئیس شورای ملی مقاومت در پاریس، مردم ایران را به تحریم انتخابات دعوت نمود. رجوی ضرورت این حرکت را چنین استدلال نمود: "گاندیداها و نمایندگان این مجلس نامشروع و ضد بشری همگی شریک جرم‌های جنایات خمینی علیه آزادی و استقلال کشور هستند و همگی در سرکوب خونین مقاومت مردم ایران شرکت دارند." مجاهدین می‌گویند در این شرایط شرکت در انتخابات به معنای تأیید رژیم و دادن مشروعیت بیشتر به او می‌باشد؛ زیرا روز یکشنبه هیچ آلترناتیو سیاسی دیگری در مقابل رژیم در معرض انتخاب قرار نگرفته است...

اینکه چرا اصلا انتخابات برگزار می‌شود، مجاهدین اهم دلایل آن را کسب مشروعیت و اعتبار در خارج توسط رژیم می‌دانند. رجوی در دعوت خود به تحریم می‌گوید: "چرا که خمینی اختناق و چهره‌ی ارتجاعی خود و رژیمش و ایزولاسیون اجتماعی و سیاسی خویش را باید بی‌پوشاند و از ایترو نمی‌تواند مجلس را تعطیل کند و آن را مانند بسیاری جاهای دیگر به یک زندان یا شکنجه‌گاه یا مقر پاسداران تبدیل کند. وی نیاز به مجلس دارد که گشتار و ایجاد بحران و به جنگ‌طلبی او را توجیه کند و به آن مشروعیت بدهد. این نیمچه قبای پارلمانی برای او تا آن حد از اهمیت برخوردار است که کسانی را که شاید بعضی وقت‌ها یک اعتراض خفیفی هم می‌کنند به مجلس راه نمی‌دهد..."

این انتخابات که جهت‌گیری آن به سمت غرب است، قرار

انعکاس جهانی فعالیت هسته‌های مقاومت و بخش پیام مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم "انتخابات" در سراسر کشور**Süddeutsche
Zeitung**روزنامه‌ی
زود دویچه تسایتونگ (آلمان)
۱۱/ آوریل/ ۱۹۸۴**فرا خوان برای تحریم انتخابات**

سعود رجوی رئیس اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران که در فرانسه در تبعید بسر می‌برد، از مردم کشورش خواست که انتخابات مجلس را در ۱۵ ماه آوریل تحریم کنند.

رجوی همزمان با آن اعلام نمود که هسته‌های مقاومت جنبش وی، یک هفته قبل از انتخابات از طریق اعلامیه‌ها تلاش می‌کنند تا نظر موافق مردم را برای تحریم انتخابات بدست آورند.

خبرگزاری D.P.O.A (آلمان)

۹/ آوریل/ ۱۹۸۴

ایران: انتخابات - رجوی رئیس مجاهدین خواستار تحریم انتخابات است

پاریس - خبرگزاری آلمان فدرال مسعود رجوی رئیس مجاهدین خلق ایران که در پاریس در تبعید بسر می‌برد، طی اطلاعیه‌ای که در روز دوشنبه در پاریس انتشار یافت از مردم کشورش خواست انتخابات مجلس در ایران به تاریخ ۱۵ آوریل را، تحریم کنند. رجوی همزمان با آن اعلام نمود که هسته‌های مقاومت جنبش وی، یک هفته قبل از انتخابات در ایران از طریق اعلامیه‌ها در شهرهای مختلف و بخصوص در تهران، تلاش می‌کنند نظر مردم را برای تحریم انتخابات جلب کنند.

روزنامه‌ی وینر تسایتونگ (اتریش)

۱۲/ آوریل/ ۱۹۸۴

نیروهای اپوزیسیون**دعوت به تحریم صندوق‌های انتخاباتی می‌کنند**

تهران - یکشنبه‌ی آینده در ایران برای دومین بار از آغاز انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، انتخابات مجلس صورت می‌گیرد... انتخابات کنونی، تفاوت‌های آشکاری با انتخابات ۴ سال پیش دارد. در آن زمان در هنگام انقلاب و در کنار دیگران، گروه‌های سیاسی نیز

کاندیداهای خود را معرفی نموده بودند. امروز دولت اسلامی یک پایه است و نیروهای اپوزیسیون یا از بین رفته‌اند و یا خود را مخفی ساخته‌اند... رجوی از تبعید در پاریس مردم را به بایکوت انتخابات که تقلبی و ساختگی است، فراخوانده است.

خبرگزاری اتریش

۱۱/ آوریل/ ۱۹۸۴

اپوزیسیون ایران فراخوانی برای تحریم انتخابات می‌دهد**عملیات پخش اعلامیه در سراسر کشور**

مخفی، اعلامیه‌هایی علیه انتخابات پخش شده و شعارهای تحریم بر روی دیوارها و اتوبوس‌ها نوشته شده است. همچنین در این میان درگیریهایی مسلحانه‌ای میان پاسداران رژیم خمینی و مجاهدین بوقوع پیوسته است. واحدهای پاسداران برای انتخابات روز یکشنبه در موقعیت آماده‌باش قرار گرفته‌اند.

اپوزیسیون ایران به مردم کشورش فراخوان تحریم گسترده‌ی انتخاباتی را که در روز یکشنبه‌ی این هفته انجام میشود، داده است تا بدین ترتیب مقاومت علیه رژیم خمینی را آشکارا بیان دارد...

در پایتخت ایران، تهران و شهرهای دیگر ایران، در هفته‌های اخیر توسط اپوزیسیون

وقتی که واحدهای گاردهای اسلامی به آنها حمله نمودند چریکها سلاحهایشان را کشیده، دو گارد اسلامی را کشته و دوتای دیگر را زخمی نموده و سپس فرار نمودند.

بعضی از مداخلات و حرکات منفرد در رابطه با پوسترهایی انتخاباتی، نشاندهنده‌ی اینست که مردم به این نوع حرکت اعتراضی روی آورده‌اند. روز سه‌شنبه گاردهای اسلامی که در منطقه‌ی جوادیه در جنوب تهران مشغول گشت زدن بودند، مشاهده نمودند که پوسترهایی انتخاباتی در طول چند صد متر از خیابان به‌گل آلوده شده است.

روزنامه‌ی

فرانکفورتر روند شائ (آلمان)

۱۱/ آوریل/ ۱۹۸۴

**Frankfurter
Rundschau****رجوی خواستار****تحریم انتخابات است**

مسعود رجوی رئیس اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران که در پاریس در تبعید بسر می‌برد، روز دوشنبه طی اطلاعیه‌ای که در پاریس انتشار یافت از مردم کشورش خواست که انتخابات مجلس را به تاریخ ۱۵ آوریل تحریم کنند.

روزنامه‌ی

دی تاگس تسایتونگ (آلمان)

۱۱/ آوریل/ ۱۹۸۴

انتخابات در ایران**فراخوان تحریم****از جانب مجاهدین**

مسعود رجوی رئیس اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران که در پاریس در تبعید بسر می‌برد، در روز دوشنبه طی اطلاعیه‌ای که در پاریس انتشار یافت از مردم کشورش خواست که انتخابات مجلس در ۱۵ آوریل را تحریم کنند. رجوی همزمان با آن اعلام نمود که هسته‌های مقاومت جنبش وی یک هفته قبل از انتخابات از طریق اعلامیه‌ها در شهرهای مختلف و بخصوص در تهران تلاش می‌کنند که نظر مردم را برای تحریم انتخابات جلب نمایند.

همزمان با برگزاری انتخابات ...

بقیه از صفحه‌ی قبل

شده‌اند تا شعارها و تصاویر ضدخمینی از روی آنها محور گردد.

علی زرکش فرماندهی اجرایی عملیات سراسری مجاهدین که این حرکات اعتراضی را از مخفیگاهش در تهران هدایت می‌نماید، به نیروهایش دستور داده که از سلاحهای گرم خود تنها بمنظور دفاع از خود استفاده کنند.

این تحریم انتخابات نشاندهنده‌ی فاز جدیدی از فعالیت مجاهدین بعد از دو

سال کسب آمادگیست. آمادگی‌ای که طراحی گردیده بود تا مردم بیشتری را جهت مبارزه‌ی فعال جذب نماید. رهبران مجاهدین معتقدند حملات بزرگ، مانند بمب‌گذاریه‌ها و درگیریهای مسلحانه‌ی سال ۱۹۸۱ برای مردم عادی، زیاده از حد پیچیده و خطرناک است. تنها درگیری مسلحانه‌ای که طی دو هفته‌ی اخیر گزارش گردیده است، در رابطه با حرکت اعتراضی در خیابان لاله‌زار تهران در روز اول آوریل بوده است. سه چریک در حال پخش اعلامیه‌ی ضدخمینی بودند،

**تحریم انتخابات
در ایران**

نشریه‌ی اسپانیولی زبان ازپکا - (آمریکا)

۱۴/ آوریل/ ۱۹۸۴

رنج برده‌اند. هفته‌ای که از ۸ آوریل شروع شد، به‌عنوان آغاز تحریم اعلام گردید. اعضای مقاومت، هزاران نسخه از پیام رجوی را توزیع کردند که طبق آن از مردم خواسته شده که از شرکت در انتخابات امتناع ورزند. در ضمن خیابانها و کوچه‌های اصلی پایتخت و شهرهای ایرانی از شعارهایی حاکی از تحریم انتخابات پوشیده شده است. پاسداران خمینی بطور شبانه‌روزی بسیج شده‌اند تا دیوارهای پر شده از شعارها را پاک کرده و از تبلیغات مخالفان در وسایل نقلیه جلوگیری کنند. در درگیریهای اخیر، یک پاسدار کشته و دو تن دیگر شدیداً زخمی شده‌اند. این امر باعث شد که دیکتاتوری خمینی به یک گشت وسیع دست بزند و چند صد هزار ماشین، کامیون و وسایل نقلیه‌ی دیگر را که در حال گذار از غرب تهران بودند، بگردد. تمام نیروهای مسلح رژیم، در حال آماده‌باش هستند تا از حملات جدید جلوگیری کرده و کاری کنند تا مردم در انتخابات شرکت نکنند. دفتر مجاهدین در پاریس اعلام کرد که در روز ۸ آوریل یک بمب جلوی ساختمان بسیج پاسداران در غرب تهران منفجر شده است. از مجروحین انفجار، گزارشی داده نشده است. دیکتاتوری خمینی از بسیج‌های سراسری اخیر نگران است و با در نظر گرفتن تمام این وقایع، قابل پیش‌بینی است که چیزی به پایان عمر رژیم خمینی باقی نمانده است.

در سراسر ایران یکسری اقدامات وسیع برای تحریم انتخابات پارلمانی در حال وقوع است. این انتخابات قرار است در هفته‌ی دوم این ماه برگزار شود و مقصود از آن وجهی دموکراتیک دادن به رژیم آیت‌الله خمینی است. طبق گفته‌ی سازمان مجاهدین هزاران هسته‌ی مقاومت در سراسر ایران بطور یکپارچه با این برنامه‌ی نمایشی رهبر مذهبی دولت ایران مبارزه میکنند. در هفته‌های اخیر چندین بار افراد این هسته‌ها با پاسداران دیکتاتوری درگیر شده‌اند. این پاسداران به‌منظور سرکوب تبلیغات ضدانتخاباتی، در تمام شهرهای ایران به خیابانها ریخته‌اند. این برنامه‌ی ضدانتخاباتی که به دنبال پیام رهبر این سازمان آقای مسعود رجوی و توسط بخش اجتماعی سازمان مجاهدین ترتیب داده شده، بطور کلی بین دانشجویان، کارگران و طبقه‌ی متوسط توجه خاصی را جلب کرده است. در ماه ژانویه گذشته وقتی آقای مسعود رجوی از همه‌ی ایرانیان درخواست کرد که از شرکت در انتخابات امتناع بورزند، چنین اظهار داشت که این یک توسل دروغین به اتباع ایرانی است و به‌همین دلیل میبایست با آن مخالفت کنیم. رجوی در پیام خود اشاره کرده که شرکت کاندیداها در مجلس رژیم خمینی یک توهین به مردم است، چون مردم ایران از اختناق خشونت‌آمیز پاسداران و همچنین شکنجه و فجایع دیگر

انعکاس جهانی فعالیت هسته‌های مقاومت و پخش پیام مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم "انتخابات" در سراسر کشور

LE FIGAROروزنامه‌ی فیگارو (فرانسه)
۱۴/آوریل/۱۹۸۴

ایران: اپوزیسیون انتخابات را تحریم می‌کند

جهت دعوت به تحریم این انتخابات صورت داده است؛ منجمله پخش اطلاعیه در شهرهای اصلی کشور، نوشتن شعار بر روی اتوبوس‌ها و معابر عمومی و ... از چندین روز پیش نیروهای امنیتی زیاد شده‌اند. پایتخت توسط گشت‌های "پاسداران انقلاب" احاطه شده است. این جو عصی، با شایعه‌ی سو‌قصد برعلیه حجت‌الاسلام رفسنجانی تشدید شده ...

برخلاف انتخابات مارس ۱۹۸۰ که در آن کلیه‌ی گروه‌های سیاسی اصلی ایران، منجمله توده و مجاهدین خلق (چپ اسلامی) که به زندگی مخفیانه روی آورده است) شرکت داشتند، در انتخابات این یکشنبه تنها گرایشات موافق رژیم شرکت دارند. در بین ۱۲۰۰ کاندیدا اکثریت ناشناس هستند ... جنبش مجاهدین خلق مسعود رجوی نیز، یکسری عملیات

le quotidienروزنامه‌ی کوتیدین دوپاری (فرانسه)
۱۴/آوریل/۱۹۸۴

ایران: انتخابات خاصی برای ملایان

درآمده است. این مسئله ثابت می‌کند که گروه‌های مخفی کاملاً نابود نشده‌اند. در تهران که گشت‌های بسیاری شهر را تحت کنترل دارند و در روز انتخابات استفاده از موتور ممنوع شده است، در طول هفته چندین سو‌قصد صورت گرفت ...

مجاهدین خلق ... که امروز بطور مخفیانه بسر می‌برند دعوت به تحریم انتخابات کرده‌اند ... پایتخت که بعد از سرکوب "منافقین" (لقب رسمی مجاهدین خلق که مسئول اکثر سو‌قصدها هستند) به نوعی آرامش خود را بازیافته بود، دوباره به حالت حکومت نظامی

il manifestoروزنامه‌ی ایل‌مانیفستو (ایتالیا)
۱۰/آوریل/۱۹۸۴

ایران - مقاومت

انتخابات ۱۵ آوریل را تحریم می‌کند

در انتخابات می‌باشند و توسط اعلامیه‌هایی نقش پارلمان را چنین بیان می‌دارند: "شریک جرم تمامی جنایات علیه مردم ایران می‌باشد." این اعلامیه‌ها در تهران و شهرستان‌ها پخش می‌شوند. ۲ درگیری مسلحانه در روزهای اول و سوم آوریل در مرکز تهران و در طی پخش این اعلامیه‌ها، صورت گرفته است که طی آنها یک پاسدار کشته و ۲ تن دیگر زخمی شدند.

تهران - ایرانیان در روز ۱۵ آوریل برای تمدید پارلمان به پای صندوق‌های رای‌گیری فراخوانده خواهند شد ... رژیم که درگیر جنگ با عراق و بحران شدید اقتصادی می‌باشد، سعی می‌کند تعداد بیشتری را به پای صندوق‌های رای بکشاند. از طرفی مجاهدین خلق مشغول انجام تبلیغات گسترده‌ای برای تحریم و عدم شرکت مردم

روزنامه‌ی لاگروآ (فرانسه)

۱۱/آوریل/۱۹۸۴

LACROIX

رجوی

به تحریم انتخابات

در ایران دعوت می‌کند

مسعود رجوی، رهبر مجاهدین خلق که از ۳ سال پیش در فرانسه بسر می‌برد، فراخوانی برای تحریم انتخابات قانونگزاری ایران که برای ۱۵ آوریل پیش بینی شده، صادر کرده است.

روزنامه‌ی لومتن (فرانسه)

۱۶/آوریل/۱۹۸۴

LE MATIN

... فضای تهران که توسط گروه‌های پاسداران مسلح احاطه شده بود، زیاد آرام نبود؛ مجاهدین، مخالفین اصلی چپ اسلامی اعلام کردند که بمناسبت انتخابات چند عملیات غیر مترقبه انجام شده است. استفاده از موتور سیکلت در شهر ممنوع شده است؛ چراکه در گذشته تاکتیک مجاهدین این بود که از این وسایل برای فرار استفاده کنند.

اکثر کسانی که در انتخابات سال ۸۰ شرکت داشتند، امروز تحت تعقیب مقامات دادگستری قرار دارند، نظیر مجاهدین خلق.

روزنامه‌ی آوانتی (ایتالیا)

۱۱/آوریل/۱۹۸۴

Avanti!

انتخابات در ایران

تحریم گشته است

هسته‌های مقاومت مجاهدین خلق (چپ اسلامی) که در ایران فعالیت می‌کنند، به هر روشی انتخابات قانونگزاری ۱۵ آوریل را تحریم می‌نمایند. دستورالعمل اجرایی تا آن موقع "حساس نمودن افکار عمومی" از طریق پخش اعلامیه در تهران و سایر شهرهای مهم می‌باشد.

Die Presseروزنامه‌ی پرسه (اتریش)
۱۴/آوریل/۱۹۸۴

پاسداران به حالت آماده باش درآمده‌اند

رهبری مجاهدین خلق در پاریس دعوت به تحریم انتخابات نموده است. آنها در تمامی کشور عملیاتی بر ضد انتخابات انجام می‌دهند. در این میان اعلامیه نیز پخش می‌کنند. این نیز ممکن است که چریک‌های گرد که برای حقوق

روزنامه‌ی گوریر (اتریش)

۱۵/آوریل/۱۹۸۴

آیا ایران يك انتخابات پوشالی می‌کند؟

دارد؛ بدین معنی که اپوزیسیون از بین رفته یا مخفی شده است. اسلامی‌های چپ مجاهدین خلق، تقاضای تحریم انتخابات پوشالی را کرده‌اند.

* * *

برای دومین بار از شروع انقلاب اسلامی (۱۹۷۹)، امروز یکشنبه در ایران انتخابات صورت می‌گیرد. برای ۲۷۰ کرسی فقط ۵۰۰ نفر کاندید شده‌اند. این انتخابات تفاوت فاحشی با انتخابات ۱۹۸۰

راديو اتریش

• اخبار - ۱۱/آوریل/۱۹۸۴

اپوزیسیون ایران مردم را به تحریم انتخاباتی که در روز یکشنبه این هفته انجام می‌شود، دعوت کرده است. در بیانیه‌ای که همچنین توسط ایرانیان تبعیدی جنبش زیرزمینی مجاهدین، در وین پخش گردید، انتخابات،

• اخبار - ۱۴/آوریل/۱۹۸۴

فردا - یکشنبه، برای دومین بار در ایران از زمان انقلاب اسلامی - ۵ سال پیش - انتخابات مجلس صورت می‌گیرد. بیش از ۲۵ میلیون نفر در مورد ترکیب اعضای مجلس تصمیم خواهند گرفت. اپوزیسیون در خارج - تنها جایی که اپوزیسیون ایران می‌تواند صحبت کند - مردم را دعوت به تحریم انتخابات

پاسخ دندان شکن مردم به انتخابات فرمایشی رژیم ضد خلقی خمینی

گزارش کوتاهی از چگونگی برگزاری نمایش انتخابات و اوضاع فلاکت بار صندوقهای اخذ رأی در تهران و شهرستانها

□ تهران

— "... زمانی را که برای سرزدن به حوزههای اخذ رأی انتخاب کردم، باصطلاح از شلوغترین ساعات اخذ رأی بود. یادداشت‌های من از میزان شرکت‌کنندگان، در حوزه‌هایی که رسیدم سر بزنم از اینقرار است:

۱ - حوزه ۱۶۷ واقع در خیابان دکتر فاطمی (کنار مهندسی ارتش): تعداد شرکت‌کننده ۱۰ الی ۱۵ نفر

۲ - حوزه‌های ۳۵۸ - ۳۵۷ - ۳۵۶، محل حوزه، کارگر شمالی (مسجد امیرآباد): تعداد شرکت‌کننده ۴۰ الی ۵۰ نفر

۳ - حوزه ۳۶۲، محل حوزه کارگر شمالی (خوابگاه دانشجویان): تعداد شرکت‌کننده ۳۰ الی ۳۵ نفر

۴ - حوزه ۳۶۳ واقع در کارگر شمالی (دبستان فجر): تعداد شرکت‌کننده ۵ تا ۷ نفر

۵ - حوزه ۲۷۱۲ واقع در کارگر شمالی (دبیرستان اقلیت آشوری کلدانی): تعداد شرکت‌کننده ۵۰ تا ۶۰ نفر

۶ - حوزه ۳۵۲، محل حوزه، یکی از خیابان‌های فرعی دکتر فاطمی: تعداد شرکت‌کننده ۸ - ۷ نفر

۷ - حوزه ۳۴۲، یکی از خیابان‌های دکتر فاطمی: تعداد ۸ الی ۱۰ نفر

۸ - حوزه ۳۷۴ خیابان محمود نریمان (تخت طاووس)، تعداد ۲۰ الی ۲۵ نفر

۹ - حوزه ۳۷۷، واقع در سه‌رودی شمالی: تعداد شرکت‌کننده ۱۰ تا ۱۵ نفر

۱۰ - حوزه ۳۷۸ سه‌رودی شمالی: تعداد ۸ تا ۱۰ نفر

۱۱ - حوزه ۳۷۶ در سه‌رودی شمالی: تعداد شرکت‌کننده ۳۰ تا ۳۵ نفر

۱۲ - حوزه ۴۵۳ و ۴۵۲ واقع در سیدخندان: تعداد ۲۵ تا ۳۰ نفر

۱۳ - حوزه ۷۱۹ واقع در میرزای شیرازی: تعداد ۲ الی ۳ نفر

۱۴ - حوزه ۷۰۶ (حوزه سیار در بلوار کشاورز) بیمارستان ساسان: تعداد ۷ تا ۸ نفر

۱۵ - حوزه ۶۹۰ (حوزه سیار در تخت طاووس)، بیمارستان جم: تعداد شرکت‌کنندگان ۴ الی ۵ نفر

۱۶ - حوزه (شماره حوزه مشخص نبود) بیمارستان مهرداد، کنار فرمانداری تهران، تعداد شرکت‌کننده ۶ الی ۷ نفر...

* — "مسجد امام زمان واقع در خیابان آزادی که یکی از مراکز اصلی رای‌گیری‌های رژیم در منطقه غرب است، خالی از رای‌دهنده بود و مردم هم به سمت گردشگاه‌های اطراف تهران مثل کرج سرازیر شده بودند. در حوزه‌های آذربایجان و آزادی و حوزه‌های اطراف منطقه جنوب غربی، به ندرت رای‌دهنده‌ای مشاهده می‌شد، و فقط در حوزه حشمت‌الدوله، حدود ۲۵ نفر بودند."

* "... در محل صندوق ۹۹۰ در خیابان طوس، افراد رژیم سروصدای زیادی راه انداخته و سعی می‌کردند برای رای دادن آدم جمع کنند. در صف این صندوق ۸۰ نفر ایستاده بودند. اما صندوق‌های ۹۸۹ و ۵۰۴ و ۵۵۰ واقع در خیابان‌های مرتضوی، جیحون و آشنا بسیار خلوت بود و حداکثر شرکت‌کنندگان از ۱۰ نفر تجاوز نمی‌کرد..."

* "... حوالی ساعت ۴ و ۵، کنار صندوق چهارراه مصدق ۴ یا ۵ نفر جمع شده بودند، در کنار صندوقی در خیابان آذربایجان: ۲۰ نفر، میدان انقلاب: ۹ نفر و بیشترین نفرات شرکت‌کننده در میدان جمهوری بود که حدود ۱۰۰ نفر در صف رای ایستاده بودند..."

* "... صبح ساعت ۱۱ به حوزه‌ای واقع در خیابان آزادی سر زدم، حوزه تقریباً خالی بود. ۷ - ۸ نفر دور و بر آن می‌پلکیدند..."

* "... در شرق تهران به یک سری صندوق در نارمک، آشتیانی و تهران پارس سر زدم.

حوزه‌های ۱۸۰۷ - ۱۷۲۳ - ۱۸۲۴ و ۱۷۲۵ حدود ۱۰ نفر ایستاده بودند، حوزه‌ها خیلی خلوت بود و به ندرت کسی می‌آمد.

در حوزه ۱۶۹۸ که حوزه اصلی منطقه بود، تعداد ۳۰ نفر آمده بودند. در حوزه‌های شماره ۲۳ و ۱۱ و ۱۳ واقع در نازی‌آباد، حتی یک نفر نیز در ساعاتی که من سر زدم، نبودند. یک بنده‌خدائی هم آمده بود رای بدهد، دید هیچ‌رای‌دهنده‌ای نیست، کمی اینطرف و آنطرف را نگاه کرد و رای نداده برگشت..."

* "... در حوزه‌های رای‌گیری واقع در فرجام شرقی، خیابان علم و صنعت ایستگاه سید در سرسبز و هفت‌حوض به ندرت رای‌دهنده دیده می‌شد و کلیه حوزه‌های این منطقه خلوت بود..."

* "... حوزه‌هایی که قبل از ظهر رفتم و تعداد شرکت‌کننده‌ها را شمردم از اینقرار است:

۱ - حوزه آزادی ۳ نفر

۲ - هفت‌حوض ۱۳ نفر

۳ - قاسم‌آباد ۱ نفر

۴ - پدروانی (نارمک) ۱ نفر

۵ - انقلاب ۵ نفر

کلا حوزه‌های تهران نو و نارمک بسیار خلوت بودند..."

* "... امروز به ۴،۳ حوزه در حوالی خودمان ... سر زدم که بسیار خلوت بودند. صبح تک و توکی مراجعه‌کننده داشتند، ولی عصر، حتی یک نفر هم نیامد. اونهایی هم که صبح می‌آمدند از ترس ندادن کوبین بود. با یکی گپ زدم می‌گفت: "چون می‌خواهم به خارج بروم، مهر انتخابات را روی شناسنامه‌ام لازم دارم." حسابی پکر بود، اگر کسی هم رای می‌داد، حالت همین فرد را داشت. برادرم هم که به قسمت‌های جنوبی تهران رفته بود، می‌گفت: صندوق‌های اونجا هم همینطور بود، اکثراً خلوت بودند..."

* "... با ماشین به خیلی از حوزه‌ها تو اکثر مناطق سر زدم، به اندازه‌ای خلوت بودند

که نسبت به انتخابات قبلی رژیم کاملاً این خلوتی به چشم می‌خورد. بیشترین تعداد را در جاهائی که دیدم ۱۶ نفر بودند. مثلاً در حوزه خیابان فرصت (صندوق ۱۶۳) ۵ نفر ایستاده بودند. مسجد اعظم قلعهک (صندوق ۴۶۳) تنها ۲ نفر و جمشیدآباد ۵ نفر برای رای دادن آمده بودند..."

* "... ساعت ۱۰ و ۳۰ تا ۱۲، حوزه علی‌آباد ۱۰ الی ۱۲ نفر - ساعت ۱۰ و ۳۰ تا ۱۲ حوزه نازی‌آباد ۴۰ نفر - ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح در خیابان جنگل‌نازی‌آباد (حوزه مدرسه‌ی بوستان دانش)، هیچکس نبود و فقط پاسدارها ایستاده بودند..."

* "... ساعت ۸ و ۳۰ دقیقه صبح در خیابان کرمان، مردم تک‌وتوک به پای صندوق رای رفتند. گاهگاهی یکی دو نفر می‌رفتند، خلاصه خیلی خلوت بود. در ساعت ۱۰ و ۳۰ رفتیم به سمت مجیدیه، پای صندوق این حوزه حدود ۵ تا ۷ نفر بودند. ساعت ۱۱ در ۱۲ هم که رفتیم حوزه و وثوق هیچکس جز مامورین رژیم پای صندوق‌ها نبودند. در ساعت ۱۲ و ۳۰ در حوزه نیروی هوائی حدود ۱۰ نفر، ساعت ۵ تا ۶ بعدازظهر هم که رفتیم ۱۵ متری اول تهران نو، حوزه مسجد فقط چند تا پاسدار آنجا ایستاده بودند و از رای‌دهنده‌ها هم خبری نبود..."

□ تبریز

"... به چند تا حوزه در اطراف خیابان منصور و خمینی سر زدم، در یک حوزه فقط یک نفر و در دیگری ۲ نفر و در یکی دیگر از حوزه‌ها ۳ نفر و در چهارمی کسی نبود. از محله‌ی خودمون هم هنوز کسی را ندیدم که برای رای دادن برود. به هر کس می‌گویم بیا برویم رای بدهیم می‌گوید، قصد رای دادن ندارد..."

* "... ساعت ۱۱ تا ۱ و ۶ تا ۷ بعدازظهر به چند حوزه انتخاباتی سر زدم. توی هر کدام ۲ الی ۳ نفر بودند، حوزه‌هایی که رفتم، سواره شمس تبریزی، ثقه‌الاسلام، سیدحمزه و سرباز شهید بودند. در عوض تعداد پاسدارها در

حوزه‌ها زیاد بود، در انتخابات قبلی وضع این حوزه‌ها بهتر از خلوتی کنونی آنها بود."

* "... از ساعت ۱۱ تا ۳۰ دقیقه بعدازظهر به حوزه‌های رای‌گیری واقع در میدان قدس، پشت مسجدبازار، خیابان دوجی و بازار "دیه‌باشی" سر زدم. مردم به ندرت برای رای دادن به صندوق‌ها مراجعه می‌کردند، شاید در هر ۲۰ دقیقه یک نفر می‌آمد. مردم از خانه‌هاشان بیرون نیامده بودند و خیابان‌ها خلوت بود. در حوزه رای‌گیری بازار اصلا کسی نبود و حوزه، خلوت و آرام بود و فقط مامورین بالای سر صندوق‌هایشان چمباتمه زده بودند. در حوزه رای‌گیری واقع در حوالی خیابان شریعتی (شهنار سابق) در ساعت ۹ صبح که سر زدم هیچکس برای رای دادن نیامده بود..."

* "... حدود ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه به حوزه‌های رای‌گیری مناطق ملل متحد و خیابان دوجی سر زدم. در مدت ۲ ساعت که یک صندوق را کنترل کردم، ۳ الی ۵ نفر به صندوق‌ها برای رای مراجعه کردند. از یکی از رای‌دهندگان که با من آشنائی داشت، پرسیدم چرا رای دادی؟ گفت: "تا حالا از زور بیگاری کلافه شده‌ام، از این به بعد هم اگر شناسنامه‌ام مهر انتخابات نداشته باشد، استخدام نمی‌کنند، همینطوری باید بمانم، چکار کنم؟"

* "... به حوزه‌های رای‌گیری مناطق فقیرنشین، کوی مجاهدین و طرف‌های سلاح‌خانه، آخر خیابان منجم سر زدم. در این مناطق اصلاً برای نمونه یک نفر را هم ندیدم. فقط صندوق بود و نگهبانان صندوق. پاسدارهای مسلح همه جا مضطرب و نگران ایستاده بودند و اینطرف و آنطرف را می‌پاژیدند. خیلی حساسیت به چیزهای مشکوک نشان می‌دادند..."

* "در فاصله‌ی ساعت ۱۱ تا ۳ بعدازظهر کلیدی حوزه‌های اطراف دانشگاه، میدان شهرداری، بانک ملی، دانشسرا، چهارراه شهنار، مسجد قره‌داش و بازار خلوت بود.

تعداد نفراتی که در برخی حوزه‌ها دیده می‌شد، حداکثر ۱۱ بقیه در صفحه‌ی ۲۳

گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق در ۳۰ فروردین

دژخیمان ساواک به همراه ۸ اسیر انقلابی دیگر و از جمله مجاهد خلق مصطفی جوان خوشدل، در زندان اوین مظلومانه شهادت رسیدند.

اینک در سالگرد شهادت مجاهدین خلق: علی باکری، علی میهن دوست، ناصر صادق، محمد بازرگانی، علی اصغر منتظر حقیقی (که در ۳۱ فروردین سال ۵۱ طی درگیری با مزدوران ساواک شهادت رسید)، کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل و در شرایطی که "نسل انقلابی مجاهد" در ادامه راه آن پیشتازان و در جریان نبرد تاریخ ساز با خمینی جلاد و ضد بشر، پر شکوهترین صفات تاریخ میهن مان را رقم زده است؛ یاد و خاطره‌ی آنان را گرامی می‌داریم و برپیمودن راه آنان تا نیل به جامعه‌ی بی‌طبقه‌ی توحیدی پای می‌فشاریم. ذیلاً فرازهایی از دفاعیات، آموزش‌ها و ویژگی‌های انقلابی این شهیدان والا مقام را از نظر تان می‌گذرانیم.

پذیرش افتخار آمیز شهادت قهرمانانه، نور امید و شور حرکت را در دل‌های دردمند هزاران مبارز و انقلابی آفریدند و نام و یاد خود را به مثابه‌ی الگوهای جاودان نسل انقلابی این میهن، به ثبت رساندند.

به این ترتیب نهال جنبش انقلابی مسلحانه که در اولین سال‌های رشد خود با سیلابی از خون‌های پاک شهدای والا مقامی همچون بنیانگذاران کبیر و اعضای مرکزیت سازمان در ۴ خرداد و ۳۰ فروردین آبیاری شده بود، سرسبز و استوار قد برافراشت و آثار رهاشیش خود را در سراسر میهن و در اعماق روح و جان نسل مبارز و انقلابی این میهن گستراند.

۳ سال بعد در ۳۰ فروردین/۵۴ ستاره‌های فروزان دیگری در آسمان تاریخ مبارزات میهن مان درخشیدن گرفتند و فرمانده کاظم ذوالانوار عضو مرکزیت سازمان بعد از شهریور ۵۰، پس از مقاومتی حماسی در برابر

۳۰ فروردین مصادف با دوازدهمین سالگرد شهادت مجاهدین خلق علی باکری، علی میهن دوست، ناصر صادق و محمد بازرگانی اولین سری از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران است؛ شهادتی که در سیاهترین سال‌های دیکتاتوری شاه خائن و در شرایطی که مدعیان رنگارنگ، سال‌ها پیامی جز "سکوت و تسلیم" و سازش با رژیم شاه خائن نداشتند؛ در گذار رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران و با جمع بندی تجارب مبارزات گذشته و در پرتو آیدئولوژی توحیدی، مبانی حرکت پیروزمند انقلاب رهاشیش خلقمان را تا محو کامل هرگونه استبداد، استعمار و استثمار پی‌ریزی نمودند و خود نیز پس از اسارت، با مقاومت و پایداری انقلابی در برابر دژخیمان ساواک و بیدادگاه‌های شاه خائن، به دفاع از حقانیت مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه بعنوان تنها راه رهایی خلق پرداختند و سرانجام با

به بیهوشی زد، برای اینکه قرارهایش را بدهد. متخصصین بیهوشی می‌گفتند: این بیهوش نیست... شکنجه‌چی‌های می‌گفتند: پس چرا تکان نمی‌خورد، مگر کسی می‌تواند این همه درد را تحمل کند و در همان حال عملش کردند... بعدها وقتی فهمیدند که چه کلکی خورده‌اند و او عضو مرکزیت سازمان بوده و هیچ اطلاعاتی به آنها نداده، منجر شد به این‌که او را در لیست فراری‌های از زندان بگذارند...

★ مجاهد شهید علی باکری

سردار شهید خلق موسی خیابانی، در توصیف ویژگی‌های مجاهد شهید علی باکری می‌گوید: "... برادر شهیدمان باکری... برای ما مظهر اخلاق انقلابی و یک فرد تشکیلاتی حل شده در انقلاب و تشکیلات بود... او مظهر احساس مسئولیت بود... سعی میکرد از لحظه‌های وقت و زندگیش در پیشبرد اهداف سازمان استفاده کند. همیشه از مسایلی که پیش می‌آمد به مادرشها و آموزش‌هایی می‌داد. این خصیصه را آن‌هایی هم که در زندان با او بودند، به یاد دارند. چنانکه گفتم بهروز (مجاهد شهید علی باکری) مظهر اخلاق انقلابی، گذشت، فداکاری، فروتنی و احساس مسئولیت بود..."

★ مجاهد شهید کاظم ذوالانوار

برادر مجاهد مسعود رجوی ویژگی‌های انقلابی و شخصیت والای فرمانده ذوالانوار را چنین توصیف میکند: "... او سمبل اخلاق، انضباط و انسانیت بود. کسانی که در زندان بودند، یادشان هست که شهید گلسرخ را از نظر اندیشه‌های اسلامی، چقدر کاظم تحت تاثیر قرار داده بود.

کاظم موقع دستگیری برای این که اطلاعاتش لو نرود، با اسلحه‌ای که داشت خودکشی کرده بود، ولی گلوله از زیر گلو رفته بود و از دهان درآمده بود. به هر حال وقتی او را رساندند به بیمارستان، خودش را

درجه‌ی صلاحیت و قدرت خود را در قبال قبول مسئولیتها تعیین کرده و سپس با تمام نیرو و امکانات خود به انجام مسئولیت پردازد... و صرفاً در حین عمل و کار جمعی است که جنبه‌های منفی از بین می‌روند.

"زمانی فرا خواهد رسید که انسانها بطور یکسان از طبیعت و اجتماع بهره‌گیرند، تا در آنزمان استعدادهای عالی انسانی برای تکامل بشریت و جهان به سمت هدف عالیتر شکفته شود.

هدف، خداست. ما به جهت دار بودن تاریخ و تکامل، هدف دار بودن آفرینش و قبول اراده‌ی حاکم بر جهان، یعنی خدا، اعتقادی بس عمیق داریم. ما معتقدیم موضع انسان بعنوان جزئی از این هستی در مقابل قانون تکامل دارای اصالت است، چراکه معتقدیم ویژگی انسان در اختیار و اراده‌ی او می‌باشد و این اوست که در مقابل ندای آفرینش که او را به سمت خدا میخواند، آزاد است که هر پاسخی که میخواهد بدهد.

انسانهای آگاه عصر ما همان ادامه دهندگان راه انبیاء هستند. همانطور که آنها مبشر آزادی انسان از قید و بندهای ارتجاع و بندگی، استثمار و دیکتاتوری زمان بودند، ما هم مصمم هستیم به ندائی که ما را به خود میخواند، ندائی که از درون و وجدانمان، از درون خلق ستمدیده و از درون طبیعت و حرکت تکاملی جهان می‌شنویم پاسخ مثبت گوئیم."

★ مجاهد شهید محمد بازرگانی

"وقتی تاریخ ایران را ورق بزنیم هیچ دوره‌ای را نمی‌توان یافت که خلق ما برای گرفتن حق خود در مقابل حکومت استعمار ساکت نشسته باشد. هر ساله عده‌ی زیادی را به محاکمه می‌کشند و محکوم می‌کنند. امروز نوبت ماست که بعنوان توطئه‌گر محاکمه می‌شویم. توطئه‌گر واقعی ما هستیم یا اینهایی که ما را به محاکمه کشیده‌اند؟... اما هیچ توطئه‌ای موفق به فرونشاندن کامل شعله‌های آزادیخواهی نشده‌است."

"باتجارب تاریخی ۵۰ سال اخیر هیچ راهی به جز مبارزه‌ی مسلحانه به مقصد نمیرسد. ملت از راه تجربه‌آموزی شیوه‌های مختلف بدست آورده. پس از گذشت ۶۵ سال از انقلاب مشروطه، چه راهی به جز در دست گرفتن اسلحه باقی می‌ماند؟ بی‌تردید خلق صرفاً به ندای خطیبانی گوش میدهد که کلامشان سربی است... از این پس میان خلق و رژیم جز دریائی از هول، هیچ چیز وجود نخواهد داشت."

★ مجاهد شهید علی میهن دوست

"... وظیفه‌ی هر انقلابی این است که بتواند در هر لحظه موقعیت و محل دقیق خود را در صفحه‌ی مختصات نبرد و در میدان مبارزه تعیین کرده و از آن طریق

★ مجاهد شهید ناصر صادق

"... شمائی که این افراد را به زنجیر کشیده‌اید و محاکمه می‌کنید، شمائی که به آسانی آب خوردن حکم اعدام و یا زندانی شدن این جوانان را امضاء می‌کنید، آیا تاکنون لحظه‌ای فکر کرده‌اید که چرا هر روز بیش از پیش روشنفکران ما دست از جان شسته و در این راه قدم می‌گذارند؟

آیا باز هم انتظار دارید ملت که جواب خواسته‌های قانونی و طبیعی و عادلانه‌اش با رگبار گلوله و سرنیزه داده می‌شود، ساکت بنشیند و دست به اسلحه نبرد؟

امروز ملت قهرمان ما حق خود را با مبارزه‌ی مسلحانه، با تفنگ، از کام غاصبین حقوق خود بیرون می‌کشد و این راهی است که ملت ما پس از ۷۰ سال مبارزه و دادن دهها هزار قربانی، شناخته است. طبیعی است چون ملتی بخواهد قدم در مرحله‌ی مبارزه‌ی مسلحانه بگذارد، باید متحمل قربانیهای فراوان شود."

"ای توده‌های خلق! اگر امروز فرزندان شما بدست دست‌نشانندگان امپریالیسم در زیر رگبار گلوله‌ها جان می‌سپارند و یا در زیر شلاقهای رژیم به فریاد در آمده‌اند، اگر شرایط موجود بسیار سخت و غم‌افزاست، اما ما به شما نوید میدهیم، ما به شما طلوع فجر را در شب تاریک مزده میدهیم، ما دماغه‌ی کشتی پیروزی را در افق اقیانوس خلقها می‌بینیم، ما طلوع صبح را می‌بینیم، ما پیروزی توحید را می‌بینیم."

★ مجاهد شهید مصطفی جوان خوشدل

برادر مجاهد مسعود رجوی درباره‌ی مقاومت و ایستادگی مجاهد شهید مصطفی جوان خوشدل در برابر شکنجه‌گران ساواک می‌گوید: "... یادم هست که "محمدی"

بازجوی شهید مصطفی جوان خوشدل و شهید ذوالانوار دیگر حوصله‌اش سررفته بود. آخرین بار هفت ماه بود که مصطفی در زندان بود، غذا که نبود، بیمار هم بود، نمره‌ی عینکش خیلی زیادتر شده بود، با این حال به او عینکش را هم نمی‌دادند. بدنش هم پراز قارچ بود. زانوهایش سست، خیلی سست، تقریباً راه رفتن برایش مشکل بود جز در یک جا، در راه رفتن و برگشتن به اتاق شکنجه. حوصله‌ی بازجو و شکنجه‌گر را سربرد. یک روز من از او پرسیدم: "مصطفی تو آن مدت زمانی را که پشت اتاق شکنجه منتظر نوبت خودت هستی چه کار می‌کنی؟... گفت: دعای حضرت ابراهیم را می‌خوانم. گفتم: چیه؟ گفت: "ربانی لما انزلت الی من خیر فقیر" خدایا نسبت به تمام این خیرهایی که برای من بفرستی نیازمندم ●

واکنش‌های رژیم خمینی در قبال افشاگری‌های بین‌المللی پیرامون نقض حقوق بشر در ایران و وضعیت زندانیان سیاسی

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز با صدور اطلاعیهای، نقض حقوق بشر توسط رژیم خمینی را شدیداً محکوم نمود. این محکومیت‌ها باعث شد که بویژه در ماههای پایانی سال، رژیم از یکسو خشم و کینه‌ی ضد انقلابی خود را نسبت به افشاگری‌های موثر مجاهدین و شورای ملی مقاومت به نمایش بگذارد و از سوی دیگر به منظور خنثی سازی آن، به تبلیغات عوامفریبانه و پوچ بپردازد. اینکه هر از گاهی منتظری جنایتکار با پُز باصطلاح دلسوزی برای زندانیان و سفارش رسیدگی به آنها، وارد صحنه میشود و با مطبوعات رژیم هراز گاهی از آزادی تعدادی انگشت‌شمار "زندانی نادم گروهک‌ها" اسم می‌برند، در این رابطه میباشد. (البته در مورد شکلک‌های منتظری جنایتکار نبایستی سیاست رژیم برای رنگ و لعاب دادن به چهره‌ی این ابله بعنوان جانشین خمینی را از نظر دور داشت). فی‌الثل در شرایطی که موسوی اردبیلی جنایتکار در نمایش جمعه‌ی ۲۶ اسفند تهران، خشم و عصبانیت خود را از افشاگری پیرامون نقض حقوق بشر توسط رژیم، ابراز داشت و صریحاً گفت: "مگر یک مملکت میتواند زندان (منظور زندانی سیاسی) نداشته باشد"، منتظری سفیه در پیام باصطلاح نوروژی خود، بازهم در مورد رسیدگی به زندانیان سفارش کرده و به جلادان و شکنجه‌گران رژیم توصیه کرد که: "خیال نکنند تندروی!! آنها با زندانیان به نفع رژیم است، بلکه به اخلاقی خوب (!!)" رفتار کنند با آنها و دادستان‌ها هم همینطور، بازجوها همینطور، قضات همینطور!! (کیهان - ۵/فروردین ۶۳)

همچنین در هفته‌ی آخر اسفند، رئیس "شورای عالی قضائی" رژیم، بخشنامه‌ی بلندبالای دیگری در مورد باصطلاح عفو زندانیان صادر کرد که در انتهای آن ضمن نفی آزادی زندانیان سیاسی، بازهم جهت عوامفریبی تبلیغاتی هرچه بیشتر، ماده‌ی مبهم و موهومی دائر براینکه فقط "کسانی که بعنوان هوادار یا مطالعه‌ی نشریاتی که نشر عمومی داشته‌اند (هم جرائم سیاسی و هم محتوای عفو کذائی در بقیه در صفحه‌ی ۲۱

وجود ۱۰۰ هزار "زندانی سیاسی" در زندانهای رژیم ضدبشری خمینی، چه به اعتبار مقاومت قهرمانانه‌ی زندانیان و چه بلحاظ اعتراضات عمومی و بین‌المللی نسبت به نقض مستمر حقوق بشر در ایران، بصورت یکی از مشکلات و معضلات دائمی رژیم ضدبشری خمینی درآمده و فشار آن، سردمداران رژیم را مجبور می‌کند تا هراز گاهی دست به مانورهای عوامفریبانه و سراسر دروغ نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی و همچنین در مورد باصطلاح آزادی آنها، بزنند. از جمله در سال گذشته بدنبال اعتراضات گسترده و مکرر سازمانها، شخصیت‌ها و مجامع بین‌المللی طرفدار حقوق بشر نسبت به وضعیت زندانیان سیاسی ایران، بالاخره رژیم خمینی مجبور به واکنش‌های تبلیغاتی مذبحخانه‌ای شد. خمینی دجال در ۱۹ خرداد سال گذشته، فرمانی در مورد بررسی وضعیت عموم زندانیان سراسر کشور صادر نمود و طی آن به ۴ تن از دژخیمان و باصطلاح قضات خود، مرکب از محمدی گیلانی، سید جعفر کریمی، سید محمد ابطیحی و مهدی قاضی ماموریت داد تا در مورد وضعیت زندانیان تصمیم بگیرند. البته برای کسانی که به ماهیت رژیم آشنائی داشتند، پیشاپیش روشن بود که این مانور تبلیغاتی رژیم، به هیچ وجه شامل زندانیان سیاسی نخواهد شد. در جریان عمل نیز پس از سپری شدن ماهها از صدور این فرمان، نه تنها از تعداد زندانیان سیاسی کم نشد، بلکه هر روز بر تعداد زندانها و زندانیان سیاسی، بمراتب افزوده گردید. اما تداوم افشاگری‌های گسترده‌ی جهانی بر علیه نقض دائمی حقوق بشر در ایران، بویژه در اثر فعالیت‌های بدون وقفه‌ی سازمان در این زمینه، اعم از اقدامات تبلیغی - اجتماعی و سیاسی در داخل کشور و همچنین افشاگری‌های شورای ملی مقاومت، دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس، اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور و ... اذهان مردم جهان و مجامع بین‌المللی را بازهم هرچه بیشتر متوجه وضعیت اختناق و شکنجه در ایران نمود؛ بنحوی که در اسفند ماه سال گذشته (مارس ۱۹۸۴)

بسمه تعالی
شماره و تاریخ ۱۱۱ - ۱۱۱ - ۱۱۱
مصر نامه
بخشنامه به کلیه دادسراها و دادگاههای انقلاب، ارتش، سپاه، انقلاب ارتش، کپری دادگستری سراسر کشور
مورد بخشنامه هو - ۱ - ۵/۵ - ۶۲ هیئت بررسی وضع زندانیان سراسر کشور مطالب زیر را بناتفاق آراء تمهید برای اجرا ابلاغ مینماید
الف - معکوس به حبس قلمس دادگاههای کپری دادگستری، انقلاب، ارتش، سپاه انقلاب ارتش با رعایت شرایط زیر مدت باقیمانده محکومیت آنان بصورت تعلیق درسی آید. همامری کپری معکوس با تدریج وضیعت با تمدد العزام آزاد میگردد و انتصاب یکی از امور سه گانه فوق منکول به ناسر دادستانی مجری این بخشنامه و بدینجهت، برای اول مهر سه گانه فوق با مراعات تناسب وضع معکوم علیه و جرم انتساب است
۱- اکثر معکومیت بعلت بدی و جزای نقدی یا ابرام ضروریان مالی بدولت یا اشخاص حقوق یا نفیسه (به استثناء اختلاس و ارتشا) بیش از یکصد هزار ریال (معکوم علیه مال مورد دعویها بحسارت مورد ضمانت ها جزای نقدی بدی بدولت یا اشخاص تا دپه کند یا رضایت شاکي بدی خصوصی را جلب ریاضات بدی اموال غیر منقول در زمین دولت یا اشخاص قرار دهد تا در مدت تعیین و معارف طبق نظر دادستان بدی مذکور راسترد نماید مگر آنکه اصاروی در پرداخت بدی یا بحسارت و جزای نقدی اجرا زکود که در اینصورت با فرصت مناسب و گاهی با توجه به وضع مالی و زندگی و عاقله معکوم علیه بدی مشارالیه تقیظ را قرار تا ضمن اطمینان بدی آزاد میگردد
ب - در مواردی که معکوم علیه بعلت تصبیح حقوق غیر ملکی اشخاص معکوم گردیده رضایت شاکي یا بدی خصوصی لزومی ندارد

- (۲۳)
- ۲- کسانی که با اتهام جرائم مربوط به مواد معدر و الهی معکوم شده اند بشرح ذیل مشمول طو و تخفیف میگردد
الف - معکومین به ۵ سال حبس یا کمتر بشرط فعل ششماه حبس و معکومین بدی ۵ سال حبس یا کمتر بشرط فعل یک سال بقیه مدت محکومیت آنان بخشوده میشود
ب - معکومین به بیش از ۵ سال محکومیت آنان به پنج سال حبس تخفیف می یابد
تصوه ۲- معکومین با اتهام جرائم مربوط به مواد معدر و الهی و انبوی جنبه طبع برنده اتهامی بیتر از سه بار در امر وارد کردن تولید و توزیع مواد معدر سابقه بدی داشته باشند از این نلو استفاده نخواهد نمود
۳- معکوم علیه از افراد مؤسسه فرقه ماله نباشد
۴- معکوم علیه طبق پرونده اتهامی بیتر از سه بار سابقه کلا به برداری، صرفت و اعمال منافی طبع و حرارت نداشته باشد
۵- معکوم علیه طبق پرونده اتهامی از امضا یا هواداران گروهکهای ضد انقلاب نباشد و همچنین حربه گروه و جمعیتی که برای براندازی حکومت جمهوری اسلامی اقدام نموده اند تقیظ نباشد
۶- کسانی که با چند بار در سابق مشمول طو قانون شده اند مشمول این عفو نیز میباشد
۷- اطفال معکوم طبق شرایط طوره در این بخشنامه مشمول طو میباشد
۸- کسانی که تا پایان آرمه ۱۳۶۲ حاضر شرایط طوره در این بخشنامه میشوند از مقررات این بخشنامه استفاده مینمایند
۹- قضای مشمول شرایط و موارد فوق با توجه به پرونده اتهامی بنظر دادستان مجری حکم است با اعلام مراتب فوق دستور فرمایند لوزا طبق موارد مذکوره اقدام لازم جدول صورت اساسی افرادی را که طبق این بخشنامه از زندان آزاد میشوند بدقت هیئت بررسی وضع زندانیان سراسر کشور مستقر در صالحان شماره یک دادگستری طبعه چهارم مقابل پارک شهر ارسال دارند

محمد مهدی گیلانی سید محمد ابطیحی سید جعفر کریمی سید محمد ابطیحی
محمد مهدی گیلانی سید محمد ابطیحی سید جعفر کریمی سید محمد ابطیحی

اخبار کوتاه

زمینه سازی یک گشتار جدید در جبهه ها

* رفسنجانی جنایتکار: "اهمیت این مرحله (مرحله دوم طرح لیبیک) به همان اندازهی مرحلهی اول می باشد و اکنون باید جبهه های ما پراز نیرو باشد و طوری باشد که در هر نقطه ای که خواستیم اقدام کنیم، دستمان باز باشد... ما فکر می کنیم که باید... در جنگ به نقطه ای مطلوبی برسیم. زیرا بدون حضور نیروهای داوطلب و آنهایی که در این طرح نام نویسی کردند، مقدور نیست؛ از این جهت دعوت کردیم که آنها حضور داشته باشند... تا اینکه ما دستمان در انتخاب اهدافمان باز باشد."

(کیهان - ۱۵/فروردین/۶۳)
* خامنه ای: "حضور این نیروها (طرح لیبیک) در جبهه، نقش تعیین کننده ای داشته و در حقیقت بخش مهمی از بار سنگین جنگ به دوش این نیروهاست و برای عملیات تعرضی آینده، نیروهای مردمی بایستی در جبهه ها حضور داشته باشند."

(کیهان - ۱۵/فروردین/۶۳)
* "بیش از ۳ هزار تن از لشکریان طرح لیبیک یا خمینی، سپاه پاسداران منطقه ای ۱۰ شامل تهران، کرج، ورامین، فیروزکوه، دماوند و شهرری بعد از ظهر امروز... عازم جبهه های نبرد شدند... روز گذشته نیز بیش از ۱۰۰۰ تن از رزمندگان فتح ۲، عازم جبهه ها شدند."

(رادیو رژیم - ۲۱/فروردین/۶۳)

شعار "صلح و ترس و وحشت مزدوران"

در تاریخ ۳۰/بهمن/۶۲، چند تن از اعضای یکی از هسته های مقاومت در اراک، مطابق یک برنامه ای از قبل طرح ریزی شده، شبانه وارد یکی از دبیرستان های این شهر (بنام شکرانی) شده و با استفاده از بیستوله ای رنگ، سرتاسر دیوارهای مدرسه را از شعارهای "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی"، "صلح، صلح، آزادی"، "جوانان ایرانی تا کی شوند قربانی" و... پر می کنند و پس از انجام مأموریت انقلابی خود، با نوشتن شعار "هسته های مقاومت، آماده ی مجاهدت"، منطقه را به سلامت ترک می کنند. فردای آنروز در حالیکه کلیه ی دانش آموزان مدرسه با خوشحالی به تماشای شعارها ایستاده بودند، جاسوسان انجمن ضداسلامی مدرسه وحشت زده به تکاپو افتادند و جریان را به سپاه ضد خلقی اطلاع می دهند. بدنبال آن مزدوران سپاه به مدرسه آمده و برای دست یافتن به کسانی که به نوشتن این شعارها مبادرت کرده بودند، زبونانه به جستجو می پردازند، اما سرانجام با بی اعتنائی و تمسخر دانش آموزان مواجه گردیده و مجبور به ترک مدرسه می شوند.

زندانی های مخفی

* یکی از زندانی های مخفی رژیم در تهران که به تازگی ساخته شده و در خیابان بخارست - کوچه شماره ۱۳ قرار دارد، اخیرا مورد استفاده قرار گرفته و هم اکنون تعدادی از اسرا را به آنجا منتقل کرده اند. این زندان دارای تعداد زیادی سلول در ابعاد ۱/۲۰x۱/۸۰ (در طبقه همکف ساختمان) می باشد.
* مدتی است که مزدوران رژیم در یکی از کمیته های ضد خلقی تهران (واقع در خیابان کاخ) بدلیل کمبود جا برای زندانیان سیاسی، از مدرسه ای که در نزدیکی این کمیته قرار دارد، استفاده می کنند.

بدون تفسیر

اشک تمساح برای ملت ایران !!

(رادیو اسرائیل - ۲۲/فروردین/۶۳): "سفیر اسرائیل در واشنگتن از سکوت برخی از کشورهای جهان نسبت به کاربرد سلاح های شیمیایی علیه ایران ابراز شگفتی کرد و گفت جای تعجب است که حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز صلاح ندانست نام عراق را صریحا در قطعنامه ی خود ذکر کند."

رادیو اسرائیل - ۶۳/۱/۱۳ به نقل از "روزنامه ی یدیهوت آهارانوت": "اگر قضایا را با واقع بینی مورد سنجش قرار دهیم اورشلیم و تهران در منطقه دارای مصالح استراتژیک مشترک می باشند... نمی توان از حقیقت چشم پوشید و حقیقت آنست که رژیم عراق بود که ایران را مورد حمله قرار داد و جنگ را آغاز کرد به امید آنکه پیروزی آسان و سریعی بدست آورد، ولی از تصمیم شورای امنیت برمی آید که برای ظالم و مظلوم و ضارب و مضروب یک حکم وجود دارد و اینست عدالت به سبک سازمان ملل متحد."

روزنامه ی لیبراسیون (۲۹/سپتامبر/۸۳ - ۶۲/۷/۷): "... ژنرال شارون در مورد تحویل سلاح های اسرائیلی به ایران چنین گفت: "ما در زمان رژیم قبلی یعنی در زمان شاه به ایران سلاح تحویل دادیم. پس از آن، تحویل سلاح ها با موافقت آمریکا ادامه پیدا کرد." ژنرال بر روی این نکته پافشاری کرد: "آمریکا کاملا در جریان تحویل سلاح ها بود."

بهداشت و درمان عمومی !!

* منافی وزیر بهداشتی رژیم خمینی: "... ما در سال ۲۸۰۰۰۰۰ مرگومیر زیر پنج سال داریم که ۸۰ هزار نفر از این کودکان که سرمایه های مملکت ما هستند فقط با یک اسهال ساده از بین می روند... ما بیش از ۱۰۰ هزار کودک را در اثر بیماری های واگیر شناخته شده مثل: سرخک، فلج اطفال، دیفتری و غیره از دست می دهیم."

(کیهان - ۱۸/فروردین/۶۳)
* مسئول بخش جراحی یکی از دو بیمارستان موجود در گنبد: "این بیمارستان حدود یک میلیون نفر را از گنبد تا بجنورد تحت پوشش دارد. مریض هایی که مراجعه می کنند با کمبود پزشک روبرو هستند و این یک کمبود عمده است. متخصصی در این بیمارستان ها وجود ندارد و تخت ها گفای بیماران را نمی دهد... جراح عمومی در سطح شهر ۵ نفر و در بیمارستان ما فقط یک نفر است."

(اطلاعات - ۷/فروردین/۶۳)
* مسئول بخش زنان همان بیمارستان: "در این بیمارستان حدود ۲ سال است که متخصص زنان و زایمان نداریم... حدود ۲ سال است که زایمان ها را می فرستند به گرگان و گرگان نامه داده که نمی توانیم بیماران شما را قبول کنیم... مریض اورژانس رفته گرگان و با همان حالت او را بازگردانده اند به گنبد که در نتیجه بیمار فوت شده است."

(اطلاعات - ۷/فروردین/۶۳)
* آمار کشف موارد جدید جذام در طول یکسال ۶۸/۵۷٪ افزایش نشان می دهد. با اینکه در این مدت بسیاری از روستاها ویزیت نشده اند، وجود ۳۰ درصد روستای آلوده به جذام در سطح استان (آذربایجان غربی) مسئله ی بسیار خطرناکی است."
(کیهان - ۱۹/فروردین/۶۳)

در حالی که رژیم خمینی "تازه ترین امکانات پزشکی" را به بیمارستان های صحرایی مستقر در جبهه ها منتقل کرده و می کند. براساس گزارش مندرج در کیهان (مورخ ۹/فروردین/۶۳) تنها در یکی از این بیمارستان ها (خاتم الانبیا) "حدود ۳۰ پزشک متخصص و تعدادی پزشک عمومی" وجود دارد و "امکانات دارویی موجود در این بیمارستان به حدی است که از بیمارستان های مجهز داخل شهرهای بزرگ نیز برتری جسته است."

باز هم خرید جنگ افزار

رژیم خمینی از ۲ ماه پیش به اینطرف طی ۱۵ پرواز توسط هواپیماهای ۷۴۷، موشک "اورلیکن" از طریق فرودگاه میلان به ایران حمل کرده است. این پروازها حدود یک ماه به طول کشیده است. در ماه های اخیر تعدادی موتور هواپیمای فانتوم، ملخ، موتور هلی کوپتر پل (کبری) توسط هواپیماهای ۷۴۷ به ایران حمل شده است.

دزدیهای فرماندار

وتضاد ایدای خمینی در زاهدان

در اواسط بهمن ماه سال گذشته بدنبال لو رفتن جریان اختلاس و دزدیهای که توسط "نبی شهبخش" فرماندار مزدور رژیم در زاهدان صورت گرفته بود، نامبرده توسط کمیته ی ضد خلقی زاهدان دستگیر و از سمت فرمانداری معزول میشود. در این ماجرا سردمداران کمیته که از مدتها قبل با فرماندار تضاد داشته و درگیر بوده اند، از موقعیت استفاده کرده و قصد داشته اند تا برای تسویه حساب، او را در ملاء عام شلاق بزنند. اما از آنجا که عبادی امام جمعه ی جنایتکار زاهدان نیز با فرماندار همدست بوده و در دزدیهای او شرکت داشته است، با دخالت خود از شلاق خوردن او توسط کمیته جلوگیری کرده و علاوه بر آن وی را از زندان آزاد کرده و به سمت مدیرکل یکی از ادارات فرمانداری منصوب میکند.

عکس دجال و رگبار مزدوران

در تاریخ ۱۵/اسفند/۶۲ مزدوران سپاه ضد خلقی خمینی در کرمانشاه، جوانی را که اقدام به پاره کردن عکس خمینی در انظار عمومی کرده بود، در خیابان به رگبار بسته و به قتل می رسانند. جوان مزبور در حوالی میدان مصدق کرمانشاه، عکس خمینی دجال را از دیوار پائین کشیده و در حالیکه علیه خمینی و دارودسته ی جنایتکارش شعار می داد، آنرا در جلوی مقر پاسداران و بسیجی ها پاره می کند. بدنبال آن پاسداران مزدور، او را محاصره کرده و قصد دستگیری او را داشته اند؛ اما جوان نامبرده در مقابل مزدوران رژیم تسلیم نشده و با کاردی که به همراه داشته درصدد دفاع از خود برمی آید که در این هنگام پاسداران خمینی، او را در جلوی چشمان حیرت زده ی مردمی که در محل به تماشا ایستاده بودند، به رگبار می بندند. پیکر غرقه بخون این جوان مقاوم توسط مردم به بیمارستان انتقال می یابد.

باز هم اخاذی

مدتی است که رژیم خمینی آلونک نشین ها و کپرنشین های اطراف تهران را برای پرداخت "مالیات" و "عوارض شهرداری" و... تحت فشار قرار داده و در همین رابطه مأمورین رژیم به شهرک های حاشیمی تهران مراجعه کرده و از ساکنین آنها بعضا مبالغی بین ۱۰ تا ۲۰ هزار تومان پول درخواست می کنند.



زندان و زندانی

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌هایی

از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های

رژیم ضد بشری خمینی

گزارش دوم (زندان مشهد - قسمت اول)

بوق زد. ابتدا درب کوچکی باز شد، کسی سرک کشید و نگاهی به مینی‌بوس انداخت؛ دوباره درب کوچک بسته شد و چند لحظه بعد درب آهنی برقی، آهسته‌آهسته عقب رفت و مینی‌بوس به آهستگی وارد زندان وکیل‌آباد شد و دوباره درب آهنی به آهستگی بر روی ریل لغزید و رابطی ما را با جهان خارج از زندان قطع کرد.

پاسبانی که به چارچوب بین اتاقک زندانیان و راننده تکیه داده بود، با صدائی بلند گفت: "پیاده شید که از کار و زندگی عقب موندم." و خودش به زمین پرید و منتظر ما ماند. همه پیاده شدیم و راه افتادیم. پاسبان با خشکی گفت: "تندتر بابا" معلوم بود عجله دارد ما را زودتر تحویل بدهد و دنبال کارش برود. چنانکه بعدها فهمیدم هر پاسبان یکرز در زندان کار می‌کند و یکرز مرخصی دارد، با این شرط که تعدادی زندانی را به جاهای مختلف ببرد و بازگرداند و این کار، گاهی وقت آنها را تا ظهر اشغال می‌کرد و دلیل عجله‌ی پاسبان همراه ما نیز چیزی جز این نبود.

بطور خلاصه تا وارد شدن به نگهبانی داخل بند و خود بندها، هر زندانی باید ۶ درب آهنی را پشت سر بگذارد، پشت درب اصلی، در سمت راست، دفتر رئیس زندان (۲) و "تلفن‌خانه" قرار گرفته و در سمت چپ، خوابگاه‌های نگهبانان و زندانبانان و اتاق "انگشت‌نگاری" و در بالا بین دو ساختمان، اتاق کنترل‌چی درب اصلی قرار دارد. کمی جلوتر در سمت راست، درب آهنی برقی دیگریست که به جاده‌ی ماشین‌رو راه دارد. بین دیوار اصلی و دیوار دوم، ساختمان دیگری در حال قد کشیدن است. این زندان به دستور دادسرای باصلاح انقلاب و برای زندانبانان سیاسی ساخته می‌شد و خبر از بقیه در صفحه ۱۹

هنگام دو رئیس داشت، چون این زندان ظاهراً توسط شهربانی اداره می‌شد! مسئولیت آن به عهده‌ی سرهنگ "زاهدی" بود، ولی در حقیقت "حاجی شالچی" یکی از کثیف‌ترین مهره‌های خمینی در مشهد بر بخش زندانبانان سیاسی نظارت می‌کرد.

این دیوار، محوطه‌ای به عرض چندین متر خالی از هرگونه گیاه وجود دارد و سپس دیوار داخلی زندان به ارتفاع ۴ متر که باسیم خاردار نیز محصور شده، قرار گرفته است. یعنی در حقیقت زندان در نمای کلی شبیه دو مربع مستطیل متداخل است که در مربع مستطیل داخلی ساختمان‌های مختلف قرار گرفته‌اند. در زوایای دیوار خارجی و همچنین در قسمت میانی طول زندان، برج‌های غول‌آسای مراقبت قرار گرفته‌اند.

از داخل برج‌ها که قسمت فوقانی آنها تماماً از آهن و شیشه ساخته شده است، نگهبانان بطور کامل بر تمام صحن خارجی زندان مسلط هستند. این برج‌ها شب‌ها بوسیله‌ی نورافکن‌های بسیار قوی تمام محوطه‌ی خارجی را روشن می‌کنند و در صورت قطع برق، بطور اتوماتیک و در عرض چند ثانیه، بلافاصله بوسیله‌ی موتور برق داخل زندان روشن می‌شوند. زندان وکیل‌آباد از طرف شمال، پشت وکیل‌آباد و شهرک نظامی، از طرف جنوب در راستای پارک آزادی و شهرک "آزادشهر" قرار گرفته و از سمت شرق به تپه‌های "آبادی قاسم‌آباد" (محل تیرباران‌ها و کشتارهای دستجمعی فرزندان خلق) و "جاده‌ی سنتو" (تهران - مشهد) و از جانب غرب به جاده‌ی "پارک وکیل‌آباد" و "کوی آب و برق" راه دارد. درب اصلی زندان رو به شمال قرار دارد و در جلوی آن در سمت دیوار و خارج از محیط زندان، تعدادی آپارتمان متعلق به پرسنل زندان ساخته شده است.

مینی‌بوس ناله‌کنان جلوی درب آهنی بزرگ متوقف شد و پاورقی:

۱- برادر مجاهد "هادی جاهدنیا" که فشرده‌ی گزارش او را از این پس ملاحظه خواهید کرد، در تاریخ ۵/مرداد/۶۲ با اجرای یک طرح هوشیارانه موفق به فرار از دست دژخیمان ارتجاع گشت.

۲- زندان وکیل‌آباد در آن

ما در آن قرار داشتیم (اتاقک مخصوص زندانبانان) ایستاده و مشغول سیگار دود کردن بود، با لهجه‌ی غلیظ مشهدی گفت: "تو که گفتی جلدی بره، هرچی ولت مکنن برگرودی" مرد زندانی دستی به صورت خسته و پوشیده از ریش‌های زبرش کشید و با اوقات تلخی دشنامی نثار شخص مجهولی کرد و زیر لب غرید: "یازده ساله که کار ما شده رفتن به زندان و آزاد شدن، هی برو، هی بیا، اون که زمان اون شاه، اینم از این یکی، آخه کار دیگه‌ای می‌شه کرد، میری بیرون مجبوری دو باره برگردی تو این خراب شده و... و چیز نامفهومی زیر لب زمزمه کرد و باخستگی روی صندلی‌اش نشست و سرش را پائین انداخت.

مینی‌بوس سرانجام به راه اصلی زندان رسید و به طرف راست پیچید و وارد جاده‌ی باریکی شد. حالا دیگر از شیشه‌ی جلوی ماشین، زندان بزرگ وکیل‌آباد با برج‌های بلند غول‌آسایش پیدا بود؛ برج‌هایی که در هر یک از آنها مسلسل‌هایی برای سوراخ سوراخ کردن کسانی که برای فرار به تلاش دست بزنند، آماده‌ی شلیک، انتظار می‌کشید. از قبل اطلاعاتی فشرده و کلی درباره‌ی این زندان داشتم و بارها شبح آنرا از دور دیده بودم و حالا خود می‌رفتم تا در آن زندگی کنم

مختصری از

موقعیت

"زندان وکیل‌آباد"

این زندان در سال ۴۷ بوسیله‌ی طراحان و مهندسين و مشاورین خارجی رژیم شاه با شیوه و سیستم جدید زندان‌سازی ساخته شد و در سال ۵۰ مورد بهره‌برداری قرار گرفت و حدود ۱۵ سال از عمر آن می‌گذرد. طول این زندان ۱۰۰۰ متر و عرض آن ۵۰۰ متر است و دیواری به ارتفاع ۷ تا ۸ متر آنرا محصور کرده است و بعد از

توضیح:

گزارش دوم از مجموعه گزارشی که تحت عنوان "زندان و زندانی" انتشار می‌یابد، به زندان مشهد (زندان وکیل‌آباد یکی از مجموعه زندانهای خمینی در مشهد) اختصاص دارد. این گزارش با استفاده از نوشته‌های برادر مجاهد "هادی جاهدنیا" (۱) که نزدیک به ۲/۵ سال در این زندان بسر برده و خود از نزدیک شاهد جنایات و وحشیگری‌های مزدوران خمینی بوده، تنظیم شده است.

در این سلسله گزارشات، اگر چه به عنوان محور اصلی همواره نوشته‌های فوق‌الذکر در نظر گرفته شده، ولی برای دقت و تکمیل مطالب و همچنین جامع بودن آن، سعی شده از دیگر گزارشات کوتاه و بلند و همچنین مجموعه اخباری که از زندان وکیل‌آباد در دست ماست، چه در متن و چه در حواشی و پاورقی‌ها استفاده شود.

به سوی

زندان وکیل‌آباد

بی‌اختیار چهره‌ی کریه و اخم‌ی یکی از بازجوها را در ذهنم زنده کردم؛ بازجویی که هنوز آثار ضربات وحشیانه‌اش بر سر و صورتم پیدا بود و وقتی از شنیدن اسامی و موضع سازمانی آنها از زبان من نا امید شده بود، جلو آمده و گفته بود: "تاراحت نباش. بالاخره گذر پوست به دباغ خانه می‌افته؛ امروز تو، فردا نوبت اون‌هاست. امروز حرف نزنن فردا زبونتو باز می‌کنیم، فعلاً برو به مدت "وکیل‌آباد" استراحت کن! تا سر عقل بیایی بعدش بالاخره..."

و حالا داشتم بطرف وکیل‌آباد می‌رفتم تا به قول آنها سر عقل بیایم! با خود فکر کردم "مدرکی که از من ندارند بالاخره یک ماه، دو ماه بعد مجبورند آزادم کنند..." ولی سرنوشت، برگه‌های دیگری در آستین نهان کرده بود و من می‌بایست شاهد و ناظر ماجراهای عجیبی باشم که هرگز فکر روبرو شدن با آنها را نمی‌کردم؛ ماجراهایی از شقاوت‌ها و جنایت‌ها و عمق پستی از سوی خمینی و مقاومت و پاکبازی و دلاوری و شرف انقلابی از سوی فرزندان مجاهد و انقلابی این خلق؛ ماجراهایی که بخشی از آنها را در اینجا بازگو می‌کنم. "بفرما اینم وکیل‌آباد" یکی از زندانبان عادی با اوقات تلخی از جایش بلند شده بود و از پشت شیشه، زندان را که دیگر از دور پیدا شده بود، می‌نگریست. پاسبانی که بین قسمت جلوی ماشین و اتاقکی که

... ماشین قدیمی و اسقاطی که سالها کار نقل و انتقال زندانبانان را به زندان و بیمارستان و ساواک و دادسرای ارتش در زمان شاه به عهده داشت و بعد از آن هم در خدمت خمینی بکار گرفته شده بود، از جلوی "پارک آزادی" که درخت‌های آن هنوز نشانه‌های زمستان را بر شاخ و برگ خود داشتند، گذشت و پانصد متر پس از "پارک" اندکی به سمت چپ پیچید و دوباره مستقیم به راه خود ادامه داد و در جاده‌ای که به طرف "وکیل‌آباد" و "شان‌دیز" و "طرقبه" امتداد پیدا می‌کرد، پیش رفت.

به چند زندانی عادی که با قیافه‌های تکیده و اوقات تلخ در گوشه و کنار مینی‌بوس ولو بودند، نگاه کردم و از جابم بلند شدم و سرم را به شیشه‌ی کوچک پنجره که با تور سیمی محکمی پوشانده شده بود، چسباندم و بیرون را نگریستم. کوه‌ها و تپه‌ها و دشت‌های اطراف، همه آشنا بودند، حتی شکل تپه‌ها. انحنای یالها و دشت‌های گسترده‌ای که آنسوی آنها وجود داشت؛ همه را در چند سال گذشته زیر پا گذاشته بودم، با بچه‌ها، بچه‌هایی که مدتی بود از آنها هیچ خبری نداشتم. یادآوری خاطرات گذشته و ردیف شدن قیافه‌های دوستان و یاران آشنا،

نگاهی بدوستانها و کشمدها

سفیه جنایتکار و تمرین نقش ولایتعهدی

بقیه از صفحه آخر

بر اساس همین خط است که منتظری جنایتکار گهگاه، با طرح مسائلی از قبیل "دل سوزاندن" برای زندانیان سیاسی توصیه می‌کند "آزاد کردن" آنها و "بزرگ جذب نیروهای متخصص" و "حمایت از مستضعفین" و ... تلاش می‌کند تا ضمن تمرین نقش‌هایی که از طرف "امام" جنایتکارش به او واگذار شده است - چنانکه خود او نیز به آن اعتراف کرده است - حتی الامکان بر "نارضایتی‌های فزاینده‌ی اجتماعی سرپوش گذاشته و چنین وانمود کند که گویا مسئول اصلی این همه خرابی و بیگاری و شکنجه و اعدام و هرج و مرج و ناامنی اجتماعی و سیاسی و اداری و ... نه خمینی و دار و دسته‌ی جنایتکارش (و از جمله خود او) بلکه بر حسب اتفاق و از جانب کسانی صورت گرفته و می‌گیرد که گاه گاه "خودسرانه" عمل کرده و موجبات "بدبینی" مردم را فراهم کرده‌اند.

اما جدای از اینگونه مانورها و بلوف‌های ارتجاعی و مسخره، آنهم از جانب رژیم‌هایی که سر تا پا غرق در خیانت و جنایت بوده و از فردای وارد شدن نخستین ضربه‌ی استراتژیکی بر فرق آن، بکلی بی‌آینده شده و در غیاب شخص دیکتاتور ضدبشر، آینده‌ای برای آن متصور نیست؛ به این نکته نیز باید اشاره کرد که منتظری جنایتکار به عنوان یکی از مهره‌های رژیم "ولایت سفیانی" همواره "همدست" و "همکار" و "هم‌فروانی" خمینی خون‌آشام بوده و علاوه بر تأیید همه‌ی جنایات و فتاوی‌ی‌امام رذالت پیشه‌اش، خود نیز در سیاست‌های جنگ‌افروزانه و سرکوبگرانه‌ی رژیم شرکت فعال داشته و از جمله عاملان و آمران شکنجه و کشتار انقلابیون بوده و منجمله خود او برای اولین بار حکم "حلیت تجاوز به دختران محکوم به اعدام" را صادر کرده است.

اینک به مجموعه فاکت‌هایی در این رابطه توجه کنید:

* منتظری (اطلاعات - ۱۳/اسفند/۶۲): "چرا باید هر چند بار رهبر معظم انقلاب اینچنین فریاد زنده و گجی‌ها و ناخالصی‌ها، ایشان را نگران سازد."

* منتظری (کیهان - ۱۳/بهمن/۶۲): "قضات شرع و دادستان‌های سراسر کشور با توجه به نظر رهبر انقلاب ترتیبی دهند تا لیست این افراد را که به تشخیص آنها ماندنشان در زندان ضرورتی ندارد، برای دیوانعالی کشور و هیئت منصوب از طرف امام بفرستند تا انشاءالله در این دهه‌ی فجر عده‌ی زیادی از آنها آزاد شوند.!!"

* منتظری (کیهان - ۱۱/بهمن/۶۲): "برادران عزیز در سپاه به این حقیقت توجه داشته باشند که اگر برخورد آنان با مردم تند و خارج از رویه‌ی اسلامی باشد، تمام اینها به حساب اسلام و انقلاب گذاشته می‌شود ... سپاه حق توهین کردن به افراد متهم یا بستگان و زن و بچه‌ی آنها را ندارد ..."

* منتظری در دیدار با لاجوردی (رادبو رژیم - ۱۶/فروردین/۶۲): "نباید افراد هواداری که از روی احساسات چیزی گفته و یا نشریه‌ای خوانده و یا منتشر کرده‌اند را در زندان نگاه دارید. نگاه داشتن اینگونه افراد در زندان اثری جز نارضایتی خانواده‌های آنها و انحراف بیشتر خودشان در داخل زندان بخاطر فراغت و بیگاری در محیط زندان و تماس دائم با افراد خطرناک و رده‌ی بالا، روی آنان ندارد."

* منتظری (اطلاعات - ۱۳/شهریور/۶۲): "خطر این گروهکها و سازمان‌ها ... از ابرقدرتها کمتر نبود."

* منتظری (اطلاعات - ۴/مرداد/۶۲): "نباید در مورد افراد ... خطرناک که هنوز متنبه نشده‌اند، ساده‌اندیشی نمود و آنها را از زندان آزاد کرد."

* منتظری در دیدار با لاجوردی (رادبو رژیم - ۱۶/فروردین/۶۲): "بسیاری از این توبه‌ها و اظهار علاقه‌ها که در زندان می‌شود، دروغ است

و ما نباید فریب بخوریم."

* منتظری (کیهان - ۲۵/دی/۶۲): "افراد با سوادی را که کشور به آنها نیاز دارد یا بوسیله‌ی سفارتخانه‌ها و یا بوسیله‌ی خودتان از آنها دعوت کنید و در این رابطه هیئت‌هایی به خارج از کشور بفرستید، زیرا افراد بسیاری در خارج از کشورند که در اثر تبلیغات مسموم وحشت کرده‌اند و خیال می‌کنند که در ایران گردن می‌زنیم، آنها را به ایران دعوت کنید."

* منتظری (اطلاعات - ۴/آبان/۶۲): "کشور نیاز به نیروهای متخصص و ماهر دارد. بسیاری از ناهماهنگی‌ها و نارسائی‌ها بخاطر بکار نرفتن افراد با کفایت و متخصص است ... نباید زیاد سخت‌گیری کرد و افراد متخصص را بجرم داشتن سابقه‌ی کذائی که مثلا در رژیم گذشته عکس داشتند و یا فلان کار را انجام داده‌اند، طرد نمود."

* منتظری (جمهوری - ۱۴/مهر/۶۲): "عده‌ای فکر می‌کنند که تمام بودجه‌ی مملکتی دست روحانیون است و روحانیون دیگر از نظر بودجه بی‌نیاز شده‌اند.!!"

* منتظری (کیهان - ۲۱/خرداد/۶۲): به دوستان طلبه و روحانی که در شهرها و یا ارگان‌ها به کاری مشغولند عرض می‌کنم رفتار ما با مسئولین و مردم نباید خدای ناگردد جایزانه و از موضع قدرت باشد."

* منتظری در دیدار با اعضای شورای اجرائی حزب جمهوری (کیهان - ۱۴/آذر/۶۲): "بایستی منظورتان از حزب این نباشد که خودتان که در حزب هستید، منشاء و مصدر امور و کارگردان کشور باشید ... می‌خواهیم حزب را برای آنکه وسیله قرار دهیم، افرادی که تشخیص دادیم آنها بدرد کشور و انقلاب می‌خورند تأییدشان کنیم."

* منتظری (اطلاعات - ۶/بهمن/۶۱): "استانداران و فرمانداران و دیگر مسئولین باید موقعیت امام جمعه را در محل لمس کرده و بدانند که امام جمعه منصوب امام امت است ... آنچه از ائمه‌ی جمعه انتظار می‌رود اینست که آقایان محترم خودسرانه در کارها عمل نکنند، بلکه با جلسات مشترک هفتگی که با مسئولین برقرار می‌کنند، دوستانه و بدور از پرخاشگری مشکلات را حل نمایند."

* منتظری (کیهان - ۱۴/آذر/۶۲): "در مورد کشاورزی تاکنون بیشتر شعار

داده‌ایم و امیدواریم در آینده با به یگار گرفتن برنامه‌های حساب شده و دقیق، وزارت کشاورزی بتواند با دادن امکانات کشاورزی و وسایل مورد نیاز کشاورزی بیش از پیش به کشاورزان خدمت کند."

* منتظری (کیهان - ۸/خرداد/۶۲): "گاهی شنیده می‌شود افرادی می‌خواهند با اعمال نفوذ این زمین‌ها را از کشاورزان پس بگیرند، ولی دادگاهها نباید اجازه دهند اینگونه برخوردهای دلسردکننده یا روستائیان و کشاورزان عزیز انجام گیرد."

* منتظری (کیهان - ۵/بهمن/۶۲): "گرچه زیاد نمودن حقوق کار صحیحی نیست، ولی برادران و خواهران ما در ادارات و سازمانها گرچه حقوق‌های ناچیز را تحمل می‌کنند و در این شرایط جنگ و تحریم اقتصادی ... با دولت همکاری می‌کنند، ولی از دولت هم انتظار داریم امکانات بیشتری را در اختیار آنها قرار دهد و ترتیبی دهد تا هزینه‌های مورد نیاز مردم (!) و مسئولین در ادارات ما، کمتر بردوش آنها سنگینی نماید."

* منتظری (کیهان - ۶/تیر/۶۲): "امروز خطر تشنگی نیروها و دلسردی و احساس تنهائی و به انزوا کشیده شدن افراد و نیروهای با کفایت و متعهد در اثر جوسازی‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها و تهمت زدن‌ها و اعمال غرض‌ها و ترتیب اثر دادن بر "می‌گویندها" کاملا احساس می‌شود ..."

* منتظری (کیهان - ۲۴/آذر/۶۲): "انتظار می‌رود در آنچه مربوط به ستاد انقلاب فرهنگی و دولت است مسامحه نشود تا افراد با دل گرمی و اعتماد بیشتر به آینده به تحصیلات خود ادامه دهند."

* اطلاعات (۹/شهریور/۶۲): "طی حکمی از سوی آیت‌الله العظمی منتظری، حجت‌الاسلام محمدی گیلانی مسئول دفتر مرکزی نظارت بر خط فکری و عقیدتی دانشگاهها شد."

* منتظری (کیهان - ۲۷/دیماه/۶۲): "هنوز کارهای زیادی مانده که باید وزارتخارج انجام دهد و آنچه مهم است این که امروز آبروی این انقلاب در خارج بسته به تلاش و کار آقایان دارد ... دولت از هر راهی صلاح می‌داند گرچه با حذف بعضی مخارج از جاهای دیگر ... به این موضوع بیشتر توجه کند و بودجه و امکانات کافی را در اختیار نمایندگان خود در خارج کشور قرار دهد."

* منتظری (جمهوری -

اول/شهریور/۶۲): "در چنین شرایط حساسی این دولت است که باید با موضعگیری انقلابی و سریع خود نسبت به تمام مسائل حیاتی انقلاب و مردم، دشمنان اسلام را خلع سلاح کرده و امید ما را مجددا سرزنده سازد و انگیزه‌ای را که آنان با فریب و استفاده از نارضایتی‌ها و عملکرد گذشته در افراد بی‌تجربه و ساده‌لوح بوجود آورده‌اند، به نحو احسن از آنان بگیرد."

* منتظری (اطلاعات - ۱۶/تیر/۶۲): "جنگ با عراق ... فعلا مسئله‌ی اساسی ماست و حرکت به جبهه به مقدار کفایت بر همه واجب است و رزمندگان مادر جبهه‌ها بدانند که راه قدس برای ما از گریلای می‌گذرد."

* منتظری (جمهوری - اول/شهریور/۶۰): "از جمله ضعف‌های گذشته که تاکنون ضد انقلاب از آن بهره برده، نداشتن یک ارگان قوی و هماهنگ اطلاعات و تحقیقات است. پیرو توصیه‌های موکد امام مدظله، مجلس شورای اسلامی باید به این نقش توجه کرده و یک ارگان معینی را با ضوابط مشخصی مسئول این مهم بشناسد ... یک سیستم دقیق خبریابی از توطئه‌های دشمنان بوجود آورد و تشکیلات اطلاعاتی مختلف در آن ادغام گردد."

* منتظری (اطلاعات - ۲۶/شهریور/۶۲): "تغزیر و زندان و حتی اعدام ... جنبه‌ی علاجی دارد."

* منتظری (کیهان - ۱۰/دیماه/۶۲): "در این گونه امور که مربوط به توطئه‌های ضد انقلاب و مثلا خانه‌های تیمی آنها نیست، مراقبت و تعقیب و وادار نمودن افراد به اعتراف و اقرار به گناه شرعا مطلوب نیست ... خود قاضی و دادستان نمی‌توانند غیر از اجرای حکم اسلامی، کتکی به او بزنند و یا فحاشی و توهین به فرد محکوم بکنند."

* کیهان (۲۸/آذر/۶۲): "هشدارهای امام و آیت‌الله العظمی منتظری دارای سمت‌گیری واحد و هدف‌های یکسان است."

* رفسنجانی (کیهان - ۳۰/آذر/۶۲): "می‌گویند که آیت‌الله منتظری هم از دولت انتقاد کرده بود، پس نظر امام و حرف‌های امام با آقای منتظری هم برخورد داشته ... آیت‌الله العظمی منتظری پرتوان‌ترین بازوی این انقلاب بعد از امام است و بحق ایشان امید ملت ما و نیروهای انقلابی ما و رزمندگان هستند ... ما می‌دانیم در این انقلاب و در این مملکت هیچکس نزدیکتر از آیت‌الله العظمی منتظری به امام نیست."

تقاضای "نهضت آزادی" بازرگان از رژیم خمینی و "محروم ماندن" آن از مشارکت در انجام "وظیفه بزرگ اسلامی و ملی"!! انتخابات مجلس خمینی

آنچه که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، قسمت‌هایی از متن بیانیه‌های شماره‌ی ۴ و شماره‌ی ۵ "نهضت آزادی" بازرگان در رابطه با انتخابات مجلس خمینی است که در آنها منجمله با نقل متن کامل تلگراف "نهضت" به رئیس‌جمهور خمینی که طی آن ضمن تاکید بر این مسئله که: "نهضت آزادی ایران شرکت در انتخابات را حق و وظیفه‌ی خود می‌داند..." و همچنین تقاضای دریافت اجازه‌ی انتشار روزنامه‌ی خود (میزان) برای تبلیغ مواضعش به منظور آمادگی برای انتخابات مجلس؛ و با اشاره به اینکه این تقاضا از جانب رژیم خمینی بلا جواب گذاشته شده، "نهضت آزادی" موضع نهایی خود در قبال انتخابات مجلس خمینی را اینگونه اعلام می‌دارد:

"... با ابراز تأسف به استحضار هموطنان عزیز می‌رسانیم که نهضت آزادی ایران علیرغم احساس تکلیف و وظیفه برای مشارکت در انتخابات و علیرغم وعده‌های مقامات مسئول، بدلیل شرایطی که در کشور حاکم است، از انجام این وظیفه‌ی بزرگ اسلامی و ملی محروم گردیده است و برای دومین دوری مجلس شورای اسلامی کاندیدا معرفی ننمود." ذیلاً به قسمت‌هایی از بیانیه‌های شماره‌ی ۴ و شماره‌ی ۵ نهضت آزادی توجه کنید:

بیانیه شماره ۴

پیرامون انتخابات

مجلس شورای اسلامی

... در بیانیه‌های شماره‌ی ۱ و ۲ و ۳، ما حرف‌های لازم را زده و با اشاره به خلف عهدها و خلاف قانون‌ها خواسته‌های خود را برای استفاده از حق قانونی مشارکت در انتخابات و معرفی نامزدها گفته بودیم. اینک نیز شرایط عمده تحقق یا "اگرهای" آزادی واقعی انتخابات را فهرست‌وار ذکر می‌نمائیم. اعم از آنچه ناظر به گذشته است یا آنچه مورد انتظار حال و آینده می‌باشد.

نظر به اینکه نهضت آزادی ایران، به عنوان وفادار به قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی و مخالف سیاسی هیئت حاکمه، تنها گروه حذف‌نشده از صحنه است و نظریات اصولی خود را نسبت به انتخابات علناً ابراز می‌دارد میزانی برای سنجش آزادی گردیده است و با رفتاری که با ما می‌شود حالت نمونه را پیدا کرده‌ایم و مرتباً از ما پرسش می‌کنند. ما هم، با طرح اگرها و نمونه‌های ذیل، مسئله را با مسئولین محترم در میان می‌گذاریم:

۱ - اگر حمله‌ی کذائی ۶ آبان‌ماه به دفتر نهضت آزادی (به جرم قصد انجام‌نشده‌ی برگزاری سمینار تأمین آزادی انتخابات) صورت نگرفته، مهاجمینی که زیر نظر مامورین کمیته و دادستانی عمل می‌کردند مورد تعقیب قرار گرفته بودند و اموال و اوراق و اسناد

ضبط شده‌ی نهضت را دادستانی انقلاب تهران پس می‌داد، قول و قسم‌های آزادی انتخابات ممکن بود مورد شک و انکار قرار نگیرد.

۲ - اگر وزارت کشور تشکیل سمینار داخلی "آزادی انتخابات" برای ۲۵ آذرماه را منع ننموده بود یا همین معامله را با سمینارهای منعقد شده در قم و تهران و اصفهان و جاهای دیگر، که از طرف ائمه‌ی محترم جمعه و گروه‌های روحانیت یا احزاب موافق دعوت شده بودند، انجام می‌داد ممکن بود گفته شود که ظلم بالسویه عدل است و اگر هنوز "آزادی" برای انتخابات تأمین نمی‌باشد لاقلاً "برابری" وجود دارد.

۳ - اگر روزنامه‌ی میزان چاپ‌کننده‌ی نظریات ما، برطبق درخواست‌های مکرر مسئولین آن، بعد از ۳۳ ماه از توقیف غیرقانونی خارج شده بود یا به درخواست دو سال قبل ما برای انتشار روزنامه ارگان ترتیب اثر داده بودند و مخالفین با دولت یک نشریه‌ی عمومی آزاد می‌داشتند امید و اطمینان مردم نسبت به آزادی قلم و تبلیغات تا حدودی جلب می‌شد، ولی می‌بینیم روزنامه‌ی کیهان قسمتی را بنام "صفحه‌ی انتخابات" اختصاص می‌دهد و از صاحب‌نظران و علاقمندان دعوت به ارسال مقالات می‌نماید ولی از درج مقاله‌ی "آزادی از دو دیدگاه" ارسالی مورخ ۶۲/۱۱/۲ نهضت خودداری می‌کند.

۴ - اگر حمله‌ی مجدد ولی ملایم و وسیع مامورین کمیته‌ها به دستور دادستانی انقلاب تهران به غرفه‌ی کتاب نهضت آزادی و روزنامه‌فروشی‌های تهران و مراجعه‌ی بعدی به کتابفروشی‌ها در تاریخ ۲۱ دی‌ماه به عمل نیامده، نشریات انتخاباتی نهضت را جمع‌آوری نمی‌کردند و توزیع‌کنندگان را تهدید و توهین نمی‌نمودند، دست نهضت از حداقل ارتباط با انتخاب‌کنندگان و مردم کوتاه نمی‌شد و این اسناد ناقصشان که نهضت برخوردار از آزادی انتشارات می‌باشد تکذیب نمی‌گردید. مردم نیز باور می‌کردند که قرار است قول و فعل مسئولین با هم انطباق داشته باشد و قوانین رعایت گردد.

آیا در پیام ۲۲ بهمن امسال امام که:

"انتخابات یک امتحان الهی است که گروه‌گرایان را از ضوابط‌گرایان ممتاز می‌کند و مومنین و متعهدین را از مدعیان جدا می‌سازد"

پس از آنکه رای‌دهندگان و مردم طرف خطاب و عتاب باشند خود آقایان مسئولین مدارج بالا نیستند که در معرض امتحان الهی قرار گرفته‌اند و لازم است از گروه‌گرایی به ضوابط‌گرایی برگشت نمایند؟

۵ - اگر در کلیه‌ی پیام‌ها و خطبه‌ها که آقایان اصرار به وجود آزادی مردم در رای دادن و گزینش نامزدهای مورد قبولشان می‌نمایند و در واقع آزادی انتخاب‌کنندگان را اعلام می‌فرمایند یک تاکید می‌راند به آزادی و امنیت "انتخاب-شوندگان" یا داوطلبان، و از امانتداری آراء مردم می‌نمودند و صریحاً نهادها و هر فرد یا گروه دخالتگر را اعم از رسمی و "مردمی" از مخالفت و مزاحمت کاندیداها برحذر داشته چنین اعمال را خلاف شرع اعلام کرده تعیین و تعهد کیفر می‌نمودند، مسلماً نامزدهای آزاد و غیروابسته جرأت اظهارنظر و ابراز وجود می‌کردند.

در بعضی از کشورهای کمونیستی یا فاشیستی آزادی انتخاب‌کنندگان رعایت شده از این جهت الزام و اجباری به عمل نمی‌آید ولی لیست و کاندیدائی بجز لیست‌های حزبی یا دولتی در اختیار کسی قرار نمی‌گیرد. آزادی

انتخاب کردن هست، آزادی انتخاب شدن وجود ندارد. حال اگر در کشور ما نیز مردم نتوانند از نام و نظر نامزدها آگاهی پیدا کنند و آزادی انتخاب‌شوندگان وجود نداشته باشد مواضع مشابهی را خواهیم داشت و اگر مردم برای رفتن پای صندوق‌ها واقعا از هرگونه ترس و تحمیل آزاد باشند مسلماً خلق زیادی، چون به فرموده‌ی امام کاندیداها را نمی‌شناسند، به پای صندوق‌ها نخواهند رفت و چنان مجلسی بی‌اعتبار و خلاف شرع خواهد بود...

... ما می‌خواهیم انتخابات واقعا آزاد و صد در صد منطبق با اصول و موازین قانون اساسی صورت بگیرد تا مجلسی که از آن زائیده می‌شود مجلسی اسلامی، قانونی و مردمی بوده، بتواند از عهده‌ی پاسداری نظام و تحقق پیمان مقدس یا شعار مثلث انقلاب برآید.

استقلال - آزادی -
جمهوری اسلامی

نهضت آزادی ایران
۶۲/۱۲/۱۵

بیانیه شماره ۵

پیرامون انتخابات

مجلس شورای اسلامی

... نهضت آزادی ایران در اجرای فرمان "فاستقم کما امرت" مایوس نگشته، از پای ننشست و پس از آنکه وزارت کشور تاریخ ۲۸ اسفند تا ۴ فروردین را برای ثبت‌نام داوطلبان نمایندگی اعلام نمود و با توجه به این نکته که گروه‌ها و نامزدهای موافق حاکمیت از نشر نظریات خود در روزنامه‌ها بهره‌مند بوده و نهضت از چنین امکاناتی محروم است تلگراف ۲۹/۴/۵۵۵ ذیل را به منظور تعیین شرایط لازم برای مشارکت در فعالیت‌های انتخاباتی به رئیس‌جمهور مخابره نمود.

بسمه‌تعالی
تلگرام شهری - فوری
حج‌الاسلام جناب آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهوری اسلامی ایران:
با احترام، از آنجا که نهضت آزادی ایران شرکت در انتخابات را حق و وظیفه‌ی خود

می‌داند و شرکت در این امر منوط به در اختیار داشتن امکانات و در درجه‌ی اول روزنامه‌های است که نظرات ما را بدون سانسور منتشر کند. لذا بدینوسیله از جنابعالی به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی و تنظیم روابط قوای سه‌گانه‌ی کشور و رئیس قوه‌ی مجریه تقاضا داریم ترتیبی فراهم آورید که به عنوان تأمین اولین شرط و امکان از روزنامه‌ی میزان که نظرات ما را آزادانه منتشر می‌نمود بلافاصله رفع توقیف شود تا بتوانیم در مدت محدودی که برای فعالیت‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده است اقدامات لازم را به عمل آوریم. با امید آنکه این تلگراف به سرنوشت تلگرافات و نامه‌های گذشته‌ی ما دچار نشده و از طرف جنابعالی بلاجواب نماند.

والسلام علیکم ورحمه‌الله وبرکاته
نهضت آزادی ایران

۶۲/۱۲/۲۴
متاسفانه، از طرف مسئولان مملکتی به این تلگرام پاسخی داده نشد. تنها رئیس دیوانعالی کشور در خطبه‌ی نمازجمعه‌ی ۶۲/۱۲/۲۴ با پاسخ ذیل وصول تلگرام را اعلام داشتند:

"تیمم‌های شب به من تلگراف زدند که اگر می‌خواهید انتخابات آزاد باشد، روزنامه‌ی ما را آزاد کنید والا انتخابات آزاد نیست. من هم نفهمیدم روزنامه‌ی آنها را باید آزاد کنیم یا همه را..."

با توجه به عدم صدور پاسخ و یا اقدامی مقتضی از طرف رئیس‌جمهوری، شورایی قضائی، وزارت کشور و ادامه‌ی محدودیت فعالیت نهضت آزادی و عدم امکان در میان نهادن مسائل مهم کشور با مردم، نهضت آزادی ایران اجباراً و عملاً از مشارکت موثر در معرفی کاندیداها محروم ماند و احقاق این حق اسلامی و انجام این وظیفه‌ی ملی غیرممکن گشت.

لذا با ابراز تأسف به استحضار هموطنان عزیز می‌رسانیم که نهضت آزادی ایران علیرغم احساس تکلیف و وظیفه برای مشارکت در انتخابات و علیرغم وعده‌های مقامات مسئول، بدلیل شرایطی که به کشور حاکم است از انجام این وظیفه‌ی بزرگ اسلامی و ملی محروم گردیده است و برای دومین دوری مجلس شورای اسلامی کاندیدا معرفی ننمود.

ربنا ولا تحملنا مالا طاقه لنا به
نهضت آزادی ایران
۴ فروردین ۱۳۶۳

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۲)

همانگونه که در شماره‌ی قبل نشریه به اطلاعان رسید، بدنبال پیام مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی مبنی بر "تحریم انتخابات"، ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران، بمنظور بردن خط تحریم به میان مردم و "درهم شکستن صحنه‌ی انتخابات قلابی رژیم ضد خلقی خمینی"، دو هفته کار مداوم تبلیغی - سیاسی را در دستور کار هسته‌های مقاومت مجاهدین قرار داد و بویژه هفته دوم (۱۹ تا ۲۶ فروردین) را "هفته‌ی تحریم انتخابات در سراسر کشور" و اوج دادن به فعالیت‌ها اعلام نمود. بلافاصله هسته‌های مقاومت مجاهدین در سراسر کشور به حرکت در آمده و با استفاده از تجربیات پربار خود در دو برنامه‌ی تبلیغی - اجتماعی و سیاسی پیشین سازمان یعنی "هفته‌ی ملیشیا" و "هفته‌ی صلح"، و از طریق گرفتن رهنمودهای عام و یا پیام‌های خاص از طریق رادیو "صدای مجاهد" و... شعارهای تحریم انتخابات را میان توده‌های مردم بردند. شعارها به در و دیوار نوشته شد و تراکت‌ها در همه‌جا نصب و یا به اشکال گوناگون پخش و توزیع گردید. علاوه بر این، پوستره‌های انتخاباتی رژیم تخریب شد... و خلاصه هسته‌های مقاومت با استفاده از کلیه‌ی شیوه‌ها، خط تحریم انتخابات را هر چه گسترده‌تر و توده‌گیرتر نمودند و هر کدام را که راندمان بیشتری داشت، به تناسب در حوزه‌های فعالیت خود به خدمت گرفتند. لذا در همان چند روز اول تحریم، هسته‌ها، سراسر کشور را زیر پوشش خود قرار داده و هواداران و مردم هر منطقه را نیز به حرکت سراسری تحریم انتخابات پیوند دادند. فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی، به همراه انفجار بمب‌های صوتی هسته‌های مقاومت مسلحانه، همه جا نور امید را در دل‌های مردم ستدیده‌مان روشن‌تر نمود و در سراسر آسمان اختناق آلود میهنمان، خطوط روشنی از نور مقاومت و آزادی ترسیم کرد. مهمتر از همه اینکه هسته‌های مقاومت مسلحانه و ملیشیا قهرمان مجاهدین، نقش اختناق شکن خود را آنهم در این مرحله از دیکتاتوری مطلق‌العدنان و افسار گسیخته‌ی خمینی خونخوار، به خوبی به اثبات رساندند. بنحویکه رژیم ضد خلقی که از مدت‌ها قبل برای مشروعیت دادن و ظاهر سازی آبرومندانه! برای این انتصابات فریبکارانه، حساب زیادی باز کرده و سرمایه گذاری نموده بود و در هر فرصت و از زبان تمامی سردمداران رژیم، اهمیت این انتخابات را با سرنوشت رژیم و بقای ارتجاع و... گره زده بود، همه‌جا با موج تبلیغات ضد رژیم و ضد انتخابات روبرو گردید. حرکت پیشگامانه‌ی هسته‌ها، فضای مناسب و پرتحرکی را برای توده‌های مردم جهت ابراز خشم و نفرت از این رژیم ضد خلقی فراهم نمود. هرکس سعی می‌کرد با پاره کردن پوستره‌های گاندیداهای منفور رژیم، دستکاری در تصاویر و یا افزودن واژه‌ها و صفاتی به اسامی گاندیداهای رژیم در پوسترها و... خشم به لب رسیده‌ی خود را از این جنایتکاران به نمایش بگذارد. استقبال مردم از به خشم در آوردن سردمداران و مزدوران رژیم، اختلال در تبلیغات آنها، استهزا کردن به اصطلاح انتخابات رژیم مفلوک و پوسیده‌ی خمینی، به عینه نشان میداد که این رژیم، مطلقاً در میان مردم قهرمان میهنمان مشروعیت و پایگاهی ندارد و تنها با ابر غلیظ سرکوب و اختناق بر روی این واقعیت سرپوش گذاشته است. بهمین دلیل در فضای مساعدی که در جریان فعالیت‌های با اصطلاح انتخاباتی جناحها و ایادی رژیم پیش آمده بود، هسته‌های مقاومت منجمله در برخی مناطق تهران و تبریز، در اماکن عمومی، اطلاعاتی و تراکت‌ها را بدست مردم میدادند و قبل از

اطلاع و حضور مزدوران خمینی، با فراغ خاطر و رضایت‌مندی و غرور انقلابی از صحنه خارج می‌شدند. از سوی دیگر رژیم ضد خلقی که سعی کرده بود تا با فعال نگاه داشتن جبهه‌ها و بویژه بهره‌برداری تام و تمام بین‌المللی از اعزاز زخمی‌های جنگ به اغلب کشورهای غربی، در داخل نیز فضای حق بجانب و مظلوم‌نمائی بخود گرفته و در آن گیرودار، غائله‌ی انتخابات فرمایشی‌اش را به خیر و خوشی ختم کند، بالعکس خود را با موج تحریم انتخابات از سوی مقاومت سراسری مردمی روبرو دید. از همین رو سردمداران رژیم که ابتدا سعی می‌کردند عوام‌فریبانه این واقعیت را صرفاً به تضادهای درونی خود مصادره کرده و آن را تنها به پند و نصیحت و عتاب و خطاب به نیروهای خود، برگزار کنند، در خفا به تمهیدات سرکوبگرانه‌ی هر چه بیشتری روی آوردند. طبق دستور رژیم در همه‌ی شهرها و مناطق، با افزایش تعداد گشتی‌ها و ساعات کار گشت و مراقبت آنها، بر دامنه‌ی فعالیت‌ها و اقدامات سرکوبگرانه‌ی بسیج ضد خلقی و... افزوده شد. طبق اطلاع موثق، رژیم در تهران ۳۰ دستگاه ماشین "تویوتا" ۳ پلا تینه‌ی جدید را که به همین منظور از ژاپن وارد کرده، در اختیار گشت سرکوبگر موسوم به "نارالمه" قرار داده است (۱) استاندار خائن تهران ضمن اینکه برای همیشه استفاده از موتورسیکلت‌های مدل ۴۰۰ به بالا را در تهران ممنوع اعلام کرد، کلیه‌ی صاحبان موتورهای ۱۲۵ به بالا را مکلف نمود تا از تاریخ ۱۴ فروردین الی ۱۴ اردیبهشت!! جهت روشن کردن وضعیت حقوقی و قانونی موتورهای خود به مراکز مربوطه مراجعه کنند. (گیهان ۶۳/۱/۹)

هیئت اجرایی انتخابات قلابی رژیم، طی اطلاعیه‌ای به نیروهای انتظامی دستور داد تا با کسانی که پلاکاردهای تبلیغاتی گاندیداهای را جمع‌آوری می‌کنند، برخورد قانونی نمایند. (رادیو رژیم ۲۳ فروردین). موسوی نخست‌وزیر جنایتکار رژیم بالاخره طاقت نیاورده و در مصاحبه‌ی ۲۳ فروردین اعتراف کرد که: "ما نمونه‌ای (!) از پوستر پاره کردن و اینچور چیزها (!) در اصفهان داشتیم که در رابطه با آن یک عده از منافقین دستگیر شدند... این موضوع در سطح کشور می‌تواند وجود داشته باشد". اینگونه اعترافات آشکار سردمداران رژیم، خود به وضوح روشنگر ابعاد فعالیت هسته‌ها و هواداران مجاهدین و توده‌های مردم و در یک کلام "مقاومت سراسری مردمی" می‌باشد (۲).

امامی گاشانی در همین روز ضمن گشاندن بحث به تضادهای داخلی رژیم در امر انتخابات، به اعلامیه‌هایی اشاره کرد که: "شب‌ها در خانه‌ها و در کوچه‌ها می‌ریزند" و اضافه نمود که در تهران و برخی استانها، وضع همینطور است. خامنه‌ای رئیس‌جمهور جنایتکار رژیم، در نمایش جمعی ۲۳ فروردین تهران، ضمن اشاره به اهمیت انتخابات اخیر برای رژیم و اینکه: "مسئله فقط یک مسئله‌ی سیاسی نیست، فقط یک مانور سیاسی نیست، مسئله رقم زدن سرنوشت این مملکت و این انقلاب است"، خشم و سوز دل خود را از "پیام‌های عبت و بیبوهه" ای که مبنی بر تحریم انتخابات صادر شده بیان داشت و "تلاش و فعالیت ضدانقلاب (!) در مقابله با این انتخابات" را بیشتر از دوره‌ی قبل توصیف نمود!! خامنه‌ای سپس زیوانه در رابطه با فعالیت‌های گسترده‌ی تحریم، دستور اختناق و سرکوب بیشتری را صادر نمود؛ بدینترتیب که: "احتمال دارد اختلالگری اونها (!!) علیه اصل انتخابات بیشتر باشد. هرگونه توطئه‌ای را که از طرف ضدانقلاب (!) برای برهم زدن محیط امن و آرام این انتخابات هست، اینرا خفتنی کنید" امامی گاشانی بار دیگر در مصاحبه‌ی ۲۵ فروردین خود در رابطه با "حرکت‌های مشکوک در انتخابات" اظهار داشت که:

"اینگونه حرکت‌ها در نطفه خفه‌شده و راه بجائی نخواهد برد". همچنین صانعی دادستان جنایت‌پیشه‌ی خمینی نیز پا به صحنه گذاشت و با صدور اطلاعیه‌ای در روز ۲۵ فروردین، ضمن هشدار نسبت به "تلاش‌های مذبحخانه برای ایجاد اختلال در امر انتخابات"، به "کلیه‌ی ضابطین قوه‌ی قضائیه و مراجع ذیربط" (یعنی کلیه‌ی ارگان‌های سرکوبگر و اختناق‌آفرین رژیم) دستور داد تا "هرگونه موارد تخلف و مشکوک را به حسب مورد، به دادسراهای انقلاب اسلامی (!) و یا دادسراهای عمومی اطلاع دهند." در همین رابطه اداره‌ی راهنمایی و رانندگی تهران که با کمی احتیاط، مقررات ویژه‌ی روز انتخابات (۲۶ فروردین) را اعلام نموده و منجمله تردد وسائط نقلیه در اطراف شعبه‌های اخذ رای را ممنوع اعلام کرده و تردد موتورسیکلت‌ها را تنها تا شعاع ۲۰۰ متری شعبات اخذ رای مجاز اعلام کرده بود (رادیو رژیم ۲۲ فروردین)، دو روز بعد با اطلاعیه‌ی غلاظ و شداد فرمانداری تهران روبرو گردید که طی آن در روز ۲۶ فروردین، تردد هر نوع موتورسیکلت در سطح تهران را مطلقاً ممنوع اعلام نمود (در هر دو اطلاعیه تردد موتورسیکلت نیروهای سرکوبگر رژیم مستثنی اعلام شده است). ضمناً بد نیست این نکته را نیز اضافه کنیم که کارگزاران اختناق و سرکوب رژیم، اینروزها هر از گاهی در فواصل برنامه‌های تلویزیونی بخصوص قبل از پخش اخبار، از "امت حزب‌الله!" درخواست می‌کنند تا "هرنوع حرکت مشکوک بازمانده‌های گروهکها را که این روزها اقدامات مذبحخانه‌ای انجام میدهند، به تلفنهای... اطلاع دهند."

بدون تردید نمایش انتخابات که رژیم قصد داشت از آن جهت مشروع جلوه دادن انتصابات مجلس و تهبکاری‌ها و جنایات گذشته و حال و آینده‌اش بهره‌برداری نماید، با رسوائی و افتضاح کم‌نظیری به پایان خواهد رسید - گواينکه این رژیم دجال‌صفت به شیوه‌ی همیشگی پس از ختم غائله از "پیروزی کم‌نظیر" و "زدن مشت محکم به دهان پايه‌سراها" داد سخن خواهد داد - اما استقبال از "تحریم انتخابات" توسط مردم و فعالیت‌های هسته‌های قهرمان مقاومت در این زمینه، آنچنان برجسته و ملموس بود که حتی رژیم نیز ناچار به اعتراف آن شده و اقدامات لازم را برای مقابله با آن بکار بست. علاوه بر اینها بایستی اضافه کنیم که انعکاس اینگونه فعالیت‌ها، از مرزهای میهنمان فراتر رفته و در بسیاری از رسانه‌های خبری جهان منعکس گردید. ما در اینجا ضمن درج تعدادی دیگر از گزارشات هسته‌ها و همچنین انعکاس این فعالیت‌ها در برخی رسانه‌های جهان، این نکته را متذکر می‌شویم که گزارشتی که ذیلاً ملاحظه می‌کنید، از میان صدها گزارش ارسالی از سوی هسته‌های مقاومت انتخاب شده‌اند، زیرا درج تمامی آنها (حتی درج کامل گزارش فعالیت‌های هر روزی یک هسته) و همچنین درج انبوه اخبار و گزارشات پیرامون انعکاس این فعالیت‌ها در تکتگ حوزه‌ی فعالیت هسته‌ها، برایمان مقدور نیست. مضافاً براینکه در شرایط اختناق کنونی و پیچیدگی مسئله‌ی ارتباطات، گزارشتی هم‌گه‌بدستان رسیده، جزئی از فعالیت هسته‌های مقاومت می‌باشد، که امیدواریم مسئولین و فعالین هسته‌ها به هر طریقی شده، این گزارشتی را - بویژه برای جمع‌بندی تجارب - برای ما ارسال دارند.

پاورقی:

۱ - بدنیت اضافه کنیم که هفته‌ی گذشته، سپاه ضد خلقی این اتومبیل‌ها را به روال عوام‌فریبی‌های معمول رژیم، به بهشت‌زهرها برد تا از آنجا شروع به کار کنند. ضمناً مزدوری بنام "حاجی آقا‌صاحب" که از چماقداران زمان شاه نیز بوده است، ۴ عدد گوسفند در جلوی آنها قربانی کرده است!!

۲ - در رابطه با اظهارات موسوی خاش، توضیح این نکته ضروریست که در هفته‌ی تحریم انتخابات، تا این لحظه هیچکدام از هسته‌های قهرمان مقاومت اصفهان ضربه نخوردند.

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۲)

* تبریز:

هسته مقاومت مجاهد شهید مجید جعفری

رزمندگان این هسته، روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین، ۴ بمب صوتی قوی را در ۴ نقطه حساس شهر تبریز واقع در خیابان ارتش جنوبی (محل پادگان و مرکز سپاه ضد خلقی)، خیابان سرک (محل پادگان)، کوی منظریه (در نزدیکی‌های این کوی، شهربانی و یک مرکز بسیج و کمیته ضد خلقی قرار دارد)، کوی گلاباد (محل استقرار بسیج ضد خلقی) کار می‌گذارند که هر ۴ بمب با صدای مهیبی عمل کرده‌اند. بدنبال این عملیات، مزدوران رژیم وحشت‌زده و اسلحه بدست، از مقرهای خود بیرون می‌ریزند. مردم محله‌های مختلف مراکز انفجار بمب نیز، بیرون آمده و اخبار مربوط به عملیات ایدائی هسته‌های مقاومت مجاهدین را دهان به دهان نقل می‌نمایند. لازم به توضیح است که در هر ۴ عمل فوق‌الذکر، رزمندگان مسئول نظارت بر صحنه انفجار، موفق می‌شوند با پوش لازم و رعایت عادی‌سازی‌های مناسب، از عکس‌العمل مزدوران رژیم و همچنین استقبال مردم از عملیات "تحریم انتخابات" گزارش تهیه نمایند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۲۳ فروردین، اداره نظام وظیفه عمومی تهران را جهت فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی خود انتخاب کرده و در قسمت‌ها و محل‌های مناسب آن، اقدام به شعارنویسی پیرامون هفته "تحریم انتخابات" فرمایشی رژیم کرده است.

* تهران:

هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته، در تاریخ ۲۳ فروردین یک بمب صوتی قوی را در حد فاصل

خیابان‌های جردن و گاندی کار می‌گذارند که راس ساعت ده و نیم صبح با صدای مهیبی منفجر می‌شود. لازم به توضیح است که روز قبل هنگامیکه یکی از رزمندگان هسته‌ی فوق‌بمنظور شناسائی محل مناسب جهت کارگذاری بمب، به حوالی این

فعالیت خود در هفته "تحریم انتخابات"، تصاویر بزرگ خمینی خون‌آشام، واقع در خیابان گل‌سرخي بروجرد را، از طریق پاشیدن رنگ از بین می‌برند. بدنبال آن ایادی رژیم برای هر یک از تصاویر بزرگ خمینی در شهر، تعدادی

مرگ بر خمینی نگ و نفرت بر انتخابات فرمایشی

با تمام قوا انتخابات فرمایشی مجلس ضد خلقی را تحریم کنیم

تحریم تمام صیارات انتخابات یکم و غلبه همگانی است

انتخابات خراب کارانه خمینی را تحریم و با جنگ افروزی

ضد ملی و با اختناق ضد چشری خمینی مقابله کنیم

با تحریم انتخابات سیاست جنگ طلبی خمینی را رها کنیم

تحریم انتخابات

یکم و غلبه ملی و مردمی است

نمونه‌ای از تراکت‌های

هسته مقاومت مجاهد شهید غلامرضا سلطانی جهرمی

منطقه می‌رود، مورد بازجویی مزدوران گشتی رژیم قرار می‌گیرد، اما از آنجا که این رزمنده ضوابط و رهنمودهای امنیتی ارائه شده از سوی مسئولین و همچنین رادیو "صدای مجاهد" - مبنی بر عادی‌سازی و نداشتن هیچگونه مدرکی دال بر هویت سیاسی فرد - را بخوبی رعایت کرده بود، موفق می‌شود از جنگ مزدوران خلاص شده و برنامه‌ی موفقیت‌آمیز هسته را پیگیری نماید.

* بروجرد:

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته، برای

فروردین یک بمب صوتی قوی را در خیابان مظاهری واقع در خیابان کارگر جنوبی نرسیده به میدان قزوین کار می‌گذارند که با صدای مهیبی منفجر می‌شود. مزدوران گشت اختناق موسوم به نارالله به سرعت در محل حاضر می‌شوند. مردم از این عملیات استقبال کرده و راجع به مسئله "تحریم انتخابات" گفتگو می‌کردند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۲۳ فروردین، چندین شعار پارچه‌ای بزرگ کاندیداهای منفور رژیم (طول هر شعار پارچه‌ای ۱۰ الی ۱۲ متر بوده است) را در خیابان ۱۳ آبان تهران به آتش کشیده است.

* کازرون:

هسته مقاومت ...

خواهران عضو هسته مقاومت ... در روز ۲۳ فروردین، ۴ بمب صوتی را که بر اساس آموزش‌های رادیو "صدای مجاهد" ساخته بودند، در خیابان "شهدای جنوبی" کازرون کار می‌گذارند که هر ۴ بمب عمل می‌کند. مزدوران رژیم از ترس همگی در سنگرهایشان موضع می‌گیرند. مردم در محل انفجار بمب‌ها جمع شده و راجع به "تحریم انتخابات" قلابی رژیم توسط مجاهدین، گفتگو می‌کرده‌اند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۲۳ فروردین تعداد زیادی تراکت مبنی بر تحریم انتخابات فرمایشی رژیم را در تمام نقاط مناسب فروشگاه کورش و تعدادی از خیابان‌ها، منجمله تخت طاووس توزیع کرده است.

* تبریز:

هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته در روز ۲۳ فروردین یک بمب صوتی قوی در خیابان ملل متحد (فلسطین) تبریز منفجر می‌کنند. صدای انفجار تا شعاع زیادی منطقه را می‌پوشاند. مزدوران سپاه، سراسیمه به منطقه ریخته و سعی در پراکنده کردن مردم که در محل انفجار تجمع کرده بودند، می‌کنند. این

منطقه تا ساعت‌ها تحت کنترل شدید پاسداران ضد خلقی رژیم بوده است.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۲۳ فروردین تراکت‌ها و شعارهای "تحریم انتخابات" را بوسیله چند بادکنک در حوالی ساختمان پزشکان بلوار به هوا فرستاده است. این هسته همچنین در تعدادی از ساختمان‌های این منطقه اقدام به شعارنویسی بر علیه انتخابات کرده است و در ادامه کار تعدادی از تصاویر برادر مجاهد مسعود رجوی و تراکت‌های تحریم انتخابات را در خیابان جمالزاده‌ی تهران نصب کرده است.

* کرمانشاه:

هسته مقاومت ...

این هسته در هفته "تحریم انتخابات" فعالیت‌هایی از قبیل پرتاب تخم‌مرغ رنگی بسوی تصاویر کاندیداهای ارتجاع و پاره کردن پوست‌های انتخاباتی رژیم، منجمله در خیابان شهناز و همچنین گاراژ (مرکز اصلی شهر) داشته است.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در روزهای ۲۱ و ۲۲ فروردین اقدام به شعارنویسی در نقاط مناسب محوطه‌ی کلاس‌های درس دانشگاه کار و همچنین پخش تراکت در خیابان تخت طاووس و عباس‌آباد می‌کند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

خواهران و برادران رزمنده‌ی این هسته در روز ۲۳ فروردین سه بمب قوی در سه منطقه‌ی تهران: میدان پالیزی، تقاطع "ملک - شریعتی" و ۱۶ آذر، کار گذاشته‌اند که هر سه بمب منفجر شده است.

* شهرری:

هسته مقاومت ...

هسته مقاومت ... در هفته "تحریم انتخابات" تعدادی تراکت حول شعارهای تحریم انتخابات (با استفاده از متن اطلاعیه‌ی ستاد بخش

برای تحقق صلح و آزادی همه سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی

و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات ...

اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران) در نقاط مناسب شهری منجمله حرم حضرت عبدالعظیم نصب نموده است.

* برازجان:

هسته مقاومت "شهیدان دشتستان"

اعضای این هسته در روزهای ۱۷، ۱۸ و ۱۹ فروردین فعالیت‌های زیر را بمنظور برگزاری "هفته تحریم انتخابات قلابی رژیم انجام داده‌اند: ۱- پرتاب تخم مرغ رنگی بسوی تصاویر کاندیداهای منفور رژیم، منجمله تصاویر بزرگ نصب شده در خیابان طالقانی ۲- پخش تراکت در خیابان طالقانی و خمینی برازجان ۳- شعارنویسی در خیابان‌های فوق‌الذکر و همچنین چند خیابان دیگر. ضمناً هسته‌ی فوق‌الذکر از استقبال مردم برازجان از "تحریم انتخابات" گزارشی تهیه نموده است که طی آن منجمله چنین آمده است: مردم بویژه جهت تماشای پوستره‌های رنگ‌زده شده رژیم که توسط هسته، به شکل مضحکی درآمده بودند، به محل مراجعه می‌کردند.

* گرگان:

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته، شعارهای پارچه‌ای انتخاباتی رژیم را در ۴ میدان شهر گرگان از جمله کاخ، سرخواجه، کریمی و مازندران پاره کرده‌اند که تاثیر بسیار مثبتی بر روی مردم داشته است.

* تهران:

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۲۲ فروردین تعداد زیادی شعارهای "تحریم" را در دانشگاه تهران، میدان بهارستان و اطراف آن پخش کرده است. مردم با خوشحالی با تراکت‌ها برخورد می‌کرده‌اند.

* همدان:

هسته مقاومت ...

این هسته از ۱۵ الی ۲۲ فروردین شعارهای مناسب مبنی بر تحریم انتخابات فرمایشی رژیم ضدخلقی خمینی را در تعدادی از روستاهای اطراف همدان، با مازیک و یا رنگ به دیوار نوشته است. روستائیان به مضمون شعارهایی برده و آن‌ها را به دیگر اهالی روستا نشان می‌داده‌اند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

روز ۲۲ فروردین هسته مقاومت ... شعارهای تحریم انتخابات را که با صدای مهیج در نواری ضبط نموده بود، به شیوه‌ای ابتکاری در محلی مناسب واقع در میدان تجریش کار گذاشته بود، پخش نموده است که مورد استقبال مردم قرار می‌گیرد.

* مشهد:

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در هفته تحریم انتخابات، تراکت‌های مربوطه را در خیابان‌های شاهرخ، میدان بار، دروازه قوچان، سعدآباد و ... پخش و نصب کرده‌اند.

* اهواز:

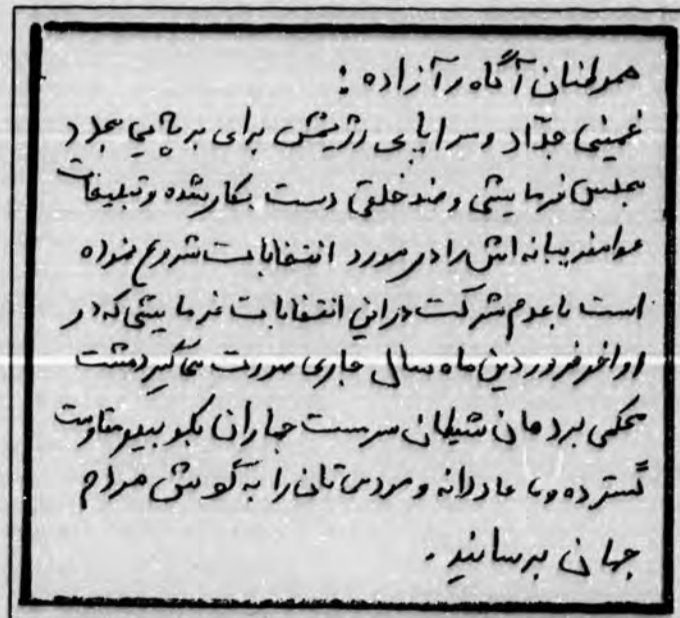
هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته در روز ۲۰ فروردین یک بمب صوتی قوی در یکی از خیابان‌های اهواز منفجر کرده‌اند که مورد استقبال مردم منطقه قرار گرفته است.

* تهران:

هسته مقاومت مجاهد شهید نادیا کاپویانی

اعضای این هسته در تاریخ ۱۹ الی ۲۳ فروردین، تعدادی تراکت‌های تحریم انتخابات را



نمونه‌ای از تراکت‌های هسته مقاومت مجاهد شهید بقائی

* تهران:

هسته مقاومت ...

روز ۲۲ فروردین یکی از اعضای این هسته اطلاعیه‌های تحریم انتخابات را در نقاط مناسبی واقع در دانشگاهی ادبیات دانشگاه تهران نصب کرده است.

* کازرون:

هسته مقاومت ...

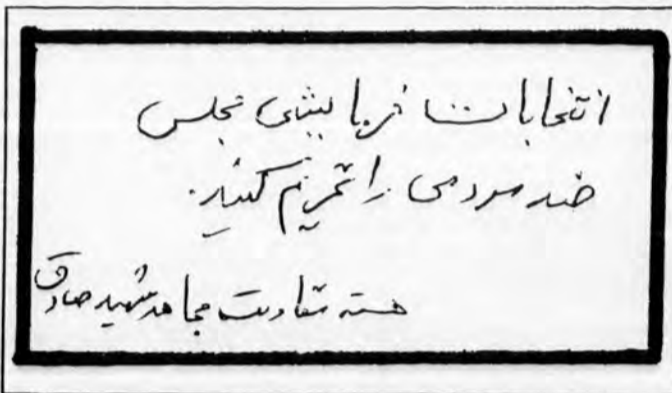
رزمندگان هسته مقاومت ... روز ۲۲ فروردین یک بمب صوتی

را به محل می‌رسانند، مردم منطقه از این عملیات ایذائی وسیعاً استقبال کرده‌اند.

* آمل:

هسته مقاومت ...

در هفته تحریم انتخابات رژیم، اعضای این هسته، تراکت‌هایی مبنی بر تحریم انتخابات قلابی مجلس ضدخلقی رژیم را در مناطق چاکسر، شاهپور، بازار چهارسوق، طالب آملی، نیاکی- محله، پائین‌بازار، به‌دیوار



نمونه‌ای از تراکت‌های چسب‌دار هسته مقاومت مجاهد شهید صادق

* تهران:

هسته مقاومت مجاهد شهید نادیا کاپویانی

اعضای این هسته در تاریخ ۱۹ الی ۲۳ فروردین، تعدادی تراکت‌های تحریم انتخابات را

نصب کرده‌اند. مردم آمل از خبر تحریم و فعالیت هواداران سازمان بخوبی استقبال کرده‌اند.

* مشهد:

هسته مقاومت ...

در هفته تحریم انتخابات، اعضای این هسته تراکت‌های انتخاباتی را در منازل اطراف خیابان سناباد، جهاد، فلکه سوم اسفند پخش کرده‌اند.

* کرج:

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در روز ۲۰ فروردین تراکت‌هایی مبنی بر تحریم انتخابات قلابی رژیم را در مهرشهر کرج و همچنین در خیابان دکتر فاطمی تهران به دیوار نصب کرده‌اند.

* قائم‌شهر:

هسته مقاومت ...

این هسته در هفته تحریم انتخابات، تراکت‌هایی را که براساس اطلاعیه ستاد بخش اجتماعی سازمان تهیه شده بود، در مناطق مجاور محله، کبریت محله، ایستگاه سوادکوه، ایستگاه ساری و خیابان بابل قائم‌شهر، نصب و پخش کرده است.

* اراک:

هسته مقاومت ...

رزمندگان هسته مقاومت ... در روز ۲۱ فروردین، حدود ساعت ۷ بعد از ظهر یک بمب صوتی در حدود ۳۰ متری مقر

بسیج ضدخلقی واقع در خیابان بهشتی اراک منفجر کرده است. بلافاصله مزدوران بسیج در محل انفجار جمع شده و به متفرق کردن مردمی که در محل جمع شده و راجع به آن صحبت می‌کرده‌اند، می‌پردازند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

روز ۲۲ فروردین رزمندگان این هسته یک بمب صوتی قوی در خیابان یادآوران تهران کار گذاشته‌اند که با صدای مهیج منفجر شده است. مردم در محل جمع شده و راجع به عملیات هواداران مجاهدین و رزمندگان هسته‌ها صحبت می‌کرده‌اند.

* تبریز:

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته، تراکت‌های انتخاباتی در هفته تحریم انتخابات را که بوسیله دستگاه تکثیر دست‌ساز (غلطک دستی) تکثیر کرده بودند، در برخی نقاط تبریز نصب کرده‌اند. خواهران و برادران این هسته همچنین شعارهای تحریم بویژه شعار "خمینی: جنگ، جنگ، اختناق - رجوی: صلح، صلح، آزادی" را با مازیک درشت در خیابان‌ها نوشته‌اند.

* تهران:

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته، در روزهای ۲۰ و ۲۱ فروردین شعارهای رادیو "صدای مجاهد" را در کتابخانه مرکزی، حیاط دبوارها و داخل دانشکده‌های دانشگاه تهران و همچنین دیوارهای مناطقی در نارمک نوشته‌اند. دانشجویان ضد رژیم از شعارها استقبال کرده‌اند.

* رشت:

هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته در هفته تحریم انتخابات، یک بمب صوتی در نزدیکی استانداری گیلان واقع در باغ محتشم کار گذاشته‌اند که فقط شعلهور شده و بدلیل نقص کار، انفجار بطور کامل صورت نگرفته است.

* تبریز:

هسته مقاومت مجاهد شهید

مجید جعفری

رزمندگان قهرمان این هسته، برای سومین بار در هفته "تحریم انتخابات"، در روز ۲۳ فروردین ۴ بمب دیگر را

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و

عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات فرمایشی ...

در مناطق ذیل کارگذاشته‌اند:
۱ - خیابان خمینی، نزدیک بمب بنزین (در حوالی شهربانی و کمیته‌ی یک تبریز)
۲ - چهار راه آبرسانی (محل جمع کمیته‌چی‌های مزدور) ۳ - کوی چهارم آبان (نزدیکی‌های مقر بسیج که مرکز واحدهای بسیج این محله می‌باشد) ۴ - میدان قطب (محل یکی از مراکز بسیج ضد خلقی تبریز).

هر چهار بمب سر ساعت با صدای رعد آسا عمل کرده و باعث وحشت و دستپاچگی شدید مزدوران زبون رژیم شده است. انفجار این بمب‌ها تاثیر بسیار مثبتی بر روحیه‌ی مردم این مناطق داشته است.

* خرم‌آباد:

هسته‌ی مقاومت ...

اعضای این هسته، ۹۰۰ عدد تراکت با مضمون "تحریم انتخابات" قلابی رژیم ضد خلقی را که از رادیو "صدای مجاهد" گرفته بودند، تکثیر کرده و تنها طی چهار روز (از ۱۹ تا ۲۳ فروردین) ۴۵۰ عدد از آنرا از طریق پست شهری، برای منازل مردم در مناطق مختلف شهر خرم‌آباد پست کرده‌اند و پخش بقیه‌ی تراکت‌ها نیز در برنامه‌ی کارشان قرار دارد.

اعضای این هسته همچنین علاوه بر شعارنویسی در شهر، در طی این چند روز تعداد بسیاری از پوستره‌های انتخاباتی کاندیداهای مزدور رژیم را نیز از در و دیوار کنده و پاره کرده‌اند.

* اراک:

هسته‌ی مقاومت ...

رزمندگان این هسته در تاریخ ۲۲ فروردین یک بمب صوتی قوی در نزدیکی‌های کمیته‌ی مرکزی ضد خلقی اراک (در مجاورت استانداری) کار گذاشته‌اند که با صدای مهیبی منفجر شده است. مردم در اثر انفجار بیرون آمده و راجع به آن گفتگو می‌کرده‌اند.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

اعضای این هسته در روزهای ۲۲، ۲۳ و ۲۴ فروردین، تراکت‌های تحریم انتخابات فرمایشی رژیم را در ساختمان‌های پزشکان، اداری و

خیابان‌ها و کوچه‌های فرعی دکتر فاطمی، بلوار، کارگر، بزرگراه جلال‌آل احمد و ... پخش کرده‌اند.

* کرمان:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "حامد"

فعالین این هسته، در روزهای ۱۶ تا ۲۱ فروردین تعداد زیادی از پیام‌های مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی را به همراه تراکت‌های تحریم انتخابات، در خیابان‌های کرمان پخش کرده‌اند. این هسته همچنین شعارنویسی بصورت تک نفره در سطح شهر داشته است. در کرمان از هفته‌ی تحریم انتخابات وسیعا استقبال شده و مردم در این رابطه، آشکارا ابراز خوشحالی میکنند. ضمنا رژیم ضد خلقی نیز بر تعداد گشتی‌های خود در شهر افزوده است.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید فرزاد میرزا حسینی

خواهران عضو این هسته در روزهای ۲۲ و ۲۳ فروردین به فعالیت‌های زیر پرداخته‌اند:
۱ - تعداد زیادی تراکت تحریم انتخابات را از طبقه‌ی پنجم ساختمانی واقع در خیابان کریم‌خان، ابتدای ویلا، به پائین ریخته‌اند ۲ - تعدادی تراکت و شعار را از طریق ۱۰ بادکنک به هوا فرستاده‌اند ۳ - تعداد زیادی از تراکت‌های چسب‌دار مربوط به شعارهای تحریم را در کیوسک‌های تلفن خیابان‌های فلسطین، ۱۶ آذرو میدان انقلاب، چسبانده‌اند. ... لازم به توضیح است که هنگام پخش تراکت‌ها مردم شدیداً استقبال نموده و برای برداشتن آن هجوم برده‌اند و جو بسیار جالبی در آن نقطه ایجاد شده است.

* جیرفت:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "حامد"

۲ تن از رزمندگان این هسته در تاریخ ۲۲ فروردین ۲ بمب صوتی قوی در حوالی سازمان عمران جیرفت کار گذاشته‌اند که با صدای رعد آسائی منفجر شده است. لازم به توضیح است که محل اصلی فعالیت هسته‌ی مقاومت شهید "حامد" شهر کرمان می‌باشد.

اعضای این هسته بر روی اغلب پوستره‌های "سپهوند" کاندیدای حزب منفق جمهوری، شعارهائی بر علیه رژیم نوشته‌اند. ضمنا هسته‌ی فوق‌الذکر توضیح داده است که کاندید دیگر حزب (که داماد آخوند جنایتکار "مهدی قاضی"، معاون "شورای عالی قضائی" رژیم می‌باشد) سعی می‌کند در تبلیغات انتخاباتی نسبتش را با این جنایتکار سرشناس مخفی نگاه دارد. اما فعالین هسته‌ها با نوشتن شعارهائی از قبیل: داماد حاکم ضد شرع ... و ... بر روی پوستره‌های این مزدور، هویت این جنایتکار را

* تهران:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید سلطانی جهرمی

روز ۲۳ فروردین اعضای این هسته در سراسر خیابان مصدق، تراکت نصب و پخش کرده‌اند.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

رزمندگان این هسته در

تحریم انتخابات

یک وظیفه:

ملی و مردمی است

مرکز برخطی تنگ و نفرت بر انتخابات فرمایشی

انتخابات فرمایشی خفیه را بریم و با کمک افروزی ضربه می‌زنیم و با اختناق

منو بشری خفیه مقاله کنیم

نمونه‌ای از تراکت‌های

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید غلامرضا سلطانی جهرمی

روز ۲۳ فروردین یک بمب صوتی در خیابان قزوین چهارراه مقصود کار گذاشته‌اند که با صدای مهیبی منفجر شده است. پس از انفجار، گشتی‌های رژیم در محل حاضر شده و اقدام به تیراندازی هوائی کرده‌اند.

* خرم‌آباد:

هسته‌ی مقاومت ...

هسته‌ی مقاومت ... در خرم‌آباد، در هفته‌ی "تحریم انتخابات" فعالیت‌های زیادی بخصوص در محله‌ی "گیو" این شهر داشته است. لازم به توضیح است که بسیاری از مراکز رژیم، ساختمان‌های دولتی و نیز بیمارستان شهدا (بزرگ‌ترین بیمارستان شهر) در این خیابان قرار دارد. از ابتکارات این هسته‌ی شعارنویسی بر علیه انتخابات بر روی پوستره‌های کاندیداهای رژیم بوده است. از جمله

مشهد:

هسته‌ی مقاومت ...

این هسته در هفته‌ی تحریم، شعارهائی را در این رابطه در چند خیابان مشهد، منجمله خیابان بیرجندی، نوشته است.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید بقائی

یکی از اعضای این هسته روزهای ۱۸ الی ۲۱ فروردین تراکت‌هایی با مضمون تحریم انتخابات قلابی رژیم در دانشکده‌ی خدمات اجتماعی دانشگاه تهران پخش کرده است. شیوه‌ی پخش از طریق ریختن تراکت‌ها در داخل کلاس‌ها و نصب آن در نقاط مناسب بوده است. این هسته گزارش کرده‌است که رژیم به جاسوسان خود در دانشکده آماده‌باش داده تا به سرعت تراکت‌ها را جمع‌آوری کنند و برای شناسائی و دستگیری دانشجویان فعال هسته‌ها، مراقبت کامل نمایند.

* اراک:

هسته‌ی مقاومت ...

این هسته در تاریخ ۱۹ فروردین، تراکت‌هایی را که تکثیر کرده بود، در خیابان‌های باغ فردوس، جنب سپاه، آموزشگاه بهیاری، انتهای ملک، بیمارستان ولی عصر و پمپ بنزین پخش نموده است.

* تهران:

هسته‌ی مقاومت ...

این هسته در روزهای ۱۲ الی ۲۱ فروردین ۱۵۰۰ تراکت "تحریم انتخابات" را از طریق پخش و ۸۰۰ تراکت را از طریق نصب به در و دیوار، در خیابان‌های اطراف دانشگاه تهران، خیابان کاخ، خیابان انقلاب و نقاط مرکزی تهران توزیع کرده است. این هسته همچنین تعداد زیادی تراکت را شب‌ها در کوچه‌ها نصب کرده و یا در خانه‌های مردم انداخته است.

* بوشهر:

هسته‌ی مقاومت ...

اعضای هسته‌ی مقاومت ... در روز ۲۱ فروردین در دبیرستان شریعتی و مدرسه‌ی راهنمایی پروین اعتصامی بوشهر، تعداد زیادی شعار در کلیه‌ی قسمت‌های این دو مدرسه نوشته‌اند. بدنبال آن در هر دو مدرسه، دانش‌آموزان ضمن استقبال از این اقدام، راجع به مسئله‌ی "تحریم انتخابات" فرمایشی رژیم صحبت می‌کردند.

بقیه در صفحه بعد

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و

عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات فرمایشی ...

بقیه از صفحه قبل

* همدان :

هسته مقاومت ...

این هسته ضمن گزارش فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی خود در روز ۲۱ فروردین در همدان، از جو بسیار مثبت و فعال همدان بر علیه انتخابات قلابی رژیم صحبت کرده و ادامه داده که هسته‌های همدان تا بحال در حدود ۱۰ هزار اطلاعیه و تراکت در شهر پخش و نصب کرده‌اند. فعالیت‌های هسته‌های فوق‌الذکر در سطح شهر بویژه خیابان‌های شهدا، اکباتان، باباطاهر، تختی و بوعلی بوده است.

* تهران :

هسته مقاومت ...

این هسته در روزهای ۲۰ و ۲۱ فروردین، طی فعالیت‌های ابتکارآمیز خود، در پوش پستی به منزلی واقع در کیان شهر، دولت آباد، نواب و شوش رفته و تراکتهائی مبنی بر تحریم انتخابات را در خانه‌ها توزیع کرده است.

* گرگان :

هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته در روز ۲۲ فروردین یک بمب صوتی را روبروی ساختمان اصلی سپاه ضد خلقی - که در کنار ساختمان شهرداری قرار دارد - واقع در خیابان کاخ کار گذاشته‌اند که سراسعت مقرر عمل کرده است. بلافاصله پس از انفجار بمب، مزدوران مستقر در ساختمان اصلی سپاه، وحشت زده به محل انفجار آمده‌اند و مردم نیز در محل جمع شده و ضمن ابراز خوشحالی راجع به آن صحبت می‌کرده‌اند.

* چالوس :

هسته مقاومت ...

هسته مقاومت طی هفته گذشته، شعارهای تحریم انتخابات را در خیابان شریعتی، بر روی دیوارهای ساختمان شیروخورشید، بیمارستان شریعتی و دیگر مناطق شهر نوشته است. این هسته همچنین پوسترهائی انتخاباتی رژیم را از دیوار مناطق فوق‌کنده است. مردم نیز فعالانه شرکت کرده و پوسترهائی انتخاباتی کلیه کاندیداها را از دیوار می‌کنند.

* شیراز :

هسته مقاومت مجاهد شهید

افشین حسن زاده

اعضای این هسته از ۱۶ تا ۲۲ فروردین، شعارهای تحریم انتخابات را با ماژیک‌های درشت، در اماکن عمومی، کیوسک‌های تلفن، هتل‌ها و مراکز دولتی خیابان‌های مختلف شیراز نوشته‌اند. این فعالیت‌ها، جو تحریم انتخابات را وسیعاً به مراکز فوق‌الذکر و همچنین سطح شهر برده است و مردم همه‌جا صحبت از عدم شرکت در انتخابات می‌کنند. ضمناً این روزها، گشتی‌های سپاه ضد خلقی شیراز ساعات و حجم تردد و کنترل خود را افزایش داده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

این هسته که در منطقه نازی‌آباد تهران فعالیت می‌کند، ضمن گزارش فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی خود در هفته تحریم انتخابات، گزارش کرده که مزدوران رژیم ضد خلقی خمینی همه‌جا شایع کرده‌اند که اگر کسی در انتخابات شرکت نکند، رژیم ارزاق او را قطع خواهد کرد.

* اراک :

هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته در تاریخ ۲۱ فروردین، یک بمب صوتی قوی را در سی متری شن‌کش (خیابان ادب‌جو) اراک منفجر کرده‌اند. استقبال مردم از این عملیات ایدائی بسیار گسترده بوده و همه‌جا به گرمی از آن صحبت می‌کرده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

رزمندگان این هسته در ساعت ۵:۰۰ دقیقه بامداد ۲۶ فروردین، به منظور انجام عملیات ایدائی، یک بمب صوتی قوی را به مقر تعدادی از مزدوران رژیم واقع در خیابان اصلولو، کوچی هفتم پرتاب می‌کنند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته، طی یک عمل ابتکاری در شب ۲۱ فروردین تراکتهائی خود را در زیر برف - پاک‌کن اتومبیل‌های پارک شده در خیابان تخت طاووس تهران قرار می‌دهند.

* کازرون :

هسته مقاومت ...

اعضای این هسته در روزهای ۱۹، ۲۰ و ۲۱ فروردین تراکتهائی انتخاباتی را در بازار، مغازه‌ها، عکاسی‌ها، کتاب‌فروشی‌ها، مطب‌ها و دبیرستان ۱۷ شهریور کازرون پخش کرده و همچنین تعداد زیادی پوسترهائی انتخاباتی کاندیداها را مزدور رژیم را پاره نموده‌اند. مردم بشدت از مسئله استقبال کرده و جو تحریم انتخابات بسیار فعال شده است. بویژه در دبیرستان ۱۷ شهریور، اعضای هسته، به نحوی تراکتهائی را با شعارهائی از قبیل: "خمینی: جنگ، جنگ، اختناق - رجوی: صلح، صلح، آزادی" از طریق ابتکاری بدست مدیر و همچنین مسئول سرسپرده‌ی امور پرورشی مدرسه می‌رسانند که هر دو بشدت از این قضیه عصبانی بوده‌اند. در این چند روز بین کلیه دانش‌آموزان این دبیرستان شور و شعف و خوشحالی زیادی از فعالیت‌های مبارزان مجاهدین ایجاد شده و فضای تازه‌ای به کلاس‌های درس دمیده گردیده است. ضمناً در این چند روز، بدنبال فعالیت‌ها در کازرون، کلیه دانش‌آموزان دبیرستان ۱۷ شهریور این شهر مورد بازرسی بدنی قرار می‌گیرند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

فعالین این هسته در تاریخ ۲۵ فروردین پلاکارد بزرگی با شعار "انتخابات فرمایشی را محکوم کنید - سازمان مجاهدین خلق ایران" و شعار "درود بر رجوی سمبل صلح و آزادی" را در خیابان دولت (احتشامی) نصب کرده‌اند.

* تهران :

هسته مقاومت ...

این هسته در روز ۱۹ فروردین تعدادی تراکت بزرگ را که بر روی هر یک شعار: "خمینی می‌که: جنگ، جنگ، اختناق - رجوی می‌که: صلح، صلح، آزادی" را در خیابان دماوند تهران نصب کرده است.

* سنندج :

هسته مقاومت ...

این هسته که با هسته مقاومت ... در تهران ارتباط دارد در هفته تحریم انتخابات، صدها تراکت و اطلاعیه را در نقاط مناسب شهر سنندج پخش و نصب نموده است.

اطلاعیه‌های نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

کنترل بخشی از جاده "بیوران - هومل"

در منطقه سردشت و بهلاکت رسیدن

حداقل ۳۱ تن از پاسداران و مزدوران جنایتکار خمینی

و انهدام دو دستگاه خودروی دشمن

پیشمرگه‌های مجاهد خلق طی چند رشته عملیات دقیق و هماهنگ، در سحرگاه سه‌شنبه ۲۱ فروردین ماه جاری، ضمن نفوذ به مناطق حفاظت‌شده‌ی دشمن در جاده‌ی "بیوران - هومل" حد فاصل روستای "اسپه‌میزه - هومل"، ابتدا اقدام به یک رشته عملیات مین‌گذاری گسترده در جاده‌ی مزبور می‌نمایند، سپس به کمین مزدوران دشمن نشستند و جاده را تحت کنترل خود درمی‌آورند. در ساعت ۳:۵۰ دقیقه صبح، یک دستگاه "تویوتا" حامل مزدوران خمینی در اصابت با مین ضد خودرو بکلی منهدم گردیده و از ۱۲ تن در سرنشین جنایتکار آن، ۱۰ تن در دیگر بندگان دشمن نیز کشته شده و ۱۰ تن از سرنشینان مزدوران در دم بهلاکت می‌رسند. دشمن زبون که در جریان تهاجمات و ضربات پیاپی پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق بشدت سراسیمه و غافلگیر شده بود، قادر به انجام هیچگونه واکنشی نشده و در وحشت از آتش سنگین پیشمرگان نه تنها تا مدت‌ها تردد کلیه‌ی مزدوران‌ش را در جاده‌ی مزبور قطع می‌نماید، بلکه از برگزاری سمینار باصلاح وحدت فرماندهان پایگاه‌های اطراف منطقه‌ی عملیاتی نیز ممانعت به عمل می‌آورد. در نتیجه‌ی این تهاجمات قهرمانانه در مجموع بیش از ۳۱ تن از مزدوران خمینی بهلاکت رسیده و دو دستگاه خودروی "تویوتا" سپاه ضد خلقی منهدم و یک دستگاه آمبولانس دشمن بشدت خسارت می‌بیند. سرانجام در ساعت ۲ بعد از ظهر پس از ۶ ساعت درگیری و تهاجم قهرمانانه، کلیه‌ی پیشمرگان دلاور مجاهد خلق منطقه‌ی عملیاتی را ترک کرده و سالم به پایگاه‌های خویش بازمی‌گردند.

پیشمرگه‌های مجاهد خلق طی چند رشته عملیات دقیق و هماهنگ، در سحرگاه سه‌شنبه ۲۱ فروردین ماه جاری، ضمن نفوذ به مناطق حفاظت‌شده‌ی دشمن در جاده‌ی "بیوران - هومل" حد فاصل روستای "اسپه‌میزه - هومل"، ابتدا اقدام به یک رشته عملیات مین‌گذاری گسترده در جاده‌ی مزبور می‌نمایند، سپس به کمین مزدوران دشمن نشستند و جاده را تحت کنترل خود درمی‌آورند. در ساعت ۳:۵۰ دقیقه صبح، یک دستگاه "تویوتا" حامل مزدوران خمینی در اصابت با مین ضد خودرو بکلی منهدم گردیده و از ۱۲ تن در سرنشین جنایتکار آن، ۱۰ تن در دیگر بندگان دشمن نیز کشته شده و ۱۰ تن از سرنشینان مزدوران در دم بهلاکت می‌رسند. دشمن زبون که در جریان تهاجمات و ضربات پیاپی پیشمرگان قهرمان مجاهد خلق بشدت سراسیمه و غافلگیر شده بود، قادر به انجام هیچگونه واکنشی نشده و در وحشت از آتش سنگین پیشمرگان نه تنها تا مدت‌ها تردد کلیه‌ی مزدوران‌ش را در جاده‌ی مزبور قطع می‌نماید، بلکه از برگزاری سمینار باصلاح وحدت فرماندهان پایگاه‌های اطراف منطقه‌ی عملیاتی نیز ممانعت به عمل می‌آورد. در نتیجه‌ی این تهاجمات قهرمانانه در مجموع بیش از ۳۱ تن از مزدوران خمینی بهلاکت رسیده و دو دستگاه خودروی "تویوتا" سپاه ضد خلقی منهدم و یک دستگاه آمبولانس دشمن بشدت خسارت می‌بیند. سرانجام در ساعت ۲ بعد از ظهر پس از ۶ ساعت درگیری و تهاجم قهرمانانه، کلیه‌ی پیشمرگان دلاور مجاهد خلق منطقه‌ی عملیاتی را ترک کرده و سالم به پایگاه‌های خویش بازمی‌گردند.

مجاهدین خلق ایران
مرکز کردستان
۲۳/ فروردین/ ۶۳

عملیات مین‌گذاری پیشمرگان مجاهد خلق

در منطقه بوکان و انهدام یک دستگاه تراکتور تدارکاتی

سپاه ضد خلقی و بهلاکت رسیدن و زخمی شدن

۳ تن از پاسداران جنایتکار خمینی

پیشمرگه‌های مجاهد خلق اقدام به یک رشته عملیات مین‌گذاری در جاده‌ی منتهی به پایگاه "گندلان‌سور" در منطقه‌ی بوکان می‌نمایند که در نتیجه‌ی آن در تاریخ ۲۰ فروردین ماه جاری، یک دستگاه تراکتور تدارکاتی متعلق به سپاه ضد خلقی در اثر برخورد با یکی از مین‌های گاشته شده توسط پیشمرگان، بکلی منهدم گردیده و سه پاسدار جنایتکار سرنشین آن کشته و یا بشدت مجروح می‌گردند. مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۲۲/ فروردین/ ۶۳

خلاصه‌ای از اطلاعیه مطبوعاتی حزب دمکرات کردستان ایران

مزدوران رژیم خمینی در ادامه تلاشهای مذبحخانه‌ی خود برای سرکوب خلق گرد، به عملیات تعرضی تازه‌ای دست زده و در آستانه‌ی سال ۶۳ یورش بهاره‌ی خود را آغاز نموده... و کماکان با مقاومت قهرمانانه‌ی پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران مواجه گشته است...

۱ - از جبهه‌ی نلوسه دست‌ی شهید کاک "عمر کاک‌آبادی" از شاخه‌ی ۲ نیروی شهید مینه‌شم، در ساعت ۴ بامداد دشمن را به کمین انداخته و در همان لحظات نخست، حملات پیش‌بینی شده‌ی آنان را ناکام گردانده و ضربه‌ی سختی بر آنان وارد آوردند. در این نبرد ۳۰ نفر از افراد دشمن کشته شدند.

۲ - در جبهه‌ی "کافی اسپان" نیز دشمن به کمین پیشمرگان شاخه‌ی شهید "رسول گردی" از ارکان نیروی شهید مینه‌شم افتاد. ۳۸ نفر از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده و تعداد زیادی نیز زخمی شدند.

در این دو جبهه اجساد ۶۱ نفر از افراد دشمن در اختیار پیشمرگان قرار گرفت که ۱۵ نفر از آنان شناسایی شدند...

۳ - در ساعت ۶ بامداد روز ۱۵ فروردین، دشمن در جبهه‌ی سوم که شامل منطقه‌ی "هلال‌آوه"، "خال‌آباد"، "چولان" و "گوم‌وشتر" بود با مقابله‌ی قهرمانانه‌ی پیشمرگان مواجه شد. این نبرد دو روز متوالی ادامه داشت و سرانجام نیروهای سرکوبگر رژیم خمینی با تحمل تلفاتی وادار به عقب‌نشینی گردیدند.

همچنانکه فوقاً در اطلاعیه‌ی مطبوعاتی نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور ملاحظه گردید، در جریان تهاجمات وحشیانه‌ی اخیر مزدوران رژیم ضدبشیری خمینی جلاد به قسمتهائی از منطقه‌ی کردستان و مقاومت قهرمانانه‌ی پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان (نیروی شهید مینه‌شم) ۸ تن از پیشمرگان دلیر از جمله: "نقعه‌عبدالله محمدی" فرماندهی نیروی مینه‌شم و "حسینی شامی" فرماندهی شاخه‌ی ۲ این نیرو

۴ - در جبهه‌ی پشت "گومان" و "نولکه" نیز مزدوران رژیم با مقاومت فداکارانه‌ی پیشمرگان شاخه‌ی دوم از نیروی شهید مینه‌شم، پیشمرگان شاخه‌ی ۲ از نیروی کاک هزار و پیشمرگان شاخه‌ی شهید زنگنه از نیروی شهید مینه‌شم روبرو گردیدند: در نبرد وسیعی که حدود ۵ ساعت بطول انجامید، دشمن در چندین محل وادار به عقب‌نشینی شده و مورد تعقیب پیشمرگان قرار گرفت. با این همه دشمن توانست با متحمل شدن تلفات فراوان در ۳ نقطه مستقر گردد.

در اثنای عملیات فوق دشمن ۲ بار کوشید پل استراتژیک "قلاناسیان" را به تصرف درآورد، اما هر بار بر اثر ضد حمله‌ی پیشمرگان، یورش آنان با شکست روبرو گردید. در این درگیریها بیش از ۱۰۰ نفر از افراد دشمن به هلاکت رسیده و ۲۵۰ نفر زخمی شدند. با کمال تأسف در این مقاومت حماسی ۸ پیشمرگ فداکار حزب شهید شدند... که اسامی ۴ نفر از آنان به قرار زیر است:

- ۱ - کاک عبدالله محمدی اهل ناواه فرماندهی نیروی شهید مینه‌شم
 - ۲ - کاک حسین شامی فرماندهی شاخه
 - ۳ - کاک محمد گروری
 - ۴ - کاک ابراهیم حمه‌شم یادشان گرامی و راهشان پردوام باد.
- نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور
۸۴/۴/۹
۶۳/۱/۲۰

قسمت هائی از اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران درباره‌ی صحنه‌سازی انتخابات مجلس شورای آخوندی

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در تاریخ ۶۳/۱۲/۲۰ "درباره‌ی صحنه‌سازی انتخابات مجلس شورای آخوندی" اطلاعیه‌ای صادر کرد. علیرغم اینکه، اطلاعیه‌ی مذکور متأسفانه دیر بدستمان رسید، ولی به منظور آگاهی یافتن خوانندگان عزیز "مجاهد" از نکات مهم آن، ذیلاً بدرج قسمتهائی از اطلاعیه‌ی فوق‌الذکر مبادرت مینمائیم:

هم‌میهنان گرامی! مردم مبارز کردستان! ... مقامات رژیم ریا و تزویر، از هیاهویی که درباره‌ی انتخابات براه انداخته‌اند، علاوه بر سرگرم ساختن مردم، دو هدف عمده هم دارند. نخست اینکه راه را بر انتخاب نمایندگان واقعی توده‌های مردم و افراد وابسته به هر حزب و سازمانی غیر از خودشان ببندند و نگذارند بجز نمایندگان حزب چماق‌داران - حزب جمهوری اسلامی - هیچ نماینده‌ی دیگری به مجلس راه یابد. دوم آنکه چنین وانمود کنند که مردم در انتخاب کردن آزادند و آنان باید برای پیروزی نامزدهای خودشان فعالیت کنند و سرانجام سردرآوردن نامزدهای حزب جمهوری اسلامی از صندوق‌های رای را به عنوان یک پیروزی بزرگ سیاسی در نظر مردم ایران و افکار عمومی جهان جلوه دهند...

مردم کردستان و مردم سراسر ایران به یاد دارند که در نخستین دوره‌ی انتخابات مجلس شورای ملی که بعد بر خلاف قانون اساسی نام آن به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت، نامزدهای حزب دمکرات کردستان ایران در

بیشتر شهرهای کردنشین، اکثریت بدست آوردند و یا به مرحله‌ی دوم انتخابات رسیدند؛ لیکن رژیم خمینی بنا بر ماهیت ضد دمکراتیک خود از آنجا که این نامزدها با رای آزاد مردم انتخاب شده و به زور تحمیل نشده بودند، هیچ کدام را به مجلس راه نداد؛ در نتیجه مردم کردستان در این چهار سال هیچ نماینده‌ای در مجلس نداشتند.

حزب ما اطمینان دارد که انتخابات این دوره، از انتخابات دوره‌ی اول بسیار غیردمکراتیک‌تر خواهد بود و مردم ایران به هیچ ترتیبی امکان فرستادن نمایندگان واقعی خود به مجلس را نخواهند داشت. به عقیده‌ی ما، مردم ایران تنها هنگامی می‌توانند سرنوشت خود را بدست گیرند و نمایندگان واقعی خویش را به مجلس بفرستند که رژیم خمینی سرنوشت خود و بجای آن یک رژیم دمکراتیک مستقر گردد که به حقوق و آزادی‌های مردم احترام بگذارد.

بنا به دلایل فوق، حزب دمکرات کردستان ایران، انتخابات دوره‌ی دوم مجلس شورای آخوندی را تحریم می‌کند و از توده‌های شرافتمند مردم کردستان می‌خواهد تا آنجا که

در توان دارند از شرکت در آن خودداری کنند و وضعی بوجود آورند که در روز انتخابات، حوزه‌های رای‌گیری تا آنجائی که ممکن است، خلوت و بی‌مشتری باشند. با وجود این اگر بر اثر فشار پلیسی "ز-۳" بدستان، شماری از هم‌میهنان گرامی ناچار به رفتن به حوزه‌ها و رای دادن باشند، خواست ما اینست که در اینصورت در همه‌ی مناطق به تنها کاندیدای واقعی مردم کردستان که "خودمختاری" است رای بدهند... در همین رابطه از هم‌اکنون اعلام می‌داریم که در کردستان، هر کس خود را نامزد نمایندگی مجلس آخوندی نماید، خائن به خلق و به میهن شناخته خواهد شد و تکلیف خائنان به خلق و به میهن نیز معلوم است.

بکشیم صحنه‌سازی انتخابات مجلس شورای آخوندی را هر چه بیشتر رسوا نمائیم. تلاش کنیم تا محدوده‌ی صندوق‌های رای‌گیری را به گورستان خاموشی تبدیل کنیم.

مرگ بر رژیم ارتجاعی خمینی هرچند سوارتر باد صحنه‌سازی انتخابات دومین دوره‌ی مجلس شورای آخوندی پیروز باد "خودمختاری" تنها کاندیدای واقعی مردم کردستان!

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران
۶۳/۱۲/۲۰

اطلاعیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و پیام تسلیت مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان بمناسبت شهادت ۸ پیشمرگه و فرمانده حزب

در سراسر ایران و پیشمرگه‌های دلیر کردستان، پشتوانه و ضامن تحقق آنست. سوگند یاد می‌کنیم که تا مدفون ساختن کامل این رژیم خونخوار و جانی، یکدم از پای ننشینیم و اطمینان داریم که شهادت این عزیزان، شعله‌های قهر انقلابی خلقی را که اراده‌ی آزادی گرفته است، هرچه فروزان‌تر خواهد نمود تا بنیان لرزان و پوسیده‌ی رژیم دجال جباران را از بن بسوزاند و خاکستر کند.

از سوی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان نیز پیام همدردی و تسلیتی خطاب به دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران صادر گردیده است که در قسمتی از این پیام چنین آمده است:

"ما ضمن اظهار همدردی با شما و تسلیت به پیشمرگان دلیر این نیرو و بویژه خانواده‌ی این عزیزان، بار دیگر به خون پاک آنها سوگند یاد می‌کنیم، سوگندی که آتش قهر بی‌امان سلاح رزمندگان مجاهد خلق

و عدالت می‌تپد، در هر گجای کردستان و در سراسر ایران که باشند، در غم از دست دادن مبارزانی چنین شایسته، عزادار و متالم خواهند شد. از همین رو لازم می‌دانیم که در همین جا همه‌ی عاشقان آزادی و دمکراسی و هواداران عادلانه‌ی خلق‌ها را مطمئن سازیم که سنگر این فرزندان مردم کردستان بهیچوجه خالی نخواهد ماند و اسلحه‌ی دست آنان، به زمین نخواهد افتاد..."

همچنین در این رابطه

بشهادت رسیده‌اند. پیکر خونین شهید "نقعه‌عبدالله محمدی" که توسط دو تن از پیشمرگان به پشت جبهه منتقل شده بود، در روستای "جانداران" به خاک سپرده شد.

در رابطه با شهادت این پیشمرگان و فرماندهان دلیر، اطلاعیه‌ای از سوی دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان منتشر گردیده که در قسمتی از آن آمده است:

"... شکی نیست که همه‌ی آنان که قلبشان بخاطر آزادی



بقیه ز صفحه ۱۰

سلسله خاطرات، گزارشات و نوشته‌های
از زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های
رژیم ضد بشری خینی

آهی کشید و مشغول بکار شد. به ترتیب پلاکاردی را که شماره‌ای بر روی آن بود به سینه‌ی ما نصب کرد و یکی یکی ابتدا از روبرو و سپس از نیمرخ از ما عکس گرفت، موقعی که روی صندلی نشستم بی‌اختیار به یاد عکس پدر طالقانی و عکس شهدای مجاهد و مبارز افتادم؛ عکس‌هایی که از پرونده‌های ساواک به دست آمده بود و روی آن عکس‌ها نیز چنین شماره‌هایی بر سینه‌ی زندانیان به چشم می‌خورد؛ بی‌اختیار داشتم به گذشته‌ها و به زندان‌های زمان شاه فکر می‌کردم که دستی به شانام خورد و کسی گفت: "بلند شو تمام شد!"

پاسبان عکاس بود و پس از اندکی مکث، ادامه داد: "ناراحت نباش انشاءالله آزاد می‌شوی میری دنبال زندگیت" و بعد ساکت شد. به چهره‌ی خسته و تکیه‌ماش نگاه کردم و با خود اندیشیدم: "روزی چند بار این جمله را تکرار می‌کنند." و بعد به طرف اتاق رئیس زندان حرکت کردیم. در اتاق رئیس زندان دو سه دقیقه بیشتر نماندیم، ورودمان را تأیید کرد و بلافاصله به طرف بازرس راه افتادیم. اینجا می‌بایست سر تا پای ما را بگردند. پاسبانی که سطحی و سرسری مشغول بازرسی بود با دلخوری گفت: "شما سیاسی هستید... نه؟"

و وقتی جواب مثبت شنید، سری تکان داد و نالید: "بابا اینها را که در سپاه ده مرتبه گشته‌اند. دیگه ما چی چی را بگردیم؟" و بعد با خستگی روی صندلی نشست و در حالیکه مشغول یادداشت چیزی بود، پرسید: "حالا شما توبه کرده‌اید یا نه؟"

یکی از درجه‌دارانی که در اتاق مشغول سیگار دود کردن بود، یکمرتبه خنده را سر داد و همانطور که می‌خندید گفت: "توبه...؟! خدا پدر تو بیامرز سرکار! کی توبه می‌کنه، اینارو من می‌شناسم از من بپرس! هیچکدام برنگشته‌اند، در زمان شاه هم هرچی از این‌ها

گشتند، برنگشتند." و بعد صدایش را یواشتر کرد و گفت: "هنوز از خاطر نرفته، زمان ریاست سرهنگ "قرزین" بود، سال ۵۴. هر روز "مسعودی" (۲) و "بابائی" (۳) و "ناهیدی" (۴) و چند تایی دیگه از ساواکی‌ها می‌آمدند و یکی یکی بچه‌های بند سیاسی را می‌بردند اتاق ملاقات... اولش صحبت بود و نصیحت و بعدش فحش و شلاق، ولی فایده نداشت، اینارو من خوب می‌شناسم... چند تا از آنها، مجاهدین و فدائیان همان وقت چند ماه پس از آزادی دوباره اسلحه برداشتند و گشته شدند و عکس‌های آنها را برای رعب و وحشت دربند "یک" به دیگران نشان دادند... نه سرکار خیالت راحت باشه از توبه خبری نیست؟"

و بعد با نگاهی که نشان همبستگی داشت از "ک" پرسید: "دروغ می‌گم" "ک" جواب داد:

"درسته، کسی توبه نکرده، توبه مال کسی است که کار اشتباهی انجام بده و این حضرات هستند که باید بخاطر جنایت‌هایشان و پایمال کردن حقوق مردم توبه کنند، کسانی امثال شاه و جانشینانش و... هنوز فضا، فضای سیاسی است و نمی‌شود تند و تیز اسم برد. بنابراین "ک" اندکی سکوت می‌کند و می‌گوید: "و هواداران آنها و...".

درجه‌دار ناگهان حرف "ک" را قطع کرد و با دلخوری گفت: "گور پدر شاه و جانشینان و هواداران‌شان. ما نه هوادار شاه بودیم و نه هوادار کس دیگر، والله خیلی دلم می‌خواست بعد از شاه بولدور می‌انداختند اینجا را صاف می‌کردند و خیال همه را راحت می‌کردند، ولی نشد که نشد."

"ک" که فهمیده بود درجه‌دار ناراحت شده گفت: "منظور من شما نبودید" "مسئله‌ای نیست... آدم تو این چار دیواری حوصله‌اش سر میره" و بعد سینه‌ی غذائی را که روی میز بود، نشان داد: "اگر غذا می‌خورید بفرمائید، گرسنه‌تان نیست؟" از او تشکر کردیم و چند دقیقه بعد از بازرسی بیرون آمدیم. در سمت راست ما سلول‌های انفرادی قد کشیده بود. سلول‌هایی که در آینده باید هر شب دهها رزمنده‌ی مجاهد را قبل از تیرباران در خود جای دهد. از جلوی سلول‌ها که گذشتیم، صدائی

شنیده شد و یکی از زندانیان عادی با صدای بلند داد زد:

"آی... داداش شما کی هستید؟"

یکی از بچه‌ها جواب داد: "از مجاهدین خلق" زندانی عادی با خوشحالی گفت:

"دم همه‌تان گرم، این آخوندها کی می‌روند؟..."

و شروع کرد با صدای بلند فحش دادن به آخوندها و رژیم. پس از عبور از مقابل سالن ملاقات و نگهبانی مرکزی، کریدور اصلی را طی کردیم و به انتهای آن رسیدیم. در زیر این کریدور و بندهای زندان، زیرزمین و تاسیسات و انبار زندان قرار گرفته است و در انتها لیه سمت چپ کریدور، بند "یک" قرار دارد. این بند در زمان شاه خائن نزدیک به ۱۳۰ تن (۵) از انقلابیون مجاهد و مبارز را در خود جای داده بود و هم‌اکنون نیز تعداد زیادی از مجاهدین در آن بزنجیر کشیده شده بودند، کسانی که اکثریت آنان پس از ۳۰ خرداد ۶۰ روانه‌ی میدان‌های تیرباران شدند.

بعد از بند "یک"، بند "۲" قرار داشت و در حد فاصل این دو بند، در جانب راست کریدور اصلی، آموزشگاه، کتابخانه، سالن اجتماعات و سالن ورزشی قرار گرفته بود. بعد از بند ۲، بند ۳ و در مقابل بند ۳ در سمت راست نگهبانی مرکزی،

پاورقی: ۱ - این ساختمان حدود شانزده میلیون تومان هزینه برداشته است که بقول "رازیانی" (حاکم ضد شرع و ضد خلق که زندانیان او را ژنرال گرازیانی می‌نامند) مبلغ ۱۲ میلیون تومان آنرا موسوی اردبیلی از "جیب خود" پرداخته است. آخوند "حسینی" یکی از جانبان ارتجاع در دادسرا، طی صحبتی در زندان گفته بود ببینید آقای اردبیلی!! چقدر به شما علاقه دارد که ۱۲ میلیون تومان بخاطر شما از جیبش پرداخته است.

۲ و ۳ و ۴ - چند تن از بازجویان و شکنجه‌گران ساواک شاه در مشهد در سالهای ۵۰ تا ۵۶ ۵ - نزدیک به ۸۰ تن از این زندانیان را اعضا و هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، ۱۷ الی ۲۰ تن را اعضا و هواداران سازمان چریک‌های فدائی خلق و بقیه را توده‌ای‌ها و آخوندها تشکیل می‌دادند. آنچه که در همین

آشپزخانه و باصلاح سلف سرویس زندانیان و در کنار آن قرنطینه به چشم می‌خورد و در کنار آن قرنطینه‌ی ۵ و این دو محل که هر یک به ترتیب ۵۰ و ۱۶۰ تن از منحرف‌ترین زندانیان عادی را که به انواع بیماری‌های جسمی و روانی و اخلاقی مبتلا هستند، در خود جای داده بود، بعنوان تبعیدگاه زندانیان سیاسی نیز بکار گرفته می‌شد. در مقابل بند ۵ در آنسوی راهرو، بند ۴ که یکی دیگر از بندهای متعلق به زندانیان سیاسی است، قرار گرفته و... - بفرما اینم خون‌هی جدید شما!

پاسبان با شوخ‌طبعی از پله‌ها پائین رفت و ادامه داد:

"چیزی نیست، انشاءالله زود تموم می‌شه."

ما هم بدنبال او از سه پله پائین رفتیم و وارد محوطه‌ی نگهبانی بند شدیم. جایی محصور بین دو درب قطور مشبک آهنی که بر روی دو ریل روغنکاری شده حرکت کرد. چند لحظه بعد در داخل بند بودیم، بندی سراسر از آهن و سیمان. موقع رفتن، پاسبان دستی تکان داد و دوباره تکرار کرد:

"انشاءالله تموم می‌شه"

ما هم چنین انتظاری را داشتیم، ولی توفان در راه بود، توفانی که بسیاری از چیزها را تغییر داد. (ادامه دارد)

جا یادآوری آن ضروریست، شهادت نیمی از این زندانیان مجاهد خلق از جمله مجاهدین شهید:

محمد نوروزی، هادی کاملان، علی اسماعیل‌زاده، هاشم مددی‌الموسوی، تقی برادران، شکرالله مشکین‌فام، علی باقرزاده، حیدر الهی، نصرالله مروج، علی خراشادی‌زاده، حسین جلیلی پروانه، قاسم باقرزاده، میرطه میرصادقی، حسین ارگنجی، خسرو رحیمی، مصباح نصرآبادی، حبیب مباشر، محمود جعفری، رضا ماهوان، حمید صدیق، هادی غلامی، علیرضا عبدالمهدی، احمد ناصری، رضا بیجاری، محمود قزی و... در میدان‌های نبرد یا میدان‌های تیرباران بدست خمینی دجال است؛ مجاهدین دلیری که پس از تحمل سالها رنج اسارت در زندان‌های شاه، در نبرد با خلف پلید او خمینی دجال، خون خود را نثار راه آزادی خلق نمودند.

پاسخ به نامه‌های رسیده

خواهران و برادران عزیز، همانطور که در گذشته نوشته بودیم، در بین نامه‌های رسیده، اخبار و گزارشات گوناگون و جالبی از هسته‌های مقاومت سراسری و سایر خواهران و برادرانمان میرسد که هر یک گوشه‌هایی از اوضاع و احوال میهنمان را منعکس می‌کند. در این هفته به گزیده‌های از این گزارشات و اخبار می‌پردازیم:

* خواهری بنام "اشرف" از اهواز، پیرامون تاثیر اقدامات برادر مجاهد مسعود رجوی در ارتباط با قطع بمباران یک‌هفته‌ای شهرهای بیدفاع ایران می‌نویسد: "این خبر تماما ورد زبانه‌است. همه می‌گویند این هم از همت رجوی. حالا ببینیم چه کسی دلش به حال مردم مظلوم می‌سوزد، رجوی یا دیگران؟ این یکی دو روز هرجا که رفتیم و هر که را که دیدیم، آشکارا و با خوشحالی از این اقدام برادر مسعود صحبت می‌کرد..."

* مادری بنام "فاطمه" به شرح انعکاس این خبر در تهران پرداخته و می‌نویسد: "مردم خیلی نگران بودند. خود ما هم شدیداً نگران بودیم، ولی مردم با اقدامات برادر مسعود رجوی یک اطمینان قلبی پیدا کردند. در بان یک کارخانه به (.....) گفته بود: دیدی آقای رجوی چه فرمان مهمی داده؟ ... خلاصه این اقدام انعکاس بسیار مثبتی در میان مردم داشت. بعدی که هرجا مسئله‌ی جنگ مطرح می‌شد، مردم با جرأت و بدون ترس از مزدوران رژیم، با ادامه‌ی جنگ مخالفت می‌کردند. بخصوص در صف‌ها: صف نان، صف سیگار و..."

* برادری با رمز "۲/۵۷/۵ - A - I R L" از مشهد، اخباری پیرامون کشته‌های تهاجمات اخیر رژیم نوشته که در قسمتی از نامه‌ی او چنین آمده‌است: "بعد از حملات اخیر، بیمارستان‌ها پر از مجروح جنگی شده و همچنان سیل مجروحین به بیمارستان‌های شهرها جاریست. بیشتر از ۹۰٪ بیمارانی را که در بیمارستان‌ها بستری بوده‌اند، مرخص کرده‌اند تا برای مجروحین جنگی جا پیدا شود. مردم همه در اوج ناراضی‌های از ادامه‌ی جنگ بسر می‌برند."

* برادر یا خواهری بنام "الف/ع" در نامه‌ی خود

به شرح ناراضی‌های مردم و عمق تنفر و کینه‌ی آنان نسبت به ابادی و مزدوران رژیم پرداخته و واقع‌ی زیر را که خود شخصا شاهد آن بوده‌است، نقل کرده‌است: "در اتوبوس مسافری نشسته و به سمت تهران حرکت کردیم... آخوندی هم در ماشین بود. در ماشین صحبت از سیاست شد. آخوند مزدور گفت: "امام یک اشتباه کرد و آنهم این بود که به گروهک‌ها اجازه‌ی فعالیت داد و گذاشت هر که، هر چه دلش می‌خواهد بگوید". مرد ریشویی که شبیه پاسداران بود، بلند شد و شروع به گتک‌زدن آخوند کرد. بعد از چند دقیقه که از گتک خوردن آخوند می‌گذشت، مردم آنها را از یکدیگر جدا کردند. مرد ریشو به آخوند می‌گفت "تو غلط می‌کنی، می‌گوئی امام اشتباه کرده و... بالاخره مرد ریشو آرام شد و در ادامه‌ی راه روی صندلی خوابش برد. راننده با اشاره به او، به آخوند گفت: "زودتر پیاده شو. الان به ایستگاه برسیم تا تحویل سپاه بدهد..." آخوند هم از ترس پیاده شد. زیر پل گرج مرد ریشو بیدار شد و وقتی متوجه شد که آخوند مزدور پیاده شده با لبخند گفت: "دل خنگ شد یکی از این مفتخوره‌های گتک‌خیز را زدم" مسافری با تعجب از او پرسیدند که تو پاسدار نیستی؟ مرد ریشو در حالیکه می‌خندید گفت: "نه بابا، من می‌دانم که خمینی هزاران جنایت کرده و چون دل پُری از این آخوندها داشتم، او را زدم."

* خواهری در باره‌ی صف‌های طویل مواد غذایی و افزایش موج ناراضی‌های مردم می‌نویسد: "تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب در صف نان لواش منتظر بودیم. حسب‌المعمول هر کس از دردها و مشکلات خودش می‌گفت. مردی گفت: "زمن دیروز ۵ کیلو برنج از شمال آورده که پاسداران می‌گیرند. دیشب مهمان داشتیم، نان‌گیرمان نیامد. برنج درست کردیم، ولی دلمان نیامد بخوریم. از حالا باید نان خشک را برای روز مبادا نگاه داریم". چند روز پیش هم به فروشگاه گوروش رفته‌ام. در طبقه‌ای که مواد غذایی می‌فروشتند، دیدم صف طولی از زنان در یکطرف و صف دیگری از مردان در سمت دیگری ایستاده‌اند. از دو نفری که آخر

صف بودند سوال کردم، چی میدهند؟ هیچکدامشان نمی‌دانستند. نفر سومی با ناراحتی گفت: "چکار دارم چه میدهند؟ دستمال کاغذی، چای، هر گوفتی بدهند، می‌گیریم" خانم دیگری گفت: "دیگر چیزی نمونده که کوپنی نشده باشد. فردا پس‌فردا برای راه رفتن توی خیابانها هم کوپن میدهند. یکشنبه‌ها خانواده‌های یک نفره، دوشنبه‌ها خانواده‌های دو نفره و... این قسمتی از زندگی مردم در این رژیم است."

* خواهر یا برادری با کد "CFH-20/3-7" در باره‌ی کمبود نان و فشاری که از این بابت به مردم وارد می‌شود، نمونه‌ی جالبی را گزارش کرده‌است: "... ساعت‌های زیادی برای تهیه‌ی نان به نانوائی‌های متعدد سرزدم. خبری از نان نشد. آخرین نانوائی در حال بستن بود که رسیدم. از صاحب نانوائی پرسیدم چرا نان نمی‌پزد؟ آنقدر دلش پر بود که آهی کشید و گفت: "والله آرد نمی‌دهند. سهمیه‌ی این منطقه تمام شده. به میزانی که ما احتیاج داریم به ما آرد نداده‌اند. مردم سرو صدایشان درآمده. شکایت‌نامه به شهرداری نوشتم. همسایه‌های محل هم زیرش را امضا کردند. ولی وقتی به شهرداری رفتم، کلی باعث دردسر خودم شد. از من بازخواست کردند که مگر نمیدانی جنگ است و... من هم دیدم دردسر خودم بیشتر شد، گفتم بابا ولم کنید آرد نخواستم..."

* برادر کارمندی که در اداره‌ی "....." تهران کار میکند درباره‌ی میزان نفرت عمومی از خمینی دجال برایمان نوشته‌است: "در ۱۲ بهمن که دهه‌ی باصطلاح فجر شروع میشود مزدوران انجمن ضداسلامی شیرینی خریدند و بین کارمندان تقسیم کردند. اما تامستول انجمن از اطاق بیرون رفت، مسئول بخش ما گفت: "انشالله که شیرینی رفتن خمینی را بخوریم" و سپس شیرینی را در سطل زباله انداخت."

* برادری از زنجان یک نسخه از آگهی ترحیم کارگر صافکاری را برایمان فرستاده و در ضمن نامه‌ی خود توضیح داده‌است که: "وی شب هنگام خواهر خود را به خانه‌اش می‌رساند و زمان بازگشت با مزدوران بسیجی روبرو میشود. بسیجی مزدوری بنام "....." که در بسیج مقاومت مسجد "....." کار می‌کند و سابق سوء اخلاقی زیادی دارد، علیرغم ایستادن

کارگر مزبور، بسوی وی شلیک کرده و او را می‌کشد. آخوند جنایتکاری که حاکم ضدشرع می‌باشد در مراجعات خانوادگی کارگر مزبور می‌گوید: "چون طرف حساب شما یک بسیجی است و شما هم میدانید که این بسیجی‌ها چقدر فداکاری می‌کنند و...!! باید رضایت بدهید و زیرپوشش حمایت بنیاد شهید قرار بگیرید. در این صورت ما فرزند شما را یک شهید حساب می‌کنیم. اگر هم رضایت ندهید کار شما تهمت به بسیج محسوب میگردد و تهمت به بسیج، تهمت به اسلام و نظام جمهوری اسلامی است و بعنوان ضدانقلاب تحت تعقیب قرار میگیرید" و به این ترتیب خون کارگر زحمتگشی که با درآمد اندک خود، علاوه بر تامین معیشت عائله‌ی خودش - و از جمله همسر حامله‌اش - تکفل پدر و مادر پیر خود را نیز بعهده داشت، بدست جانیان حاکم بر سرنوشت مردم پایمال میگردد."

* برادری از آذربایجان پیرامون مشکلات کشاورزی و سیاست‌های ضد مردمی رژیم گزارش خوبی برایمان فرستاده و در قسمتی از نامه‌ی خود می‌نویسد: "آب، یکی دیگر از مشکلات کشاورزان است... کشاورزان با خانواده‌هایشان از پرداختن به کشاورزی خودداری کرده و مجبور به مهاجرت به شهرها هستند و در نتیجه باقیمانده‌ی کشاورزی مملکت نیز در واقع از بین رفته‌است. کشاورزان از عهده‌ی نگهداری باغات و مزارع خود برنمی‌آیند و برایشان صرف نمی‌کند. از جمله میزان برگیه‌ی آلو و آلوچه و خشکبار و پوست و چرم‌های دباجی شده یا نشده به مقدار زیادی در آذربایجان آفت کرده‌است و جالب اینکه در چنین وضعیتی رژیم نیز اعلام کرده که از خارج پشم وارد کرده‌است. یک پیرمرد کشاورز به من می‌گفت: "اینها هم‌ه‌اش تبلیغات می‌کنند که برای ما چه کرده‌اند. ولی در واقع ما را از هستی انداخته‌اند. یک زمین داشتم که دویست هزار تومان ارزش داشت، ولی الان هیچکس حتی به ۱/۴ قیمت هم آنها از من نمی‌خرد. آنوقت اینها می‌گویند داریم به خودگفائی می‌رسیم. این تبلیغات برای اینست که چند تا پیرمرد هم که توی دهات مانده‌اند به شهر نروند..."

* برادری از تهران در گزارش خود که حاوی اخبار

گوناگون و متنوعی است، پیرامون فشاری که به دستفروشان توسط مزدوران کمینه‌چی و... وارد میشود، مینویسد: "چندی قبل یکی از مزدوران کمینه جهت برچسیدن بساط دستفروشی در پیاده‌روی خیابان اکباتان، به طرف فرد مزبور حمله می‌کند، اما او مقاومت کرده و حاضر به جمع کردن بساط خود نمیشود. ماشین گشت کمینه سر میرسد و مزدوران می‌خواهند به زور دستفروش را به داخل ماشین انداخته و با خود ببرند. مردم هم جمع شده بودند و بصورت جسته و گریخته به مزدوران اعتراض کرده و از دستفروش حمایت می‌کردند. یک نفر از توی جمعیت با لحنی مسخره ادای خمینی را در آورد و گفت: "هیچ احدی حق رفتار غیر اسلامی با مردم را ندارد!" مردم زدند زیر خنده و اینکار باعث خشم بیشتر مزدوران شد. وقتی که کار به اینجا کشید، مزدوران خمینی، دستفروش را که شدیداً مقاومت میکرد، تهدید کردند که اگر سوار نشود او را با گلوله خواهند زد. دستفروش بی‌نوا داد میزد: "آب‌های شما این وسائل را به قیمت چند برابر به ما می‌فروشند، اما حالا که من برای امرار معاش خودم و در آوردن یک لقمه نان بساط پهن کرده‌ام، میخواهید دستگیرم کنید؟ راست می‌گوئید بروید آنها را بگیرد..."

* خواهر "شفق خونین" از تبریز در نامه‌ی جالب خود، چند خبر اجتماعی برایمان نوشته‌اند که در زیر به یکی از آنها اشاره می‌کنیم: "یک ارتشی که اخیراً از جبهه بازگشته، تعریف میکرد که پاسداری را به پشت جبهه منتقل کردند. بسیار ناراحت بود. علتش را پرسیدم. گفت: "من اعتقاد بسیار عمیقی داشتم که این جنگ در راه مردم و اسلام است. یک شب قبل از حمله نشسته بودیم که ناگهان دیدیم نوری در بالای تپه ظاهر شد. گفتند امام زمان است. تصمیم گرفتیم به آنجا برویم و حضرت را از نزدیک مشاهده کنیم. وقتی به او نزدیک شدیم دیدیم که ۴۰ گلوله به او اصابت کرده و گشته شده‌است و معلوم شد که امام زمان قلبی بوده‌است. آن نور نیز مربوط به منوری بود که از طرف پاسداران شلیک شده بود. بعد از لورفتن قضیه، ما را تهدید کردند که حق ندارید در این باره با کسی صحبت کنید. ارتشی مزبور آنقدر از جنگ بیزار شده بود که تصمیم داشت بهر شکلی شده دیگر به جبهه بازنگردد..."

واکنش‌های رژیم خمینی در قبال افشاگریهای

بین‌المللی پیرامون نقض حقوق بشر ...

بقیه/ از صفحه ۸

فرهنگ خمینی قابل توجه است! و به حبس تا یکسال تمام محکوم گردیده و توبه‌ی آنان مورد تصدیق دادستان مجری حکم و نائید حاکم شرع رسیده باشد، گنجانده است که طبعاً ضرورتی ندارد تا با تشریح هرچه بیشتر اینگونه هفت‌خوان‌ها و فیلترهای نامین‌کننده‌ی اطمینان خاطر برای رژیم، بی‌اساس بودن این قبیل تبلیغات شیادانه را ثابت نمائیم!

از سوی دیگر موسوی بجنوردی از فقهای جنایتکار "شورای عالی قضائی" در پاسخ به سؤال حساب شده‌ی خبرنگار رادیو رژیم (۷/ فروردین/ ۶۳) در مورد عفو زندانیان سیاسی (که البته رژیم خمینی نیز همانند شاه خائن همیشه از اطلاق این عنوان پرهیز کرده و از عناوینی مانند فریب‌خوردگان گروهکها (!) استفاده می‌نماید)، از دو شرط مهم و البته دست نیافتنی مورد تاکید خمینی جهت آزادی زندانیان سیاسی پرده برداشت. این دو شرط عبارتست از اینکه پس از آزاد شدن زندانی، ۱- خطری از جانب او متوجهی رژیم نباشد ۲- جذب سازمان‌ها و گروههای انقلابی نشود!! جالب‌تر اینکه بجنوردی در پایان این مصاحبه، بمنظور به هم وصل کردن یک سری اقدامات بی‌محتوای بخشنامه‌ی رژیم در مورد تبلیغات عفو زندانیان سیاسی، به جریان ماموریت ۴ تن از قضات رژیم در این رابطه (که در اول این مقاله توضیح دادیم) اشاره کرده و می‌گوید که خمینی به این ۴ نفر ماموریت داده بود تا لیست "اصلاح شدنی"ها را برای او بیاورند تا موافقت کند. برای اینکه هرچه بیشتر به ماهیت این قبیل عوامفریبی‌های نمایشی رژیم پی ببرید، بی‌مناسبت ندیدیم، بخشنامه‌ی محرمانه‌ی را که این چهار قاضی جنایتکار و خونخوار رژیم در شهریورماه گذشته خطاب به کلیه‌ی دادرها و باصطلاح دادگاههای انقلاب رژیم صادر نمودند، چاپ نمائیم.

همچنانکه در ماده‌ی ۵ بخشنامه ملاحظه می‌کنید،

کلیه‌ی کسانی که می‌شود به آنها نام زندانی سیاسی اطلاق نمود، مطلقاً از بخشنامه قلم خورده‌اند و بجنوردی جنایتکار صرفاً برای فریب اذهان عمومی، به این هیئت ۴ نفره و ماموریت ظاهر- فریب آنها اشاره می‌کند. در واقع نیز برای رژیم در رابطه با معضل "زندانی سیاسی" راهی جز دست یازیدن به این قبیل مانورهای میان‌تهی وجود ندارد؛ زیرا رژیمی که هم‌اینک از نزدیک درگیر مقاومت پر شکوه انقلابیون مجاهد و مبارز در زندان‌های متعدد و متراکم سراسر کشور است و مرتباً خبر از کشف شبکه‌ی تشکیلاتی مجاهدین در زندان‌ها و تجدید محاکمه و تشدید مجازات و حتی اعدام آنها می‌دهد، چگونه می‌تواند از آزادی زندانی سیاسی دم بزند؟! جالب اینجاست که منتظری، سفیه جنایتکار رژیم که دلقکوار در صحنه‌ی این تضاد معلق می‌زند! در دیدار اخیرش با لاجوردی و تنی چند از همدستان شکنجه‌گر و آدمکش این جلاد، خود از یکسو ناگزیر به وجود تشکیلات و مقاومت خاموشی‌ناپذیر در زندان‌ها اعتراف می‌کند: "تنها چیزی که سران معاند این گروهک‌ها (!) به آن دل بسته‌اند و امیدوارند همین است که تعداد زیادی از هواداران آنها زندانی شوند و افراد سطح بالا در زندان روی اینگونه افراد اغفال شده که از روی احساسات یک کار جزئی کرده و دستگیر شده‌اند، کار فکری و تشکیلاتی بکنند و آنها را از حدّ هواداری به سطح عضویت و کادر برسانند." اما چون تنها راه حل نجات این "هواداران ساده"؛ "با جرم جزئی" از پیوستن به تشکیلات داخل زندان و مانعت از کار فکری و تشکیلاتی روی آنها و جلوگیری از ارتقاء آنها از "حدّ هواداری به سطح عضویت و کادر" - آنهم در اشل بیش از صد هزار زندانی سیاسی- اینست که این تعداد آزاد شوند و منتظری نیز ترجیح بند عوامفریبی‌ها و شکلهایش ناظر بر همین مسئله است، لذا فی‌الغور خودش اضافه می‌کند:

آن دود روشن عذاب

خواهد آمد؛

آن دود روشن عذاب

آری؛

به یقین؛

بی سوگندی به ستاره و صبح

- حتی -

خواهد آمد

آن دود روشن عذاب خواهد آمد.

در روز سرخ خشم بزرگ

و جشن ستاره‌های بیدار

در شبهای بی فروغ

چون ماری زخمی در رگهاتان خواهد دوید

و آمیزه‌ای خواهد شد

سوزان و شعله‌ور

با شیرهی جانهای پلیدتان

در اعماق سنگی دل‌هاتان

حفره‌های استخوانی چشمهاتان

- این خانه‌های متروک وحشت -

برپوگی‌خانه‌ها و استخوانهاتان گواهی خواهد داد

آن زمان که رسوب دود

- دود روشن عذاب - را

در بازدم پر نکبت خود بیابید

و چراگابه‌های خونین دهانهاتان

- غارهای دریده‌ی حرص -

بر چگد همچو قطرات قطران

بر درخت روئیده

از ارواح پلیدتان

با میوه‌هایی از آتش و آهن و پولاد

در ریزش آوار سهمگین کيفر بی مرتزان

بر ستم عظیم بودنانتان

- وهن بزرگ انسان -

برداشتی از سوره‌ی دخان
و در پاسخ خمینی که همواره از روزی
که "سیلی" بخورد می‌هراسد

از : ح - الف

نه درنگی ست و نه مجالی

در لحظه‌ی موعود

در روزهای خشم سرخ

پاداش فرش‌های پرنقش خون‌ما

سگینی چگمه‌های خیانت بود و

جلوس نکبت

در خرقره‌ای پشمینه

اما

ای عاصیان حقیر خلق!

که در گشتزارهاتان تباهی روئید

و در باغهای غارتتان

- گنج‌های ربوده‌ی انسان - شقاوت سبز شد

در چشمه سارهای آرزوهای خود

آیا به جز دود روشن عذاب دیده‌اید؟

آری، به یقین و بیگمان

بی سوگندی به ستاره و صبح

- حتی -

آن دود روشن عذاب

در جداری رگهاتان رسوب خواهد کرد

و ماتم زده‌ی سقوط بی‌رجعت خود خواهید بود،

بی‌امان تراز عذاب‌بی‌شمارا در خود فرومی‌برد.

و آنگاه

آسمان

و زمین

- بی‌هیچ اشگی -

در سوگ پرسرور مرگتان

محاق ابدیتان را جشن خواهد گرفت

ارواح تکیده‌ی تباهی!

بر ما سقوط بی‌رجعتتان

- عروج پرشکوه کلام سبز خدا -

۶۳/۱/۱۴

بشارت است.

بستگان نزدیکشان مطمئن شویم که آنها پس از آزادی به سراغ ضدانقلاب (!) نمی‌روند، نباید اینگونه افراد را در زندان نگاه داریم." (کیهان - ۱۸/ فروردین/ ۶۳). به عبارت روشن‌تر: منتظری جنایتکار با زبان بی‌زبانی می‌گوید: بدانید و هشیار باشید که ما اصلاً زندانی سیاسی آزاد نمی‌کنیم!!

"من می‌دانم بسیاری از این توبه‌ها و اظهار علاقه‌ها که در زندان میشود دروغ است و ما نباید فریب بخوریم" و سپس نگرانی همیشگی و استراتژیک رژیم در این زمینه را بالصراحه چنین توصیف می‌کند که: "برای ما این معنا مهم است که (زندانیان آزاد شده) ضربه‌ای به انقلاب و اسلام (بخوانید

مرگ بر خمینی، شعار محوری مرحله کنونی

مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق

به یاد شهیدان حماسه آفرین اول فروردین ۱۳۶۱

در اولین ساعات روز اول نوروز سال ۱۳۶۱، صدای رگبار گلوله، ساکنین منطقه یوسف آباد را سراسیمه از خواب بیدار کرد. رگبارهای مداوم، خبر از درگیری سخت و خونینی می داد. چندی بعد خبر دهان به دهان پخش شد: "خیابان چهلیم یوسف آباد، در یک آپارتمان ۴ طبقه، پاسداران و کمیته چپی ها به یکی از پایگاههای مجاهدین حمله کرده اند...". بقیه ماجرا روشن بود: بی تردید مقاومتی سخت و قهرمانانه در پیش بود، چرا که دیگر همگان بارها و بارها شنیده و دیده بودند که مجاهد خلق جز با زبان قاطع و آتشین گلوله با دشمن خدا و خلق سخن نمی گوید و تا آخرین گلوله و آخرین نفس خواهد جنگید و نخواهد گذاشت که دشمن جز بر سلاح خالی از فشنگ و کالبد بیروح او دست یابد...

از حوالی ساعت ۶ صبح و درحالی که بیش از چند ساعت از تحویل سال نو نگذشته بود، درگیری آغاز شد. طبق اطلاعاتی که از طریق "صامت" بدست آمد، از ساعاتی قبل، چند واحد از مزدوران سپاه و کمیته ضد خلقی مستقر در کلانتری یوسف آباد، منطقه را به محاصره درآورده بودند.

مزدوران برای غافلگیر کردن مجاهدین حاضر در پایگاه، توطئه ی رذیلانه ای طرح کرده بودند و آن پناه گرفتن در پشت سر یکی از همسایگان پایگاه بود که به زور او را مجبور به صدا درآوردن زنگ در پایگاه کرده بودند. اما علیرغم این توطئه، به محض به صدا درآمدن زنگ، کلیه ای افراد در پایگاه به حالت آماده باش درآمدند و لذا پس از گشوده شدن در و مشاهده ی پاسداران مسلح کمین کرده، بلافاصله آتش سلاح مجاهدین، پاسخی دندان شکن به مزدوران داد و آنها علیرغم همه آمادگی های قبلی، وحشتزده به طبقات پایین تر فرار کردند.

"معصومه" طبق طرح قبلی، مشغول از بین بردن مدارک شد. "جلیل"، "احمد"، "مرتضی" و "پرویز" نیز هر یک در گوشه ای از پایگاه سنگر گرفته و به مقابله با هجوم پاسداران برخاستند. طبق دستور فرماندهی پایگاه، مرتضی و پرویز در پناه آتش احمد و جلیل از پایگاه خارج

شده و با شلیک رگبارهای پیاپی، موفق به شکستن حلقه ی محاصره ی مزدوران دشمن شدند. آنها دوبار تا اواسط خیابان پشت آپارتمان پیشروی کردند، ولی هر بار بعلت تمام شدن مهمانشان به داخل پایگاه بازگشتند و آخرین بار پس از برداشتن مهمات و فشنگ کافی راه را گشوده و به خیابان اصلی رسیدند. اما در آنجا یکی از جاسوسان مزدور رژیم، با داد و فریاد نیروهای دشمن را متوجه رزمندگان ساخت. در نتیجه در اثر درگیری که رخ داد، مجاهدین دلیر مرتضی سیاحی و پرویز آریان پور پس از مقاومت و نبردی قهرمانانه به شهادت رسیدند.

از طرف دیگر در داخل پایگاه، مجاهدین شهید جلیل سوادینژاد، معصومه میرمحمد، و احمد نیکانندیش نیز قهرمانانه می جنگیدند. جلیل به پشت بام رفته و از آنجا مزدوران را زیر آتش خود گرفته بود. پاسداران جنایتکار نیز سعی داشتند تا به هر ترتیب که شده، او را زنده دستگیر کنند، اما جلیل پس از ۱/۵ ساعت مقاومت قهرمانانه و بهلاکت رساندن چند تن از مزدوران به شهادت رسید.

"احمد" کودک ۵ ساله اش را بدرون حمام برده بود تا در آنجا از آتش خشم حیوانی پاسداران در امان بماند و سپس خود به مقابله با دشمن برخاسته بود. در پناه آتش او "معصومه" موفق به خروج از پایگاه می شود. او ابتدا به طبقه دوم آپارتمان رفته و هنگامی که در اتاقی را باز می کند، ۴ پاسدار "یوزی" بدست را مشاهده می کند. بلافاصله بدون آنکه آنها متوجه شوند، در را بسته و از طریق اتاق دیگری به حیاط می پرد و با گذشتن از خانه های مجاور، خود را به خیابان یوسف آباد می رساند. او با استفاده از غفلت مزدوران که در اثر مقاومت قهرمانانه ی مرتضی و پرویز، بیشتر نیروی خود را در خیابان های پشت پایگاه متمرکز کرده بودند، از منطقه خارج می شود و خود را به یکی از پایگاههای مقاومت می رساند. مجاهد شهید معصومه میرمحمد ۱/۵ ماه بعد در جریان حماسه ی خونین ۱۲ اردیبهشت به همراه تعدادی دیگر از خواهران و

برادران مجاهدش، پس از ساعت ها نبرد و مقاومت، قهرمانانه به شهادت رسید. آخرین شهید این حماسه ی مقاومت پرشور "احمد" بود. او پس از آنکه در پناه آتش مسلسل خود، امکان خروج همزمانش از پایگاه را فراهم ساخت، خود نیز از پایگاه خارج شد و درحالی که مورد اصابت ۲ گلوله واقع شده بود، خود را به یکی از خانه های اطراف رساند، اما دیگر در اثر شدت خونریزی توان راه رفتن نداشت. در آنجا ابتدا برای ساکنین خانه که همگی با تعجب دور او جمع شده بودند، شروع به صحبت کرد و از اهداف و آرمان مجاهدین، از عشق و ایمان آنها به خدا و خلق و پیروزی مردم ستمدیده و نابودی ستمگران و از کینه و نفرت عمیق شان نسبت به تمامی موانع راه رشد و شکوفائی توده ها برای آنها سخن گفت و پس از معرفی خود و ذکر جریان شهادت قهرمانانه ی همسرش - مجاهد شهید گیتی صادق که چند ماه قبل از آن در زیر شکنجه های دژخیمان خمینی به شهادت رسیده بود - و اینکه کودک خردسال او نیز تا ساعتی دیگر به اسارت پاسداران جنایتکار در خواهد آمد، با آنها خداحافظی کرد و سپس تمامی توان و نیروی خود را جمع کرده و ماشه ی اسلحه اش را که به سوی خود گرفته بود، چکاند...

به این ترتیب با خاموشی سلاح احمد، درگیری نیز به پایان رسید، اما مزدوران که طی چند ساعت مقاومت قهرمانانه ی مجاهدین، سخت وحشتزده و هراسناک شده بودند و درصدد بکارگیری سلاح "آر. پی. جی" برای خاتمه بخشیدن به این مقاومت پرشور بودند، تا مدتی جرأت نزدیک شدن به پایگاه را نداشتند...

مردم نیز با چشم های گریان و قلب های آکنده از خشم و نفرت نسبت به پاسداران جنایتکار خمینی، در اطراف خانه جمع شده بودند و به اظهارها و تهدیدهای مزدوران دشمن که از آنها می خواست متفرق شوند، کمترین توجهی نمی کردند. بدین سان در اولین ساعات نوروز سال ۶۱ با شهادت ۴ مجاهد قهرمان خلق: جلیل

سوادینژاد، احمد نیکانندیش، مرتضی سیاحی و پرویز آریان پور و با خون پاک آنان، لاله های سرخ و آتشین دیگری در مسیر انقلاب کبیر خلق مان سر برآورد تا مژده بخش طلوع صبح رهایی و فرا رسیدن بهار نوروزی و شکوفائی خلق و میهن مان گردد.

چند روز بعد جاسوس مزدوری که نقش مهمی در به شهادت رسیدن ۲ رزمنده ی مجاهد خلق داشت، در محل کار خود مورد تهاجم انقلابی یکی از واحدهای عملیاتی مجاهدین قرار گرفت. او پس از دریافت حکم مجازات انقلابی خویش، وحشتزده اقدام به فرار کرد، اما در نزدیکی ساختمان پایگاه مقاومت مجاهدین هدف رگبار گلوله های آتشین رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفت و به هلاکت رسید.

همچنین واحد "رشید ۱۷" متعلق به کمیته ی مستقر در کلانتری یوسف آباد که فرماندهی و هماهنگی واحدهای کمیته چپی و پاسداران مزدور سپاه را در تهاجم وحشیانه بر علیه مجاهدین بعهده داشت، روز ۹ فروردین همانسال هدف رگبار سلاح های آتشین رزمندگان مجاهد خلق قرار گرفت و اعضای مزدور واحد به سزای جنایات خود رسیدند. اینک ضمن گرامی داشت یاد و خاطره ی شهیدان حماسه آفرین اول/فروردین/۶۱ به فرازهای کوتاهی از زندگی انقلابی برخی از آنان اشاره می کنیم:



مجاهد شهید

جلیل سوادینژاد

مجاهد شهید جلیل سوادینژاد از زندانیان سیاسی رژیم شاه خائن بود که همراه با آخرین دسته از زندانیان، شب ۳۰ دیماه سال ۵۷ بدست توانای مردم از زندان آزاد شد. جلیل طی دوران تحصیل در دانشگاه صنعتی شریف، فعالیت های مبارزاتی خود را با همکاری با گروه کوچکی از دانشجویان هوادار سازمان از جمله مجاهد شهید محمود پهلوان آغاز کرد. این گروه از جمله گروههایی بود که پس از آغاز جنبش مسلحانه و

بویژه در رابطه با تاثیرات حرکت سازمان مجاهدین خلق، با اعتقاد به مشی انقلابی مسلحانه و در جهت پیوستن به سازمان های پیشین تشکیل شده بود. جلیل و دیگر یارانش علاوه بر تکثیر و پخش اعلامیه ها، جزوات و کتب سازمان و تلاش در جهت اشاعه ی فرهنگ انقلابی مجاهدین، درصدد انجام عملیات مسلحانه نیز برآمدند، ولی بدلیل عدم برخورداری از تجارب کافی و شدت خفقان پلیسی در سال ۵۳ دستگیر شدند.

دوران بازجویی جلیل که همراه با شکنجه های سخت و طولانی بود، اولین آزمایش سختی بود که او در اولین سال های فعالیت انقلابی خود، پیروزمندانه پشت سر گذاشت. پس از آن، در بیدادگاه نظامی شاه خائن به ۱۵ سال زندان محکوم شد و طی دوران ۴ سال اسارت توانست در ارتباط با تشکیلات مجاهدین، از آموزش های سازمانی بهره گیرد. جلیل بلافاصله پس از آزادی از زندان به آبادان رفت و در روزهای قیام، فعالانه در جریان تسخیر ساواک و دیگر مراکز مهم و استراتژیک رژیم شاه خائن شرکت داشت. با پیروزی قیام، او و دیگر یارانش در اواسط فروردین ۵۸، جنبش ملی مجاهدین در شهر آبادان را پایه ریزی کردند و جلیل مسئولیت هایی در قسمت روابط و تبلیغات بعهده گرفت. چندی بعد به تهران آمد و در قسمت چاپ و توزیع نشریه ی مجاهد شروع به کار کرد.

همزمان با اولین دور انتخابات مجلس شورا در اسفند ۵۸، جلیل بعنوان یکی از کاندیداهای سازمان از شهر آبادان معرفی شد و در جریان رای گیری نیز با وجود تقلبات فراوان عناصر ارتجاعی، آراء زیادی بدست آورد.

در اواخر سال ۵۸، مجاهد شهید جلیل سوادینژاد با خواهر مجاهد معصومه میرمحمد در تهران ازدواج کرد و در تیرماه ۵۹ همراه همسرش مجدداً به خوزستان بازگشت و در شهر اهواز مشغول فعالیت شد. آنها تا پایان آذر همانسال در شهر اهواز بودند. طی این مدت پس بقیه در صفحه ی ۲۶

پاسخ دندان شکن مردم به انتخابات فرمایشی رژیم...

بقیه از صفحه ۶

نفر بودند که اغلب هم پیرمرد و پیرزن بودند و به اهالی روستا بیشتر شباهت داشتند. در یکی از حوزه‌ها تعدادی سرباز را هم فرستاده بودند رای بدهند. در حوزه‌هایی که دیدم، در هر کدام حدود ۱۲ پاسدار به چشم می‌خورد...

لنگرود

"... امروز (۱۷/۲۶) کلیه‌ی حوزه‌های رای‌گیری لنگرود خلوت و خالی بود. مردم بی‌تفاوت به نمایشات انتخاباتی رژیم بکار عادی خودشان مشغول بودند. عصر امروز درگیری‌هایی بین دو جناح یعنی طرفداران دو کاندیدای منقور رژیم، خاوری و جعفری در مسجد جامع و مسجد امینی لنگرود در گرفت. موضوع از این‌قرار بود که یک روستائی را که برای رای‌دادن به لنگرود کشانده بودند و سواد نداشت می‌خواست به خاوری رای بدهد، مسئول صندوق روی ورقه‌اش نوشت جعفری، که جاسوسان خاوری فهمیدند و کار به چاقوکشی سر صندوق کشیده شد. خبر به رشت رسید، احسان‌بخش آمد و تا مدتی برایشان سخنرانی و نصیحت کرد و سعی کرد دعوای‌کننده‌ها را متفرق کند. عده‌ای از ایادی رژیم به احسان‌بخش شکایت کرده‌اند که سپاه در انتخابات دخالت کرده و تقلب نموده است. بخاطر همین مسئله، دستور دادند چندین حوزه انتخاباتش تمدید شود تا سر جناح دیگر بی‌کلاه نماند. احسان‌بخش که دید سرش شلوغ است، گفت شکایت‌ها را بنویسید دفتر من و خودش سریع برگشت رشت. مردم آشکارا طرفداران این دو کاندیدا را مسخره کرده و می‌گفتند، کسی که با انتخابات شما کاری ندارد، خودتان اقلاً یکدیگر را تحمل کنید..."

خرم‌آباد

"... این دفعه خیلی فلاکت‌زده‌تر از انتخابات قبلی است، نمیدانم اگر ترس از کوبن و... نبود شاید این چند نفر هم رای نمیدادند، تمام شهر را گشمام هرچه عکس کاندیداهای رژیم هست بروبچه‌های خودمان و مردم پاره کرده‌اند. شعارهای زیادی از قبیل: مزدور خائن... نماینده‌ی ضد خلقی...

روی دیوارها نوشته شده. فقط خیابان شهدا که پاتوق فالانژها است عکس‌هایش تا حدودی سالم مانده. یک مغازه‌دار گفت: "والله حزب‌اللهی‌ها می‌آورند عکس‌ها را بزور بد شبته‌ی مغازه‌ی ما می‌چسباندند و می‌گویند اگر یاره شود تقصیر شماست و مغازه‌ات را داغان می‌کنیم." خلاصه با این وضعیت کسی برای رای دادن نرفته است..."

کرمانشاه

"... امروز کارم را گذاشتم تو گشت و گذار توی حوزه‌ها، همه‌شان بطور چشمگیر خلوت بودند، بعضی جاها تک‌ونوک برای رای‌دادن می‌آمدند..."

اصفهان

"... به چند حوزه در سطح اصفهان سر زدم خلوت بود و تعداد خیلی کمی برای رای‌دادن آمده بودند، بخصوص حوزه‌ی انتخاباتی خیابان "مسجدسید" که بیشتر کنترل کردم خلوت خلوت بود..."

همدان

"... از ۸۳ حوزه‌ی انتخابی همدان، حدود ۴۵ حوزه رای‌زیدم کردم و به اغلب نقاط شهر رفتم تا گزارش تهیه کنم. به حوزه‌های خیابان طالقانی، جهان‌نما، شهدا، اکباتان، باباطاهر و... سر زدم. چه بگویم که افتتاح، افتتاح بود. اوضاع‌عشان خیلی گساده‌است. تا حال چنین چیزی را ندیده بودم. آدم باورش نمی‌شود رژیم به چنین روزی افتاده باشد. در شلوغ‌ترین ساعات روز یعنی ۳ و ۹ تا ۱۰ صبح، بعضی جاها ۳ الی ۴ نفر دور صندوق‌ها ایستاده بودند. مامورین حوزه‌ها تنها کاری که می‌کردند، صحبت با یکدیگر و تسبیح‌انداختن بود. روی هر صندوق هم حدود ۴ و گاهی ۵ نفر مزدور گذاشته بودند تا صندوق‌ها را مراقبت کنند..."

خوی

"... به دو حوزه‌ی رای‌گیری سرزدم. یکی حوزه‌ی رای‌گیری مسجد شاه و دیگری محله‌ی مجبورآباد. اکثر افرادی که سر صندوق‌ها نشسته بودند بی‌کار بودند و مراجعه‌کننده خیلی کم بود. گهگاهی هم یکی می‌آمد رای می‌داد که اغلب معلوم بود مال خانواده‌ی وابستگان خود رژیم بودند. پاسداران مسلح صندوق‌ها را حفاظت می‌کردند..."

لاهیجان

"... من خودم فقط حوزه‌ی "کاروانسرای" را زیر نظر داشتم، هیچکس نمی‌آمد فقط مسئولین صندوق آنجا بودند. بروبچه‌ها تمام شهر را گشته بودند بجز ایادی رژیم و وابستگانشان، کسی برای رای‌دادن نمی‌آمد، واقعا تعجب‌آور بود..."

رامسر

"... دو سدفری سوار شدیم با محلل دیدن اقوام، راه‌افنا دیم. توی رامسر کاملاً حوزه‌ها خلوت بود. در حوزه‌ی "آخوند محله" هیچکس را پای صندوق ندیدم بجز مامورین صندوق. بازار هم خلوت بود و حتی پاسدار محافظ نیز حضور نداشت. بدنیت بگویم یکی از کاندیداهای شهر بنام ذبیحی آدم خلی است و همه‌اورا به خل بودن می‌شناسند. کلمات قشارش موقع تبلیغات ورد زبان همه است. توی آخرین سخنرانی‌اش گفته: "سلام بر کارمندان که عیدی نگرفته‌اند! مردم به مسخره می‌گویند همه می‌خواهیم به او رای بدهیم! از این موضوع که بگذریم هرکس را که می‌بینی بطور صریح و جدی می‌گویند اصلاً رای نخواهد داد. پس از رامسر سری هم به چابکسر و کلاچای زدیم. حوزه‌های این دو منطقه هم خلوت خلوت بود. در رودسر، وضعیت شهر برابرم کاملاً عجیب بود. بهتر است بگویم در شهر پرند پرنه‌ی زد. حوزه‌های مسجد، سرپل، شهرداری و مدرسه را که از نزدیک دیدم فقط یکی دو نفر ایستاده بودند. هیچکس در حوزه‌ها نیست مگر خودشان..."

اراک

"... در خیابان ملک ساعت ۸ صبح ۳۰ الی ۴۰ نفر بودند، اما ساعت ۱۱ صبح در همین حوزه هیچکس نبود. در شهر صنعتی به ۲ تا ۳ صندوق سر زدم که هیچکس در آنها برای رای‌دادن نیامده بود..."

رودسر

"... من خودم حوزه‌ی مسجد "حیدر" را زیر کنترل داشتم، حوزه از ساعت ۷ صبح باز شد. خیلی خلوت بود و فقط چند تا فالانژ رفت‌وآمد می‌کردند. من خودم از خلوتی شهر خیلی تعجب می‌کردم. اغلب مردم عمدا رفتند به مسافرت. از چندین نفر پرس‌وجو کردم که می‌گفتند برای ندادن رای امروز می‌خواهند بزنند بیرون..."

دیدار آقای اکرم حورانی با

برادر مجاهد مسعود رجوی

شورای ملی مقاومت و مجاهدین در ایران بشود.

بقیه از صفحه آخر

معروف بودند و پیشوای مبارزات ضد استعماری ایران دکتر مصدق را الهام‌بخش همدی ملل منطقه و دنیای تحت‌ستم می‌دانستند. پس از برهم خوردن اتحاد مصر و سوریه در سال ۶۱ و استقرار حکومت جدید در این کشور (سوریه)، اکرم حورانی در فاصله‌ی سال‌های ۶۵ - ۱۹۶۴ زندانی شد و از آن پس تا امروز در لبنان، قبرس، عراق و فرانسه به حالت تبعید بسر برده‌است.

آقای حورانی در دیدار با برادر مجاهد مسعود رجوی، ابتدا از مقاومت شگفت‌انگیز مجاهدین خلق ایران برای دمکراسی و صلح و استقلال، تجلیل نمود و این مقاومت را امتداد طبیعی و تاریخی مبارزات دکتر مصدق بزرگ توصیف نمود. وی افزود از اواخر دهه‌ی ۶۰ (۱۹۶۰) به بعد، ما پیوسته در آرزوی سقوط شاه و جانشینی نیروهای دمکراتیک ایران و نزدیکی خلق‌هایمان بوده‌ایم. وقتی که در سال ۱۹۷۹ رژیم شاه سقوط کرد، ما آنرا ضربه‌ی بسیار کوبنده‌ای بر علیه سلطه‌ی صهیونیسم و امپریالیسم ارزیابی کردیم. اما متأسفانه اوضاع برگشت، دمکراسی رخت بریست و در اثر جنگ ایران و عراق، کشتار برادران ایرانی و عرب همچنان بی‌وقفه ادامه دارد. البته ما امیدواریم که در اثر تلاش‌های شما و با همکاری همه‌ی نیروهای دمکراتیک منطقه، زخم‌ها و آثار این کشتار و جنگ، التیام یابد. جنگ ایران و عراق به فوریت بایستی خاتمه یابد، زیرا به اعتقاد ما ادامه‌ی جنگ دقیقاً در خدمت منافع صهیونیسم و امپریالیسم می‌باشد. اگر این جنگ مهار نشود، ممکن است به یک نوع بالکانیزاسیون مذهبی منطقه بیانجامد...

اما باید برای صلح کوشید و کاری کرد که پیروزی از آن نیروهای دمکراتیک در کل منطقه و منجمله

قم

"... بجز ایادی و وابستگان رژیم، کمتر کسی از اهالی قم به پای صندوق‌های رای رفته است. اطراف اغلب صندوق‌ها خلوت است. در قم هنوز اختلاف و درگیری و گلاویز شدن بین دارودسته‌ی خلخال و آخوندهای حوزه‌ی

مستول شورای ملی مقاومت همچنین افزود برای مردم و مقاومت ایران جای خوشبختی و شکر است که یک رهبر و شخصیت برجسته‌ی عربی و مبارز پرباقه و محبوب سوری که در تمام زندگی سیاسی خود، دمکرات و مقاوم باقی مانده است، تنفر وجدان آگاه سوری را از دیکتاتوری خون‌آشام خمینی بیان داشته و با مبارزات و مقاومت ایران برای صلح و آزادی اعلام همبستگی می‌کند.

علمیه پایان نگرفته و افشاگری-هایشان بر علیه یکدیگر که از چند روز پیش شروع شده، هنوز ادامه دارد. حوزه‌های‌ها از اینکه کسی پای صندوق‌های رای نرفته وحشت‌برشان داشته است. تا حدود ساعت ۱۱ و ۳۰ که به چند خیابان سر زدم اغلب صندوق‌ها سرشان خلوت بود..."

انعکاس جهانی فعالیت هسته‌های مقاومت و پخش پیام مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم "انتخابات" در سراسر کشور

از صفحه ۵

روزنامه ایل مساجرو (ایتالیا)

۱۵/ آوریل / ۱۹۸۴

Il Messaggero
di Roma

... و مجاهدین تحریم را سازمان می دهند

مجاهدین خلق از چند روز قبل عملیات تحریم انتخابات را شروع کردند. در آخر ماه فوریه گذشته در پاریس، مسعود رجوی برای نشان دادن یک مقاومت فعال بر علیه سیاست خمینی که "یک خلق را شکنجه و کشتار می کند، صدها هزار نفر را به جنگ می فرستد و بعد از قربانیان خود می خواهد تا برای تضمین حاکمیت غیر مشروعش به پای صندوق های رأی بروند" این موضوع را در دستور کار قرار داده بود.

از ۴ روز پیش در شهرهای بزرگ ایران یک رشته عملیات وسیع تحریم ادامه دارد.

روزنامه آوانتی (ایتالیا)

۱۵/ آوریل / ۱۹۸۴

Avanti!

تبلیغات مخفی مجاهدین برای بایکوت کردن انتخابات

اقدامات امنیتی شدیدی در سراسر کشور اعمال شده است؛ برای پیشگیری از سوء قصد های احتمالی بمدت ۲۴ ساعت هرگونه تردد موتورسیکلت ممنوع شده است و توقف اتومبیل ها نیز در نزدیکی صندوق های رأی گیری منع شده است.

رادیو B.B.C

سرویس جهانی
(بزبان انگلیسی)

مجاهدین در تهران و شهرهای دیگر به فعالیت پرداخته و اعلامیه پخش کرده و پوستر چسبانده اند و درخواست (تحریم انتخابات) را از جانب رهبر تبعیدی خود آقای رجوی مطرح کرده اند. تحریم انتخابات ... ولی میتواند در چشم ایرانیان موقعیت آینده ای آنها که زل مهمی در آینده ای ایران بازی میکند، مشخص کند.

روزنامه ی اونیتا (ایتالیا)

۱۵/ آوریل / ۱۹۸۴

l'Unità

تحریم انتخابات در ایران

رم - مجاهدین خلق ایران، جنبش اپوزیسیون علیه خمینی، در این ایام اقدام به انجام تبلیغاتی برای تحریم انتخابات پارلمانی که در ۱۵ آوریل آینده برگزار می گردد، نموده است. ... اعلامیه ی تحریم انتخابات، روز ۲۱ ژانویه ی گذشته از طرف رجوی، مسئول شورای ملی مقاومت، صادر شد.

روزنامه ایل مانیفستو (ایتالیا)

۱۵/ آوریل / ۱۹۸۴

il manifesto

ایران - انتخابات دوره جدید مجلس

امروز انتخابات: فقط امکان بله گفتن به خمینی هست

... گروه های اپوزیسیون بایکوت انتخابات را در دستور کار قرار داده اند، بویژه مجاهدین خلق: اعلامیه های شان از "همدستی پارلمان در جنایات اعمال شده بر علیه مردم ایران" صحبت می کنند، این اعلامیه ها

روزنامه

ایل مانیفستو (ایتالیا)

۱۴/ آوریل / ۱۹۸۴

il manifesto

ایران

نخست وزیر ایران حسین موسوی اقرار کرد که چند تن از مجاهدین خلق هنگام عملیات تبلیغی برای تحریم انتخابات فردا که برای پارلمان جدید صورت می گیرد، دستگیر شده اند. همچنین اعلامیه هایی (در رابطه با تحریم انتخابات) در تهران و سایر شهرها پخش شده است.

رادیو B.B.C (بخش شامگاهی)

۲۶/ فروردین / ۱۳۶۳

در ایران شرکت کنندگان در انتخابات دور دوم مجلس بمنظور انتخاب ۲۷۰ نفر نماینده ی مجلس، آراء خود را به صندوق های رأی ریختند. اقدامات شدید امنیتی بمنظور جلوگیری از آنچه که دولت اغتشاش عناصر ضدانقلاب خوانده بمرحله ای اجرا درآمده است. در تهران از عبور و مرور موتورسیکلت در خیابانها

جام جهان نما

از گزارش های رسیده از ایران چنین برمی آید که رای گیری در محیطی آکنده از احتیاطات شدید امنیتی انجام شد. تردد موتورسیکلت ها در خیابان های تهران ممنوع بود. دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس مدعی است که در تهران، تبریز، کرمانشاه، اصفهان، اهواز، خوی و رودسر حوزه های انتخاباتی اخذ رای به شدت خلوت بوده است. سازمان مجاهدین بعلاوه مدعی است که در مراکز اخذ رای در مرکز تهران تعداد صندوق های رای کمتر از همان تعداد در انتخابات چهار سال پیش بوده است.

رادیو B.B.C (برنامه ی جام جهان نما)

۲۱/ فروردین / ۱۳۶۳

سازمان مجاهدین خلق ایران، مبارزه ی هماهنگ تری را بمنظور تحریم انتخابات آغاز کرده است. در بیانیه ای که دیروز از طرف دفتر مجاهدین در پاریس انتشار یافت، آمده بود که مجاهدین، دست به مبارزه ی تبلیغاتی وسیعی زده اند و خواستار تحریم کامل انتخابات گشته اند. بیانیه ی مجاهدین حاکی از آن بود که مجاهدین، نسخه های پیام مسعود رجوی مبنی بر تحریم انتخابات را در اغلب نقاط تهران و مراکز استانها و شهرها پخش و توزیع کرده اند.

رادیو "صدای آمریکا"

* ۲۴/ فروردین / ۶۳

سازمان مجاهدین خلق از مردم ایران خواسته است که انتخابات را تحریم کنند. به گزارش دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس، آن سازمان به نشانه ی توجه و تاکید بر تحریم انتخابات فردا، دهها هزار اعلامیه و اطلاعیه در شهرهای

* بخش صبحگاهی - ۲۵/ فروردین / ۶۳

در پاریس سازمان مجاهدین خلق ایران اعلام داشته است با انفجار بمب های کوچکی که اعلامیه در خیابان ها پخش می کند، از مردم ایران خواسته است تا انتخابات مجلس شورای اسلامی را تحریم کنند. به گفته ی

سخنگوی مجاهدین خلق طی هفته ی جاری، ۳۰ بمب کوچک در تهران و شهرهای دیگر ایران منفجر شده است. مسعود رجوی رهبر مجاهدین خلق می گوید انتخابات مجلس شورای اسلامی ایران سیستم انتخابات ...

انعکاس جهانی فعالیت هسته‌های مقاومت و پخش پیام مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم "انتخابات" در سراسر کشور

مصاحبه با نمایندگان AFP در استکهلم

۱۵/۴ آوریل / ۱۹۸۴

تشدید فعالیت اپوزیسیون در ایران

استکهلم ۱۲ آوریل - سازمان اسلامی مخالف رژیم آیت‌الله خمینی مجاهدین خلق چندین بمب غیر کشنده را در روزهای اخیر جهت نشان دادن مخالفتشان در رابطه با انتخابات مجلس که روزیکشنبه برگزار می‌شود در شهرهای مختلف ایران منفجر نموده‌اند. این مطلب روز پنجشنبه از یکی از نزدیکان نمایندگان سازمان در استکهلم کشف شد. براساس این منبع مجاهدین خلق چندین بمب غیر کشنده را در تهران، ۲ عدد در کرمان، ۲ عدد در تبریز و ۱ عدد را در

اراک منفجر نمودند. مجاهدین خلق جهت تحریم انتخابات پارلمان (مجلس) فراخوان داده‌اند و براساس گفته‌ی نماینده‌شان در سوئد در روزهای اخیر آکسیون‌هایی را در تقریباً تمام شهرهای ایران با مضمون پاره کردن آفیش‌های انتخابات و یا پخش شعارهای ضدخمینی سازمان داده‌اند. و بالاخره براساس همین منبع بیانیه‌ای که نخست‌وزیر ایران آقای موسوی مبنی بر دستگیری تعداد زیادی از مجاهدین در ایام اخیر صادر نموده است، غیر واقعی است.

روزنامه سونسکا داگ بلا دت (سوئد)

۱۵/۴ آوریل / ۱۹۸۴

"مانهات کوشش خود را انجام خواهیم داد تا مردم انتخابات را بایکوت نمایند"

این را نمایندگانی از جنبش چپ اسلامی مجاهدین در استکهلم می‌گویند

نمایندگانی از جنبش چپ اسلامی مجاهدین در استکهلم به این اعتبار که هوادارانشان در داخل ایران در اتنای چند هفته‌ی گذشته از طریق انتشار موفقیت‌آمیز مقادیر زیادی اعلامیه، چسباندن آفیش در مراکز شهرها و شعارنویسی بر دیوارها انجام داده‌اند می‌گویند ما باید اذعان را در ایران متوجه سازیم و نشان دهیم که مبارزه را بر علیه رژیم خمینی ادامه می‌دهیم. آنها حتی در چندین نقطه اقدام به چسباندن عکس رهبرشان مسعود رجوی نموده‌اند. تقریباً ۱۵۰۰ نامزد انتخاباتی بعد از کنترل‌های دقیق از طرف ارگان‌های مذهبی مورد قبول قرار گرفته‌اند. این بدان معناست که ۲۷۰ کرسی انتخاباتی در پارلمان از طرف هواداران خمینی و بنیادگرایان وابسته به وی اشغال می‌شود.

تروریسم (خمینی) ادامه می‌یابد

سخنگوی مجاهدین می‌گوید: انتخابات برای این بوجود آمده که جامعه‌ی ایران را بطور کامل خفه کرده و این بدین خاطر است که خمینی

روزنامه

استکهلم تید نینگن

(سوئد)

۱۵/۴ آوریل / ۱۹۸۴

به نقل از AFP

... در آستانه‌ی برگزاری انتخابات روز یکشنبه همچنین دولت در تبعیدی که رهبر مجاهدین مسعود رجوی در پاریس آنرا بنا نهاده طی پیامی به ۳۵ میلیون مردم ایران، خواهان تحریم انتخابات شده است. مجاهدین تهدید کرده‌اند که عملیات خونت‌آمیزی را در مبارزات انتخاباتی که از چند هفته‌ی قبل آغاز شده به مرحله‌ی اجرا خواهند گذاشت...

پاسداران که به سلاح‌های سنگین مجهز بودند، قبلاً موسسات رسمی و مقامات بلندپایه را محافظت می‌کردند و تعدادشان کم شده بود، اما بعد از اینکه مبارزه‌ی انتخاباتی آغاز گشت، دوباره پاسداران در خیابان‌ها به گشت‌زنی پرداختند و محل‌های کمیته‌ها دوباره تحت محافظت قرار داده شد...

* * *

نیویورک تریبیون (آمریکا)

بمبهای دشمنان خمینی**به تحریم رأی‌گیری دعوت می‌کند**

پاریس - ۲۳ آوریل - رویترز گروه اپوزیسیون ایرانی مجاهدین خلق امروز گفت که از "بمبهای تبلیغاتی" به منظور پراکنده و پخش کردن اعلامیه‌هایی که به تحریم انتخابات مجلس ایران در روز یکشنبه دعوت می‌کند، استفاده می‌کند. این گروه، در یک بیانیه گفت که بیش از ۳۰ عدد از این بمبها در تهران و دیگر شهرهای ایران در طول این هفته منفجر شده‌اند و اعلامیه‌ها را در خیابانها پراکنده کرده‌اند. این گروه دقیقاً توضیح نداده که از چه وسیله‌ای در این

زمینه استفاده شد. در تهران کمبود وسایط نقلیه‌ی عمومی بوجود آمده چون بسیاری از اتوبوسها پس از اینکه مجاهدین در داخل آنها شعارهای ضدانتخاباتی نوشته‌اند از سرویس بیرون کشیده شده‌اند تا پاک شده و دوباره رنگ بشوند. دولت آیت‌الله روح‌الله خمینی گشتیهای بیشتری در خیابانها به منظور پاک کردن دیوارها و گذرگاهها از شعارها بکار گماشته شده و هر نوع پارک کردن اتومبیل در شعاع ۲۰۰ یاردی هر محل رأی‌گیری در روز انتخابات را منع کرده است.

روزنامه‌ی لس‌آنجلس تایمز (آمریکا) ۱۱/۴ آوریل / ۱۹۸۴

گروه اصلی زیرزمینی ایران اعلام داشت که علیه انتخابات عمومی که قرار است روز یکشنبه در ایران صورت گیرد، نیروهای خود را بسیج کرده است. این امر منجر به درگیری بین مقامات رسمی و نیروهای مقاومت گردیده است. مجاهدین مستقر در پاریس، یک سازمان سوسیالیست اسلامی، طی اطلاعیه‌ای اظهار داشت که هواداران این سازمان در ایران، شهروندان را ترغیب به تحریم انتخابات می‌کنند.

* * *



روزنامه لا پرس (کانادا)

LA PRESSE, MONTRÉAL

ایران: رأی‌گیری می‌بایست اولویت روحانیت را تاکید کند

در پاریس، اپوزیسیون تبعیدی که بوسیله‌ی شورای ملی مقاومت تجسم می‌یابد و مجاهدین خلق (به رهبری) مسعود رجوی، بر آن تسلط دارند، رأی‌گیری را شبه جریان انتخاباتی دموکراتیک ارزیابی کردند. اپوزیسیون اعلام کرد که در تهران و در دیگر شهرها از "بمبهای تبلیغاتی" برای پخش اعلامیه‌ها استفاده نموده تا ایرانیان را به بایکوت انتخابات فرا خوانند. اپوزیسیون اضافه می‌کند که رژیم گشتیهای شبانه‌ی را برای از بین بردن تمام شعارهای ضدانتخاباتی

تقویت نموده و همچنین (تعدادی از) مخالفین در اصفهان دستگیر شده‌اند. لیست کامل آنان هرگز انتشار نیافته است. هر فعالیت انتخاباتی در رادیو و تلویزیون ممنوع است. آرایش (نیروهای) امنیتی بطور قابل ملاحظه‌ای در این فرصت مستحکم شده است. تهران مجدداً بوسیله‌ی گشتیهای موتوری پاسداران انقلاب اشغال شده است. مخبرین در محل نوعی عصبی بودن را بعد از یکسال نسبتاً آرام متوجه شده‌اند.

* * *

روزنامه:

گلوب اند میل (کانادا)

۱۵/۴ آوریل / ۱۹۸۴

چریکهای ایرانی رأی دادن را بایکوت می‌کنند

پاریس - گروه اپوزیسیون ایرانی مجاهدین خلق دیروز اعلام کرد یک سری اقداماتی در ایران بر علیه انتخابات عمومی که هفته‌ی آینده برگزار می‌شود، به اجرا در آورده است. در یک اطلاعیه، این گروه مستقر در پاریس گفت: یک پاسدار در درگیری‌های تهران با مجاهدین که برای جلوگیری از رأی دادن مردم در ۱۵ آوریل مبارزه می‌کنند، کشته و ۲ تن دیگر زخمی شدند. مسعود رجوی رهبر گروه که از سال ۱۹۸۱ در پاریس در تبعید بسر می‌برد، این انتخابات را ... تحریم کرده است.

گرامی باد خاطره تابناک شهدای مجاهد خلق

بقیه/صفحه ۲۳

از شروع جنگ ایران و عراق و دستگیری تعداد زیادی از هواداران سازمان در شهرهای جنوبی کشور که مشغول دفاع از میهن و مردم ستمدیده در مقابل نیروهای مهاجم عراق بودند، معصومه نیز همراه ۳۰ خواهر دیگر دستگیر شد و مدت یک ماه در زندان کارون در اسارت بسر برد.

در اوایل زمستان ۵۹ جلیل به نهران بازگشت و مجدداً در قسمت چاپ و توزیع نشریه مشغول کار شد.

شادابی، جابکی، روحیهی قوی در برخورد با مشکلات و صبر و منانت در عین شور و تحرک انقلابی، از جمله ویژگی‌های برجستهی جلیل بود که در تمامی مراحل فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی در او بخوبی به چشم می‌خورد. او چند ماه قبل از شهادتش طی تهاجم وحشیانه‌ی پاسداران به یکی از پایگاههای مقاومت مجاهدین، به همراه همسرش پس از جنگ و گریز با پاسداران ظلمت خمینی توانست سلامت از منطقه خارج شود. بدنبال این جریان مدتی ارتباط او با همزمانش قطع شد، ولی با تلاش و کوشش بی‌وقفه، موفق به برقراری ارتباط مجدد با سازمان شد و به نبرد و مبارزه‌ی خود در کنار یاران مجاهدش ادامه داد.

در جریان مقاومت خونین اول فروردین نیز، مجاهد شهید جلیل سوادینژاد رشادت و جسارت بالایی از خود نشان داد و تعدادی از مزدوران دشمن را بهلاکت رساند و سرانجام پس از سال‌ها فعالیت انقلابی در جهت تحقق آرمان‌های والای توحیدی و در مسیر رهایی خلق، قهرمانانه شهادت رسید.

یادش گرامی باد

مجاهد شهید

مرتضی سیاحی

مجاهد شهید مرتضی سیاحی از جمله دانش‌آموزان پرشور و مبارزی بود که بطور فعال در جریان حرکت‌های مردمی برعلیه رژیم شاه خائن شرکت می‌جست و در همان زمان از طریق مطالعه‌ی کتاب‌ها و دفاعیات

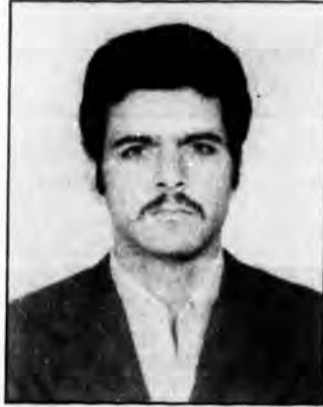
مربوط به سازمان، با اهداف و آرمان‌های مجاهدین آشنا شده بود. او از اولین دانش‌آموزانی بود که بلافاصله پس از تشکیل جنبش ملی مجاهدین درصدد برقراری ارتباط با سازمان برآمد و به همراه دیگر دوستان مبارزش در دبیرستان خوارزمی، هسته‌ی فعالی از دانش‌آموزان هوادار سازمان را در آن مدرسه تشکیل داد.

مرتضی در تابستان ۵۸ در اردوی دانش‌آموزی سازمان شرکت کرد و در آنجا توانائی‌ها و شایستگی‌های بسیاری از خود نشان داد. با شروع سال تحصیلی ۵۸ و تشکیل انجمن دانش‌آموزان مسلمان در دبیرستان خوارزمی، فعالیت‌های مرتضی و دوستانش سازمان یافتگی بیشتری پیدا نمود. از آن پس او در کلیه‌ی فعالیت‌های ملیشای مجاهد خلق، از جمله فروش نشریه و بردن پیام مجاهدین به میان توده‌ها، شرکت در مراسم و راهپیمائی‌های سازمان، حفاظت از ستادها و مراکز فعالیت مجاهدین در برابر حملات وحشیانه‌ی جم‌اقداران و مزدوران ارتجاع و... شرکت داشت و در جریان این فعالیت‌های مستمر انقلابی، گام به گام به کسب صلاحیت‌ها و توانمندی‌های بیشتر و بالاتری نائل می‌آمد. پس از تشکیل اتحادیه‌ی انجمن‌های دانش‌آموزان مسلمان، مرتضی به عضویت "کانون تشکیلاتی" درآمد و در عید ۶۰ به نهاد دانش‌آموزی شاخه‌ی تدارکات منتقل شد.

پس از ۳۰/۳۰ خرداد/۶۰ و آغاز مقاومت انقلابی سراسری خلق به پیشتازی فرزندان مجاهدش در برابر رژیم ضدبشری خمینی جلاد، مرتضی نیز مرحله‌ی نوین فعالیت‌های خود را آغاز کرد. او ابتدائاً مسئولیت چند واحد عملیاتی از ملیشای دانش‌آموزی را بعهده داشت و سپس به شاخه‌ی نظامی منطقه‌ی شرق تهران منتقل شد.

مجاهد شهید مرتضی سیاحی سرانجام در جریان حماسه‌ی مقاومت اول/فروردین/۶۱ پس از چندین ساعت نبرد با مزدوران خمینی بشهادت رسید و با شهادت قهرمانانه‌ی خود صحنه‌ای دیگر از جانبازی، فداکاری، مقاومت و تسلیم - ناپذیری نسل انقلابی مجاهد خلق را ترسیم نمود. یادش گرامی باد

مجاهد شهید احمد نیک‌اندیش



مجاهد شهید احمد نیک‌اندیش طی دوران دبیرستان و از طریق یکی از اقوام نزدیکش که در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق ایران بود، با سازمان و اهداف و آرمان‌های توحیدی آن آشنا شد. او پس از ورود به دانشگاه تربیت معلم در سال ۵۲، با شرکت در فعالیت‌های صنفی - سیاسی دانشجویی، نخستین فعالیت‌های سیاسی خود را در کنار دیگر دانشجویان هوادار سازمان آغاز کرد. احمد ضمن تلاش برای برقراری ارتباط با مجاهدین خلق، به تکثیر و توزیع زندگینامه‌ها و دفاعیات مجاهدین شهید می‌پرداخت و به سهم خود در ترویج نظرات انقلابی مجاهدین می‌کوشید. در ادامه‌ی همین تلاش‌ها بود که توانست با مجاهد شهید محمدعلی

مهدوی (که دانشجوی همان دانشگاه بود) ارتباط برقرار کند و از این طریق فعالیت‌های انقلابی خود را هرچه بیشتر با خطوط سازمان هماهنگ سازد.

مجاهد شهید احمد نیک‌اندیش در سال ۵۴ با مجاهد شهید گیتی صادق ازدواج کرد. در شرایطی که ضربه‌ی خیانت‌بار اپورتونیستی چپ‌نما بر پیکر سازمان وارد شده بود، این زوج انقلابی، همچنان صمیمانه به اهداف و آرمان‌های مجاهدین عشق می‌ورزیدند و برای برقراری ارتباط با مجاهدین تلاش می‌کردند و از جمله موفق شدند ارتباط خود را با مجاهد شهید محمدعلی مهدوی - که در آن زمان مخفی شده بود - حفظ کنند، اما پس از شهادت محمدعلی در سال ۵۶ ارتباط آنها نیز قطع شد.

با اوجگیری قیام خلق و گشوده شدن زندان‌های شاه به دست مردم، مجاهد شهید احمد نیک‌اندیش مشتاقانه به دیدار مجاهدین از بند رسته شتافت و مجدداً موفق به برقراری ارتباط با سازمان شد. از آن پس او و همسر مجاهدش گیتی با عشق و شور فراوان بطور حرفه‌ای فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کردند و به انجام مسئولیت‌ها و وظایف انقلابی خود پرداختند. از جمله اقدامات و فعالیت‌های احمد می‌توان به نقش او در پایه‌ریزی انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه تربیت معلم،

همچنین به کارآئی ویژه‌ی او در قسمت "تبلیغات" انجمن بدلیل مهارتش در طراحی و خطاطی اشاره نمود.

از سال ۵۹ به بعد احمد برتیب در قسمت "انتظامات" و نهاد "محللات" شروع به کار کرد و پس از ۳۰/۳۰ خرداد/۶۰ نیز مسئولیت سازماندهی بخشی از هواداران سازمان در محللات جنوب شهر تهران برعهده‌ی او قرار داشت. نواضع انقلابی، صمیمیت و مهربانی و احساس مسئولیت در قبال کارها از بارزترین ویژگی‌های او بود. شهادت همسرش مجاهد شهید گیتی صادق در پائیز ۶۰ او را که از عواطف عمیقی برخوردار بود، بسیار متأثر ساخت. "راخله" - فرزند گیتی و احمد - نیز که این اندوه پدر را درک کرده بود، همیشه در پایگاه به "خاله"ها و "عمو"هایش توصیه می‌کرد: "ترا به خدا هیچوقت پیش بابا اسم مامانم را نیاورید، او خیلی ناراحت میشه، چون مامانم را پاسدارها کشته‌اند..."

احمد در جریان حماسه‌ی خونین اول/فروردین/۶۱ با فداکاری، از خود گذشتگی، قاطعیت و جسارت انقلابی و سرانجام شهادت قهرمانانه‌اش، یکی از درخشان‌ترین صفحات زندگی انقلابی خود را رقم زد و جان بر سر عهد و پیمان خونینش با خدا و خلق باخت.

یادش گرامی باد

انعکاس جهانی فعالیت‌های مقاومت و بخش‌یام مسئول شورای ملی مقاومت در رابطه با تحریم انتخابات در سراسر کشور

از صفحه‌ی قبل

انتخابات ایران

به نقل از AP

نیکوزیا، قبرس، AP روز یکشنبه، ایران دومین انتخابات پارلمانی خود را از زمان انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تا بحال برگزار می‌کند، (در این انتخابات) ۱۵۰۰ نفر کاندیدا - که آنها روحانی هستند - (و) دقیقاً تصفیه شده‌اند را جهت ۲۷۰ کرسی نمایندگی مجلس به معرض انتخاب گذاشته شده‌اند. تمامی کاندیداها به انضمام ۱۷ زن مجبور بودند که از طرف وزارت کشور و شورای نگهبان - که نهادی جهت تضمین انتقال آرام قدرت پس از مرگ خمینی، رهبر مذهبی که قدرت مطلقه را

در قانون اساسی اسلامی در اختیار دارد است - مورد تأیید قرار گیرند. خبرگزاری "ایرنا" گفت که بسیاری از موارد سوابق کاندیداها توسط پلیس و ضداطلاعات چک گردیده است. خبرگزاری "ایرنا" گزارش نمود که تبلیغات، حتی در شهرها و شهرک‌هایی که در کنار جنبه‌ی جنگ با عراق هستند، تا روز شنبه ادامه خواهد یافت. خامنه‌ای اظهار داشته است که فقط "اعمال ناچیزی که با اسلام سازگاری ندارند" تبلیغات "انتخاب" را صدمه زدند. هیچ توضیح بیشتری داده نشد.

خبرگزاری T T (سوئد)

۱۵/آوریل/۱۹۸۴

در ایران همه چیز در خدمت انتخابات پارلمان

برای ۲۷۰ کرسی پارلمان بیش از ۱۲۰۰ نامزد انتخاباتی خود را برای انتخابات معرفی کرده‌اند گفته می‌شود که همه‌ی ایرانیان بیش از ۱۶ سال حق رای دارند. بخاطر احتمال حملات سیاسی گزارش می‌شود که اقدامات امنیتی گسترده‌ای صورت گرفته باشد از جمله اینکه حرکت موتورسیکلت در تمام شهرهای بزرگ ممنوع شده سازمان اسلامی چپ‌مجاهدین مردم ایران را به تحریم انتخابات فرا خوانده و تهدید نموده که از خشونت انقلابی استفاده خواهد کرد. اینها را خبرگزاری AFP گزارش کرده است.

•••

جنایت فجیع دیگری از دژخیمان خمینی

جلادان خمینی در زندان سپاه ضد خلقی رودسر

۴ زندانی سیاسی مجاهد و مبارز را

زنده زنده سوزاندند!

ماه گذشته (اسفند ۶۲) دژخیمان خمینی در زندان رودسر ۴ مجاهد و مبارز بنام های علیجانی، جمالی، مبارکی و صدیق را در یکی از سلول های زندان سپاه ضد خلقی رودسر زنده زنده سوزانده و به شهادت رساندند. مجاهد شهید سیروس علیجانی (اهل "میان بوشکه" واقع در "چینیچیان" رودسر) یکسال و هشت ماه از محکومیت خود را سیری کرده و هنگام شهادت ۲۰ ساله بود. مجاهدین شهید، جمالی و مبارکی هر دو اهل "املش" و مبارز شهید صدیق اهل روستای "چافچیر" (از توابع رودسر) بودند و هر سه مدت محکومیت خود را در زندان سپاه ضد خلقی رودسر می گذراندند. گزارشات موثق حاکی از آنست که هر ۴ مجاهد و مبارز دلیر در مبارزات سیاسی بر علیه رژیم در زندان فعال بوده اند و دژخیمان خمینی آنها را به همین دلیل از جمع زندانیان سیاسی جدا کرده و در سلول کوچکی به آتش کشیده اند. لازم به توضیح است که خبر جنایت فجیع مزدوران خمینی در سرتاسر منطقه و حتی روستاهای کوچک پخش شده و خشم و نفرت خانواده ها را برانگیخته است. به همین دلیل ایادی و مزدوران رژیم سعی می کنند شایع کنند که این ۴ تن عمدا در سلول خود را به آتش کشیده اند! از سوی دیگر رژیم جسد سوخته شده این چهار انقلابی دلیر را در

گورستان "چافچیر" به خاک سپرده است. خانواده ی "صدیق" که سعی در بازیگری کردن جسد فرزندشان از دست مزدوران رژیم داشتند، با ضرب و شتم شدید آنها روبرو گشته اند.

ضمنا اضافه کنیم که موج اعدام های مخفیانه در زندان رودسر - مانند دیگر شکنجه گاه های رژیم - همچنان بالاست و طبق اطلاع موثق، دژخیمان زندان سپاه رودسر، در روزهای اول عید نوروز امسال، ۴ تن از رزمندگان مجاهد (اهل روستای "بی بالان") و یک تن دیگر از مجاهدین بنام عباس علی پور (اهل "چافچیر") را در سواحل نزدیک رودسر اعدام کرده اند. اعدام انقلابیون در ساحل از آن جهت است که خبر تیرباران زندانیان سیاسی در محل سپاه رودسر، بسرعت در شهر پخش می شود و مزدوران سپاه از ترس خشم مردم مدتهاست از خلوت بودن ساحل دریا استفاده کرده و سفره ی چرمی جنایت خود را در آنجا پهن می کنند. در این رابطه بد نیست توضیح دهیم که بنا بر گزارشات متعدد رسیده از سوی صیادان زحمتکش منطقه، مزدوران رژیم، قبل از تیرباران زندانیان، در زیر پای آنها سفره نایلونی یا پلاستیکی بزرگی پهن می کنند تا آثار جنایتشان بر روی ساحل باقی نماند.

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت

بخشنامه به نمایندگی های شورا

بدنبال صدور اطلاعیه ۴/ فروردین ۱۳۶۳ شورای ملی مقاومت، مبنی بر خاتمه همکاری شورا با آقای بنی صدر، ماده ی ۷ فصل اول برنامه ی شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران در اجلاس روزهای ۲۰ و ۲۱ فروردین لغو گردید. مراتب مزبور بدینوسیله جهت اطلاع اعلام می گردد. نمایندگی های شورا در کشورهای مختلف اطلاعیه حاضر را در ردیف بخشنامه های شورا تلقی نمایند.

دبیرخانه ی شورای ملی مقاومت

۱۳۶۳/۱/۲۲

تصحیح و پوزش:

در بیانیه ی شورای ملی مقاومت مندرج در مجاهد شماره ی قبل در فهرست امضا های بیانیه (مورخ ۲۱/ فروردین/ ۶۳) نام آقای دکتر ناصر پاکدامن که از شخصیت های عضو شورای ملی مقاومت هستند، به هنگام انتشار اسامی شخصیت هایی که اعلام نامشان بلامانع بود، از قلم افتاده بود که بدینوسیله تصحیح می گردد.

گرامی باد خاطره تابناک ۹ انقلابی اسیر

که بدست دژخیمان شاه خائن بر فراز تپه های اوین

به شهادت رسیدند

تقویم مجاهد

تقویم هفته:

از ۳۰ فروردین تا ۵ اردیبهشت ۱۳۶۳

* ۳۰ فروردین (۱۳۵۱): شهادت اولین دسته از اعضای مرکزیت سازمان مجاهدین خلق ایران مجاهدین شهید: علی باگری، ناصر صادق، علی میهن دوست و محمد بازرگانی توسط مزدوران شاه خائن

* ۳۰ فروردین (۱۳۵۴): شهادت مظلومانه ی ۹ انقلابی اسیر، مجاهدین خلق: کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل و فدائیان خلق: بیژن جزینی، عزیز سرمدی، عباس سورگی، احمد جلیل افشار، محمد چوپانزاده، مشعوف (سعید) کلانتری و حسن ضیاء ظریفی توسط دژخیمان ساواک بر فراز تپه های اوین

* ۳۰ فروردین (۱۳۶۱): معرفی برادر مجاهد علی زرکش بعنوان قائم مقام مسئول اول و فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین خلق ایران

* ۳۱ فروردین (۱۳۵۱): شهادت مجاهد خلق علی اصغر منتظر حقیقی در درگیری با مزدوران ساواک

* ۳۱ فروردین (۱۳۵۹): شهادت مجاهد خلق شکرالله مشکین فام در جریان حمله ی چماقداران و مزدوران مسلح رژیم خمینی به ستاد مجاهدین در مشهد

* فروردین (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: ابوالقاسم تجلی، سیف الله زارع، جمشید شهریاری، علی صالحی، علیرضا صمیمی، حسن طولابی، سعید عزیزی، مریم گوزه گر، مهرانز کوهی، اصغر کرپور، باقر صمدی، تیمور مختاری، حسین مدنی کاشانی و حسین نیلا

* فروردین ۶۲: شهادت مجاهدین خلق: فرشته جعفرزاده، فریدون جهانی، هادی دادیر، احد رئیسی، احمد صابری، مژگان عینی، ملوک ماندگاران، مهدی گرگانی، مسعود مکاری شیرازی یحیی میری، افشین حسامی و عبدالعلی حبیبی فرد

* اول اردیبهشت (۲۱/ آوریل/ ۱۹۳۸): درگذشت علامه اقبال لاهوری

* اول اردیبهشت (۱۳۵۳): انفجار مقر گارد دانشگاه صنعتی شریف مقر ساواکی ها و دیگر مزدوران سرکوبگر شاه توسط مجاهدین خلق.

* اول اردیبهشت (۱۳۵۹): یورش وحشیانه ی پاسداران جنایتکار خمینی به دانشگاهها و کشتار دانشجویان

* اول اردیبهشت (۱۳۶۰): شهادت دو ملیشهای مجاهد خلق فاطمه (رویا) رحیمی و سمیه (پری) نقره خواجا، طی تهاجمات وحشیانه ی چماقداران رژیم خمینی در قائم شهر.

* ۲ اردیبهشت (۱۳۳۷): شهادت مبارزین دلیر آرسن آوانسیان و هوشنگ پوررضوانی

* ۲ اردیبهشت (۱۳۶۰): شهادت ملیشهای مجاهد خلق شهرام اسماعیلی در آمل

* ۲ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: رحمان ناصری، ایرج لعلی، همایون نجفی و کورش نگهداری طی درگیری با مزدوران خمینی در سندانج.

* ۳ اردیبهشت (۱۳۵۹): شهادت ملیشهای دلیر احمد گنجهای در جریان توطئه ی باصطلاح انقلاب فرهنگی در رشت

* ۴ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق فاطمه (منیژه) شهرستانی در مشهد



علی میهن دوست



علی میهن دوست



علی میهن دوست



علی میهن دوست



علی میهن دوست



علی میهن دوست



علی میهن دوست

دیدار آقای اکرم حورانی با برادر مجاهد مسعود رجوی



بیطار) حزب سوسیالیست بعث عرب ایجاد شد که تا سال ۱۹۶۱ ادامه داشت. در زمان حیات دکتر مصدق فقید و استقرار دولت ملی - دمکراتیک او در ایران، اکرم حورانی، حزب سوسیالیست و روزنامه‌ی "الاشتراکیه" (که در دمشق توسط حورانی منتشر می‌شد) به حمایت از نهضت ملی ایران بقیه در صفحه‌ی ۲۳

از این تاریخ، آقای حورانی ریاست پارلمان منتخب سوریه را بر عهده داشت و از ۱۹۴۳ به بعد برجسته‌ترین نماینده‌ی پارلمان سوریه بود. اکرم حورانی در سال ۱۹۵۰ حزب سوسیالیست عرب را بنیانگذاری نمود. سه سال بعد در ۱۹۵۳ از اتحاد حزب سوسیالیست و حزب بعث (به رهبری میشل عفلق و صلاح

هفته‌ی گذشته آقای اکرم حورانی با برادر مجاهد مسعود رجوی دیدار و گفتگو نمود. آقای حورانی در فاصله‌ی سال‌های ۶۱ - ۱۹۵۸ که مصر و سوریه تحت نام واحد "جمهوری متحده‌ی عربی" به ریاست جمهوری عبدالناصر فقید متحد شده بودند، نیابت ریاست جمهوری را برعهده داشت، تا اینکه سرانجام خود استعفا نمود. قبل

نگاهی به نوشته‌ها و گفته‌ها

سفیه جنایتکار و تمرین نقش ولایتعهدی

چندی است که منتظری جنایتکار، در ایفای نقشی که از جانب خمینی دجال به او واگذار شده است، به تمرین تکالیف "ولایتعهدی" مشغول است و کمتر روزی است که رسانه‌های تبلیغاتی رژیم از "عزل و نصب"ها، "پیام"ها، "رهنمود"ها و "دیدار"های وی خبری در بوق و کرنا نکنند. در رابطه با این تبلیغات و مانورهای مضحک رژیم خمینی، برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در پیام خود بمناسبت آغاز سال ۱۳۶۳ چنین گفته است: "... گزارشات موثق، حاکی از آن است که برای اینکه قطع امید و دل‌کندن مطلق ناآگاهترین اقشار و نازلترین افراد و جریان‌های سیاسی، باز هم قدری بتعویق بیفتد و هنوز هم معدودی فکر کنند که یک در هزار، هنوز هم ممکن است از داخل این رژیم نسیمی بوزد؛ خمینی که خود در تابستان گذشته بعینه دیده بود که حتی خبرگان منتخب خودش، بر سر ولایتعهدی منتظری اتفاق نظر ندارند؛ به منتظری تکلیف نمود که در اظهاراتش لحن انتقادی بگیرد."

بقیه در صفحه‌ی ۱۱

۲۸ فروردین (۱۵ رجب)

سالروز وفات حضرت زینب (ع) را به عموم شیعیان جهان تسلیت می‌گوئیم

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:
انگلستان
BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش
Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان
Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه
B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430
AUVERS_SUR_OISE
FRANCE
فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002
در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان!
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تأثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبنونه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ی پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه
A.E.M B.P49
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: _____
Prénom: _____
Adresse: _____

بهای اشتراک:

- سه ماهه
 - شش ماهه
 - یکساله
- معادل ۱۲ دلار
۲۳ دلار
۴۴ دلار

دستور محوری روز:
گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی